



دپارتمان حقوق و علوم سیاسی



دایرة المعارف

# حقوق بین الملل خصوصی

گروه آموزشی حقوق بین الملل

۱۳۹۴

چاپ اول



DEPARTMENT  
of law and political sciences



## حقوق بین الملل خصوصی

### قسمت اول - کلیات

۱۱	گفتار اول - مفهوم و ماهیت حقوق بین الملل خصوصی	فصل اول - مبانی حقوق بین الملل خصوصی
۱۳	گفتار دوم - مشخصات حقوق بین الملل خصوصی	
۱۳	گفتار سوم - قلمرو حقوق بین الملل خصوصی	
۱۸	گفتار چهارم - رابطه حقوق بین الملل خصوصی با حقوق بین الملل عمومی و حقوق داخلی	
۲۰	گفتار پنجم - فواید حقوق بین الملل خصوصی	
۲۵	گفتار ششم - تاریخچه حقوق بین الملل خصوصی	
۳۵	گفتار اول - منابع داخلی حقوق بین الملل خصوصی	فصل دوم - منابع حقوق بین الملل خصوصی
۳۵	بند اول - قانون	
۳۶	۱. قانون مدنی	
۴۲	۲. قانون آیین دادرسی مدنی	
۴۴	۳. قانون امور حسبی	
۴۶	۴. قانون اجرای احکام مدنی	
۴۸	۵. قانون تجارت	
۴۸	۶. قانون اساسی	
۴۹	۷. قانون کار	
۵۰	بند دوم - رویه قضایی	
۵۱	بند سوم - عرف	
۵۲	بند چهارم - عقاید علمای حقوق   دکترین	
۵۲	گفتار دوم - منابع بین المللی حقوق بین الملل خصوصی	
۵۴	بند اول - عهدنامه های بین المللی	
۵۴	الف - انواع عهدنامه ها	
۵۶	ب - اجرای عهدنامه ها و بحث تعارض	
۵۷	ج - تفسیر عهدنامه ها	
۵۹	د - پایان عهدنامه ها	
۶۰	بند دوم - رویه قضایی بین المللی	
۶۱	بند سوم - عرف بین المللی	
۶۱	بند چهارم - عقاید علمای حقوق   دکترین	
۶۱	بند پنجم - دکترین	

فصل سوم - پرسشنامه ، شامل تمام سوالات آزمونهای گذشته کارشناسی ارشد مربوط به [ کلیات حقوق بین الملل خصوصی ] از اولین آزمون تا آخرین آزمون . ۶۳

## قسمت دوم - تابعیت ، اقامتگاه ، بیگانگان

۶۹	گفتار اول - تابعیت به طور کلی	فصل اول - تابعیت
۶۹	بند اول - مفهوم تابعیت	
۷۰	بند دوم - شرایط تحقق تابعیت	
۷۱	بند سوم - حقوق ناشی از تابعیت   آثار تابعیت	
۷۲	بند چهارم - تابعیت و ملیت	
۷۴	بند پنجم - منافع بین المللی تابعیت	
۷۶	بند ششم - تعارض قوانین تابعیت	
۷۷	بند هفتم - اصول تابعیت	
۹۰	گفتار دوم - تابعیت در ایران	
۹۰	بند اول - تاریخچه تابعیت در ایران	
۹۱	بند دوم - تابعیت اشخاص حقیقی	
۹۱	اول - تابعیت مبدأ یا اصلی	
۹۱	الف - تابعیت مبدأ یا اصلی به طور کلی	
۹۶	ب - تابعیت مبدأ در ایران	
۱۰۱	دوم - تابعیت اکتسابی	
۱۰۱	الف - حالات تابعیت اکتسابی	
۱۰۶	ب - شرایط تحصیل تابعیت ایران	
۱۰۹	ج - آثار تحصیل تابعیت ایران	
۱۱۰	سوم - خروج از تابعیت	
۱۱۰	الف - حالات خروج از تابعیت ایران	
۱۱۱	ب - شرایط ترک تابعیت ایران	
۱۱۴	ج - ضمانت اجرای شرایط ترک تابعیت ایران	
۱۱۵	د - ترک تابعیت زوجه و اطفال	
۱۱۶	ه - موارد ترک تابعیت قانونی بدون رعایت ماده ۹۸۸ قانون مدنی	
۱۱۷	چهارم - بازگشت به تابعیت ایران	
۱۱۷	بند سوم - تابعیت اشخاص حقوقی	
۱۱۷	الف - مفهوم و ماهیت اشخاص حقوقی	
۱۱۸	ب - انواع اشخاص حقوقی	
۱۲۰	ج - ضوابط کلی تعیین تابعیت اشخاص حقوقی	
۱۲۲	د - ضوابط تعیین تابعیت اشخاص حقوقی در ایران	
۱۲۳	و - تابعیت شرکت های چند ملیتی	
۱۲۵	بند چهارم - ادله تابعیت	
۱۲۸	بند پنجم - دعاوی تابعیت	
۱۳۲	گفتار اول - اقامتگاه به طور کلی	فصل دوم - اقامتگاه
۱۳۲	بند اول - تاریخچه اقامتگاه در حقوق بین الملل	
۱۳۳	بند دوم - اقامتگاه و نظم بین المللی	
۱۳۴	بند سوم - اصول مشترک اقامتگاه و تابعیت	
۱۳۶	بند چهارم - تعارض قوانین اقامتگاه	
۱۳۷	گفتار دوم - اقامتگاه در ایران	
۱۳۷	بند اول - تاریخچه اقامتگاه در ایران	
۱۳۸	بند دوم - اقامتگاه اشخاص حقیقی	
۱۳۸	اول - مفهوم و ماهیت اقامتگاه	
۱۴۰	دوم - آثار و فوائد اقامتگاه	
۱۴۳	سوم - اصول و مبانی اقامتگاه	
۱۴۵	چهارم - عناصر اقامتگاه	
۱۴۶	پنجم - اقسام اقامتگاه	
۱۵۰	بند سوم - اقامتگاه اشخاص حقوقی	
۱۵۴	گفتار اول - بیگانگان به طور کلی	فصل سوم - بیگانگان
۱۵۴	بند اول - مفهوم حقوقی بیگانگان	
۱۵۴	بند دوم - تاریخچه بیگانگان در حقوق بین الملل	
۱۵۵	بند سوم - انواع بیگانگان	
۱۵۶	بند چهارم - اصول حاکم بر حقوق بیگانگان	
۱۶۰	گفتار دوم - بیگانگان در ایران	
۱۶۰	بند اول - تاریخچه بیگانگان در ایران	
۱۶۳	بند دوم - وضعیت اشخاص حقیقی بیگانه در ایران	
۱۶۳	اول - وضعیت اشخاص حقیقی بیگانه در ایران از لحاظ ورود ، اقامت ، خروج ، پناهندگی و استرداد	
۱۷۷	دوم - وضعیت اشخاص حقیقی بیگانه در ایران از لحاظ حقوق خصوصی	
۱۹۴	سوم - وضعیت اشخاص حقیقی بیگانه در ایران از لحاظ حقوق عمومی	
۲۰۵	بند سوم - وضعیت اشخاص حقوقی بیگانه در ایران	
۲۲۰	فصل چهارم - پرسشنامه ، شامل تمام سوالات آزمونهای گذشته کارشناسی ارشد مربوط به [ تابعیت ، اقامتگاه ، بیگانگان ] از اولین آزمون تا آخرین آزمون .	

## قسمت سوم - مبانی تعارض قوانین در حقوق بین الملل خصوصی

فصل اول - مفهوم و ماهیت تعارض قوانین

گفتار اول - مفهوم تعارض قوانین ۲۵۱  
گفتار دوم - عوامل تکوین تعارض قوانین ۲۵۲  
گفتار سوم - رابطه تعارض قوانین و تعارض دادگاهها ۲۵۳

فصل دوم - اصطلاحات تعارض قوانین

گفتار اول - صلاحیت قانونگذاری و صلاحیت قضایی ۲۵۷  
گفتار دوم - قواعد حل تعارض و قواعد مادی ۲۵۷  
گفتار سوم - دسته های ارتباط ۲۵۸  
گفتار چهارم - قوانین درون مرزی و قوانین برون مرزی ۲۵۹  
گفتار پنجم - قوانین شخصی و قوانین عینی و ذاتی ۲۶۰  
گفتار ششم - دیگر اصطلاحات تعارض قوانین ۲۶۰  
۱. قانون ملی ۲۶۰  
۲. قانون اقامتگاه ۲۶۱  
۳. قانون محل وقوع شی ۲۶۱  
۴. قانون محل تنظیم سند ۲۶۱  
۵. قانون حاکمیت اراده ۲۶۱  
۶. قانون محل وقوع عقد ۲۶۱  
۷. قانون مقر دادگاه ۲۶۱

فصل سوم - قلمرو تعارض قوانین

گفتار اول - آیا حقوق جزا، اداری و مالیه بین الملل داخل در قلمرو تعارض قوانین هستند؟ ۲۶۳  
گفتار دوم - آیا تعارض قوانین منحصر به روابط بین المللی است یا اینکه تعارض داخلی قوانین نیز داخل در قلمرو آن است؟ ۲۶۵  
گفتار سوم - قوانین مشمول قاعده های تعارض قوانین ۲۶۷  
گفتار چهارم - قوانین بیرون از دایره نفوذ قاعده های تعارض قوانین ۲۷۰  
گفتار پنجم - صور بین المللی و داخلی تعارض قوانین ۲۷۲

فصل چهارم - روش های حل تعارض قوانین

گفتار اول - روش اصولی یا جزئی ۲۷۶  
گفتار دوم - روش حقوقی یا انتخاب انطباق ۲۷۷  
گفتار سوم - رهنمودهای عام برای حل تعارض قوانین ۲۷۸

فصل پنجم - تحولات تاریخی تعارض قوانین

گفتار اول - تحولات تاریخی تعارض قوانین در دوره قدیم ۲۸۱  
بند اول - مکتب قدیم ایتالیایی ۲۸۱  
بند دوم - مکتب قدیم فرانسوی ۲۸۵  
بند سوم - مکتب هلندی ۲۸۸  
گفتار دوم - تحولات تاریخی تعارض قوانین در دوره جدید ۲۸۹  
بند اول - مکتب آلمانی ۲۹۰  
بند دوم - مکتب جدید ایتالیایی ۲۹۳  
بند سوم - مکتب جدید فرانسوی ۲۹۵  
گفتار سوم - سرنوشت نظریه های تعارض قوانین در نظام های حقوقی انگلیس و آمریکا ۳۰۲  
الف - پذیرش اصل نزاکت ۳۰۲  
ب - نظریه مبتنی بر حقوق مکتسب ۳۰۳  
ج - نظریه حقوق محلی ۳۰۳  
د - نظریه مبتنی بر نفع دولت ۳۰۴

فصل ششم - پرسشنامه ؛ شامل تمام سوالات آزمونهای گذشته کارشناسی ارشد مربوط به [ مبانی تعارض قوانین در حقوق بین الملل خصوصی ] از اولین آزمون تا آخرین آزمون ۳۰۶

## قسمت چهارم - حل تعارض قوانین در حقوق بین الملل خصوصی

### فصل اول - رابطه بین سیستم های حل تعارض قوانین

۳۱۹	گفتار اول - توصیف : اختلاف بین سیستم های حل تعارض از حیث محتوی دسترسی ارتباط
۳۱۹	بند اول - مفهوم و ماهیت توصیف
۳۲۱	بند دوم - راه حل های پیشنهادی برای توصیف
۳۲۱	الف - توصیف به موجب قانون مقر دادگاه
۳۲۴	ب - توصیف به موجب قانون سبب
۳۲۶	ج - توصیف بین المللی
۳۲۷	گفتار دوم - احاله : اختلاف بین سیستم های حل تعارض از جهت قواعد ارتباط
۳۲۸	بند اول - تعارض منفی   احاله
۳۲۸	الف - مفهوم و ماهیت احاله
۳۲۹	ب - زمینه های تاریخی احاله
۳۲۹	ج - نظریات راجع به احاله
۳۳۲	د - انتقادات وارد بر احاله
۳۳۳	ه - احاله در حقوق ایران
۳۳۵	و - احاله در حقوق انگلیس
۳۳۶	ز - احاله در حقوق آمریکا
۳۳۷	بند دوم - تعارض مثبت
۳۴۰	گفتار سوم - تعارض های متحرک   حقوق منکسه بین المللی   : رابطه بین سیستم های حل تعارض
۳۴۰	بند اول - مفهوم و ماهیت تعارض های متحرک
۳۴۱	بند دوم - حالات تعارض های متحرک
۳۴۲	بند سوم - فایده های تفکیک بین مرحله تشکیل حق و تأثیر بین المللی حق در تعارض های متحرک
۳۴۳	بند چهارم - شرایط تأثیر بین المللی حق   شرایط حق منکسه
۳۴۴	بند پنجم - حدود تأثیر بین المللی حق
۳۴۶	گفتار چهارم - تعارض صریح و تعارض مخفی
۳۴۶	بند اول - سیستم های ملی حل تعارض
۳۴۷	بند دوم - تقسیم بندی تعارض ها
۳۴۸	بند سوم - راه حل تعارض های صریح
۳۴۹	بند چهارم - راه حل تعارض مخفی

### فصل دوم - اجرای قانون صلاحیتدار

۳۵۱	گفتار اول - نحوه اجرای قانون خارجی
۳۵۱	بند اول - قدرت اجبارکننده قانون خارجی از کجا ناشی می شود ؟
۳۵۴	بند دوم - مسئله استناد به قانون خارجی
۳۵۵	بند سوم - بررسی مفاد و محتویات قانون خارجی
۳۵۷	گفتار دوم - موانع اجرای قانون خارجی
۳۵۷	بند اول - نظم عمومی
۳۶۳	بند دوم - تقلب نسبت به قانون
۳۶۹	گفتار سوم - شناسایی و اجرای احکام مدنی خارجی در حقوق فرانسه ، حقوق انگلیس و آمریکا
۳۶۹	الف - مفهوم و ماهیت شناسایی و اجرای احکام مدنی
۳۷۰	ب - سیستم فرانسوی ، اصل عدم قابلیت اجرای حکم خارجی
۳۷۳	ج - سیستم انگلیسی - آمریکایی : اصل قابلیت اجرای احکام خارجی

فصل سوم - پرسشنامه « شامل تمام سوالات آزمونهای گذشته کارشناسی ارشد مربوط به [ حل تعارض قوانین در حقوق بین الملل خصوصی ] از اولین آزمون تا آخرین آزمون » ۳۷۷

## قسمت پنجم - تعارض قوانین در حقوق بین الملل خصوصی ایران

۴۰۰	گفتار اول - مفهوم و مختصات احوال شخصیه	فصل اول - احوال شخصیه
۴۰۶	گفتار دوم - قانون حاکم بر احوال شخصیه	
۴۰۶	بند اول - قانون حاکم بر احوال شخصیه ایرانیان مقیم خارج	
۴۰۷	بند دوم - قانون حاکم بر احوال شخصیه ایرانیان غیر شیعه	
۴۰۷	بند سوم - قانون حاکم بر احوال شخصیه اتباع خارجه در ایران	
۴۰۸	بند چهارم - موارد مختلف اعمال قانون بر احوال شخصیه	
۴۰۹	بند پنجم - استثنائات قاعده اعمال قانون ملی نسبت به احوال شخصیه	
۴۱۱	گفتار سوم - موضوعات احوال شخصیه	
۴۱۱	بند اول - نکاح	
۴۱۵	بند دوم - طلاق	
۴۱۶	بند سوم - روابط بین ابوبن و اولاد	
۴۱۷	بند چهارم - ولایت و قیمومت	
۴۱۷	بند پنجم - قرابت و نسب	
۴۲۰	بند ششم - ارث و وصیت	
۴۲۶	گفتار چهارم - تعیین تابعیت و اقامتگاه از دید تعارض قوانین	
۴۳۲	گفتار اول - اموال مادی	فصل دوم - اموال
۴۳۲	بند اول - اموال غیر منقول	
۴۳۴	بند دوم - اموال منقول	
۴۳۷	گفتار دوم - اموال غیر مادی	
۴۳۷	بند اول - حقوق عینی	
۴۳۸	الف - حقوقی عینی اصلی   حق مالکیت ، حق انتفاع ، حق ارتفاق ، وقف	
۴۴۰	ب - حق عینی تبعی   حق رهنی - حق عینی ناشی از توقیف قضایی مال	
۴۴۱	ج - صور تحصیل حقوق عینی	
۴۴۵	بند دوم - مالکیت های معنوی و دیون	
۴۴۶	الف - مالکیت های معنوی   ادبی ، هنری ، صنعتی و علائم و اختراعات	
۴۵۱	ب - دیون   وثیقه های عام بستاکاران ، اسناد قابل معامله	
۴۵۷	گفتار اول - تنظیم اسناد	فصل سوم - اسناد
۴۶۱	گفتار دوم - اسناد تجاری	
۴۷۵	گفتار اول - تعیین قانون حاکم بر قرارداد به طور کلی	فصل چهارم - قراردادها و تعهدات   اعمال حقوقی
۴۷۹	گفتار دوم - تعیین قانون حاکم بر قرارداد در حقوق ایران	
۴۸۱	گفتار اول - ویژگی های تعهدات بدون قرارداد	فصل پنجم - الزامات خارج از قرارداد   وقایع حقوقی
۴۸۴	گفتار دوم - چگونگی تعیین قانون صالح درباره تعهدات بدون قرارداد	
۴۸۴	الف - تعهدات ناشی از جرم و شبه جرم	
۴۸۷	ب - تعهدات ناشی از شبه عقد	
۴۸۸	گفتار سوم - قلمرو قاعده محل واقعه در تعهدات بدون قرارداد	
۴۹۰	گفتار چهارم - کنوانسیون های لاهه در زمینه مسئولیتهای مدنی	
۴۹۲	گفتار اول - ویژگی ها و خصوصیات تعارض صلاحیت دادگاهها	فصل ششم - تعارض صلاحیت دادگاهها
۴۹۲	الف - خطوط کلی تعارض صلاحیت ها	
۴۹۲	ب - صلاحیت قانونی و صلاحیت قضایی	
۴۹۴	ج - فواید تعیین صلاحیت بین المللی دادگاهها	
۴۹۵	د - ماهیت صلاحیت بین المللی دادگاهها	
۴۹۶	ه - منابع قاعده های تعارض صلاحیت ها	
۴۹۷	گفتار دوم - قواعد صلاحیت بین المللی دادگاهها	
۴۹۷	بند اول - اجرای قواعد صلاحیت محلی	
۴۹۹	بند دوم - اجرای قواعد صلاحیت بین المللی	
۵۰۳	گفتار سوم - طرح مصونیت های سیاسی در دادگاهها	
۵۰۳	بند اول - مصونیت دولت های بیگانه	
۵۰۴	بند دوم - مصونیت رؤسای کشورهای بیگانه	
۵۰۵	بند سوم - مصونیت مأموران سیاسی	
۵۰۸	بند چهارم - مصونیت مأموران کنسولی	
۵۰۹	بند پنجم - مصونیت سازمانهای بین المللی	
۵۱۴	گفتار چهارم - آیین دادرسی دادگاههای داخلی در دعاوی بین المللی	
۵۱۷	گفتار پنجم - شناسایی و اجرای احکام خارجی و آرای داوری	

### فصل هفتم - برخی از قوانین مربوط به حقوق بین الملل خصوصی

۱. قانون رشد متعاملین
۲. قانون اجازه رعایت احوال شخصیه ایرانیان غیر شیعه در محاکم
۳. قانون منع ازدواج کارمندان وزارت امور خارجه با اتباع بیگانه
۴. آیین نامه زناشویی بانوان ایرانی با اتباع بیگانه غیر ایرانی

فصل هشتم - پرسشنامه « » شامل تمام سوالات آزمونهای گذشته کارشناسی ارشد مربوط به [ تعارض قوانین در حقوق بین الملل خصوصی ایران ] از اولین آزمون تا آخرین آزمون ۵۵۰

## پیوست ۱ - نمونه فرمهای وزارت امور خارجه

۵۷۰	فرم شماره ۱ - اظهاریه بقا به تابعیت پدر
۵۷۱	فرم شماره ۲ - سند بقا به تابعیت پدر
۵۷۲	فرم شماره ۳ - اظهاریه تحصیل تابعیت دولت جمهوری اسلامی ایران
۵۷۳	فرم شماره ۴ - سند تابعیت
۵۷۴	فرم شماره ۵ - درخواست نامه رجوع به تابعیت اصلی
۵۷۵	فرم شماره ۶ - موافقت نامه رجوع به تابعیت اصلی
۵۷۶	فرم شماره ۷ - تقاضانامه خروج از تابعیت
۵۷۷	فرم شماره ۸ - سند خروج از تابعیت
۵۷۸	فرم شماره ۹ - درخواست نامه برگشت به تابعیت دولت جمهوری اسلامی ایران
۵۷۹	فرم شماره ۱۰ - موافقت نامه بازگشت به تابعیت اصلی
۵۸۰	فرم شماره ۱۱ - سند شناسایی تابعیت خارجی
۵۸۱	فرم شماره ۱۲ - اظهاریه قبول تابعیت زوج

### پیوست ۲ - مجموعه سوالات حقوق بین الملل خصوصی

- |     |  |
|-----|--|
| ۵۸۳ | ۱. حقوق بین الملل خصوصی ، آزمون کارشناسی ارشد سراسری ، بهمن ماه ۱۳۹۱ |
| ۵۸۵ | ۲. حقوق بین الملل خصوصی ، آزمون کارشناسی ارشد سراسری ، بهمن ماه ۱۳۹۲ |
| ۵۸۸ | ۳. حقوق بین الملل خصوصی ، آزمون کارشناسی ارشد سراسری ، بهمن ماه ۱۳۹۳ |





## مقدمه<sup>۱</sup>

آنچه در پیش رو دارید، ماحصل تفکر و نتیجه ای است که بی شک اگر درست از آن استفاده شود شما را در صدر هر موفقیتی که بدان منظور اقدام داشته اید، قرار خواهد داد. بنابراین برای حصول به آن، توصیه می شود آنچه که در ذیل می آید به دقت مطالعه و عمل شود. همانگونه که از صفحات یک الی پنج آمده است، موضوعات این جزوه در پنج قسمت به شرح ذیل پلان بندی و تقسیم و تفکیک موضوع شده است:

قسمت اول - کلیات حقوق بین الملل خصوصی

قسمت دوم - تابعیت، اقامتگاه، بیگانگان

قسمت سوم - مبانی تعارض قوانین در حقوق بین الملل خصوصی

قسمت چهارم - حل تعارض قوانین در حقوق بین الملل خصوصی

قسمت پنجم - تعارض قوانین در حقوق بین الملل خصوصی ایران

هر قسمت از جزوه، به ترتیب عبارت است از: شرح دروس، تست و آزمون.

**الف** - هر قسمت از جزوه ابتدا به توضیح و شرح درس می پردازد.

برای تدوین شرح دروس که به صورت موضوعی و تخصصی انجام شده، از جمیع منابع موجود در کشور، شامل: منابع دانشگاههای تهران شهید بهشتی، ...، منابع موضوعی، منابع مکمل و کمک آموزشی، بر پایه جدیدترین منابع طرح سوال و بر اساس آخرین سرفصل های وزارت علوم و شورای عالی برنامه ریزی درسی دانشگاهها، البته در سطحی جلوتر و وسیع تر از سطح تمام آزمون های حقوق استفاده شده است. به گونه ای که با یک مطالعه مفید بتوان تقریباً به همه سوالات امتحانی پاسخ صحیح داد، در صورتیکه برای بدست آوردن بالاترین رتبه در هر امتحان حقوقی در سطح کشور، پاسخگویی میانگین حدود هشتاد درصد به سوالات معمولاً کفایت می کند. بر این اساس نه تنها به هیچ منبعی آموزشی نیاز نخواهیم داشت، بلکه اگر بهینه و درست از آن استفاده شود سطح داده ها و اطلاعات هر فرد را به قدری افزایش و ارتقاء خواهد داد که موفقیت برای هر امتحان ورودی یک امر آسانی خواهد شد.

توضیح و شرح درس، هدف اصلی ارائه جزوات است. چرا که شما زمانی می توانید به پرسشهای پیرامون یک موضوع پاسخ صحیح دهید که پیرامون آن موضوع از لحاظ داده ها و اطلاعات اشراف داشته باشید. چنین خاصیتی می تواند حتی این توانایی را نیز برایتان به دنبال داشته باشد که به پرسشهای مفهومی و ایهام در جواب نیز در نهایت آخرین پاسخ درست را داشته باشید. بر این اساس، حرکت پایه ای و اصولی آن است که اهم وقت خود را صرف یادگیری عمیق و دقیق توضیح درسها نمایید. برای یادگیری عمیق و دقیق توضیح درسها، حتی الامکان مطابق با استانداردهای علمی و نوین مطالعه شود. بدین منظور باید از تفکر مدرسه ای و سیستم سنتی آموزشی رایج، فاصله گرفت و از عیوب مطالعه، یعنی از هرگونه تقلیدات و خود محدودیتی تحت عنوان به ظاهر برنامه مطالعه [یعنی مقید کردن خویش به ساعت و سقف مطالعه] که از نتایج و طبیعت سیستم سنتی آموزشی است، پرهیز نمود.

برای مطالعه علمی و نوین و به تبع بازدهی و نتیجه ای نوین و متفاوت، به ترتیب رعایت موارد ذیل توصیه و تاکید می شود:

- از موارد و مبادی بسیار مهم برای یک مطالعه مفید، ابتدا نوعیت **تفکر مطالعه** است. در تفکر مطالعه، همیشه باید تفکر و اندیشه این باشد که می خواهید بالاترین و بهترین باشید. در این نوعیت تفکر حتی بالاترین آزمون ها نیز پایه مطالعه قرار می گیرد و به بالاتر از آن تفکر می شود. به عبارتی با اعتماد به نفس بس بالا و اینکه می خواهید واقعاً متفاوت باشید و دانش بالایی داشته باشید مطالعه کنید، نه صرف جبرامتحان.
- همچنین **شرایط و محیط مطالعه** را مناسب سازید. حتی الامکان سعی شود، در محیطی کاملاً ساکت و به دور از هرگونه آلودگی صوتی و سروصدا و عاری از هرگونه **مشغله فکری** وارد مطالعه شوید. اگر ذهنتان مشغول و مشوش موضوعی شده است آن را حل کنید، سپس وارد مطالعه شوید. با **انگیزه و علاقه** مطالعه نمایید و هر زمان احساس کردید که خسته هستید، خمیازه می کشید یا خوابتان می آید، موقتاً مطالعه را کنار بگذارید.
- حتی الامکان برای مطالعه **تایم** مشخصی از قبل فرض نکنید و در نظر نگیرید. همچنین از قبل پیش فرض **سقف مطالعه** یا تعداد صفحات نیز نشود. یعنی نه از قبل مشخص نمایید که مثلاً هر روز ۵ ساعت مطالعه نمایید و نه از قبل مشخص نمایید که مثلاً هر روز ۱۰۰ صفحه مطالعه داشته باشید. وقتی که چنین پیش فرض هایی را ایجاد می کنیم، از یک طرف می خواهیم به هر طریق ممکن به آن برسیم و این ممکن است خارج از قواعد توانایی باشد که به تبع،

<sup>۱</sup> مقدمه تمام جزوات، با اندکی تفاوت در برخی نکات و موارد خاص، تقریباً مشابه است. علت موارد تشابه و تکرار مقدمه در تمام جزوات، برای آن است که برخی از متقاضیان، جزوات را به صورت تکدرس تهیه می کنند.

باعث پایین آمدن کیفیت مطالعه خواهد بود و از طرف دیگر، هرگونه تغییر در ساعت یا سقف مطالعه پیش فرض شده که به خاطر اتفاقات روزمره که در زندگی های امروز بسیار محتمل و عادی است، حادث شود، می تواند اثرات بس منفی در مطالعه، اعم از مطالعات گذشته یا آتی داشته باشد. به عبارتی برای آنکه بالاترین کیفیت را در مطالعه داشته باشیم، باید فراغ بال مطالعه نماییم و خود را مقید به ساعت یا سقف مطالعه نکنیم.

وقتی که به مسائل و موضوعات زندگی خویش به طور کلی می نگرید و در نهایت دست به اولویت بندی و انتخاب اهداف می زنید، اینکه تصمیم می گیرید که در آزمون یا امتحانی شرکت داشته باشید، اینکه می خواهید با توجه به شرایط خویش اوقاتی را به مطالعه اختصاص دهید، این یک برنامه است. در صورتی که حجم وسیعی از داوطلبان، حتی در سطوح تحصیلات عالی، دچار مشتبه معانی و خلط مبحث شده، درگیر کردن خویش به ساعت یا سقف مطالعه را به برنامه تعبیر می نمایند.

۴. حتی الامکان به صورت انتقادی و کاربردی مطالعه شود. منظور از **انتقادی** این است که مطالعه باید آن قدر عمیق و دقیق باشد، به گونه ای که می خواهیم از موضوعات مورد مطالعه ایراد و عیب یابی کنیم و منظور از **کاربری** آن است که موضوعات مورد مطالعه، مفهومی و به طور کلی [نه نکته ای] وارد حافظه شود، سپس برای خود یا دیگران توضیح داده شود.

۵. با توجه به تفاوت افراد در استعداد و توانایی، اگر دیرتر مطلبی را یاد می گیرید، مطالعات روزانه تان را افزایش ندهید بلکه طول مدت مطالعاتتان را در دراز مدت بیشتر کنید.

۶. با توجه به اینکه موضوعات مورد مطالعه ی ما در زمره محفوظات است نه معادلات ریاضی، بنابراین اگر به هردلیلی در کلیت یادگیری توانا نیستید، اعم از: پایین بودن هوش و استعداد، بی انگیزه و بی علاقه بودن نسبت به موضوعات، پس اساساً توانایی چنین کاری وجود ندارد. تست، کنکور آزمایشی کلاس آموزشی نیز راه و کمکی نخواهد بود. پس این واقعیت را بپذیرید که ..... و به امور دیگری بپردازید.

**ب -** هر قسمت از جزوه بعد از توضیح و شرح درس، به تست و آزمون می پردازد.

در بحث تست و آزمون، تقریباً تمام سوالات آزمونهای گذشته کارشناسی ارشد مربوط به درس مورد بحث از اولین آزمونها تا آخرین آزمونها به هنگام ارائه جزوات آورده شده است.

هدف از ارائه مجموعه سوالات آزمونها در پایان هر قسمت از جزوه صرفاً جهت دو منظور است:

۱. آشنایی با نمونه سوالات آزمونهای گذشته

۲. تمرین و ممارست با نمونه سوالات با عطف و تاکید به سوالات سالهای موخر.

بحث تست و آزمونها برای آنانی در نظر گرفته شده است که در دریافتهای و فهم و هضم موضوعات از جمع بندی و قدرت حافظه ی ضعیف تری برخوردار هستند. بنابراین اگر از قدرت حافظه ی بالایی برخوردار هستید و می توانید شرح دروس را به بهترین نحو وارد حافظه نمایند، بی نیاز از موارد مطروحه در بند [ج] خواهید بود. چرا که در پروسه مطالعات علمی و اصولی، بی شک آنانی که دریافتهای قوی و عمیقی دارند و به موضوع مورد بحث از نظر فراگیری اشراف پیدا می کنند، خواهند توانست به هر پرداخت و پرسشی در اطراف آن موضوع پاسخ صحیح دهند، در این صورت نه تنها تست توصیه نمی شود، بل نوعی بدآموزی تلقی و سببی برای انحراف و اشتباهات در پاسخ به تستهای آتی خواهد بود. شما تست مشابهی را در آزمون آتی مشاهده می کنید، در صورتی که طراح سوال ممکن است اساساً پاسخ دیگری را خواسته باشد، یا تغییر جزئی در گزینه ها باشد که شما متوجه آن نباشید.

**توجه -** در مجموع و در نهایت آنانی که از پرسشنامه ها استفاده می کنند، توصیه می شود حتی الامکان پاسخ هر تست با توجه به متن درس داده شود. پاسخهایی که در پاسخنامه ها آمده است، چون از پاسخهای مرسوم و رایج استفاده شده، بعضاً موارد اشتباه هم دارند، این اشتباه ممکن است ناشی از عدم دریافت منظور طراح سوال باشد یا تست مشابهی که اساساً طراح سوال پاسخ دیگری را خواسته باشد یا اشتباه در ارائه باشد و به هر دلیل دیگر. پس پاسخ هر تست، جهت اطمینان، با شرح درس تطبیق و کنترل شود. چون شرح درس متن آخر برای آزمون آتی است. وانگهی اگر در فهرست تست ها، بعضاً تستی باشد که در متن درس به آن اشاره نشده باشد، چنین تستی به هر دلیلی، اعم از اینکه موضوع آن امروزه عملاً متفی شده باشد یا موضوعی ایهام و انحرافی بوده، دیگر موضوعیت نداشته، آن را کنار بگذارید.

**توصیه می شود**، برای مطالعه این جزوه، با توجه به شرایط موجود خویش [از نظر وقت و زمان]، مطالعه نمایید:

❁ اگر دچار ضیق وقت نیستید، حتی الامکان به ترتیب تقسیم بندی جزوه [به ترتیب از قسمت اول الی پنجم] مطالعه نمایید.

❁ در غیر این صورت توصیه می شود، به ترتیب: فصل اول قسمت دوم، فصل اول قسمت پنجم، قسمت سوم به طور کامل، قسمت چهارم به طور کامل و سپس دیگر موضوعات باقیمانده مطالعه شود.

**قسمت اول****کلیات حقوق بین الملل خصوصی**

## فصل اول

## مبانی حقوق بین الملل خصوصی

## پیشگفتار

زندگی کنونی بشر دیگر وضع ساده سابق را ندارد. روابط انسانها از حدود محله، شهر و کشور گذشته و وسعت بی سابقه‌ای در سطح جهان پیدا کرده است. امروزه میلیونها کارگر در غیر کشور متبوع خود در مراکز صنعتی به کار اشتغال دارند. صدها هزار نفر با عنوان دانشجو، محقق و استاد در حوزه‌های علمی کشورهای غیر مملکت خویش به تحصیل و تحقیق و تدریس اشتغال دارند. امر صادرات و واردات و پیوستگی اقتصادی جوامع و بازرگانی بین‌المللی آنچنان کشورها را به هم نیازمند ساخته که به طور متقابل لازم و ملزوم یکدیگر شده‌اند. هر لحظه دهها هزار نفر بنا بر ضرورت‌های غیر قابل اجتناب، مرزهای سرزمینها را پشت سر می‌گذارند و به سرزمینهای دیگری وارد می‌شوند و بنابراین باید وضع روشن و غیر مبهمی از حیث قوانین حاکم داشته باشند. اگر بیگانگان از حیث حقوق سیاسی، حقوق عمومی و حقوق خصوصی محدودیتهایی دارند باید مشخص باشد. هر یک از کشورها ناچارند اتباع خود را از اتباع دیگر کشورها معجزا سازند و در این مورد ضوابط مربوط به تابعیت را اعلام نمایند. ناچارند برای بیگانگانی که به کشور وارد می‌شوند در هر زمینه قوانین لازم مدون داشته باشند تا حقوق ثابت آنها محفوظ بماند و دچار آشفتگی و هرج و مرج نگردند تا بتوانند از ثمره تلاش و کوشش خود بهره‌مند شوند و از تعرض و آسیب مصون بمانند. نیز تعهدات خود را به موقع انجام دهند و اختلافات موجود را از طریق مراجع قضایی برطرف سازند و در عین حال برای کشور محل توقف، صدمه و آسیب نداشته باشند. حقوق بین‌الملل خصوصی هر کشور عهده دار این رسالت است و از طریق قواعد و ضوابط و معیارهای این رشته از حقوق است که مشکلات ناشی از مرزبندی کشورها که گاهی بسیار پیچیده هم هست حل می‌گردد.

منافع و مصالح هر کشوری اقتضا می‌کند که نظام قانونی خود را طوری تنظیم نماید که مصالح دیگر کشورها به خطر نیفتد و به حقوق مکسب کسی لطمه وارد نیاید و امکان برقراری ارتباط و انعقاد قرارداد و انجام تعهدات در هر منطقه فراهم باشد. باید توجه داشت که، حقوق بین‌الملل خصوصی خود موجب حل و فصل اختلاف نیست. وظیفه‌اش آن است که قانون مناسب را معرفی نماید. به عبارت دیگر حقوق بین‌الملل خصوصی مستقیماً قواعد مربوط به تشخیص حق را دربر ندارد، بلکه اشخاص ذینفع و مراجع قضایی را هدایت می‌کند که قانون کدام کشور را در خصوص موضوع باید اعمال و اجرا نمود، دادگاه چه کشوری صلاحیت دارد، اسناد و احکام خارجی با چه شرایطی قابلیت اجرا دارند، در مورد احوال شخصیه قانون کشور متبوع مشخص باید اجرا شود یا قانون محل اقامت، فعالیت اشخاص حقوقی که از مرز فراتر می‌رود تحت چه مقرراتی قرار می‌گیرد، تابعیت و اقامتگاه آنها، قراردادهای و معاهدات آنها تحت ضوابط کدام قانون می‌باشد و در چه مواردی و با چه شرایطی دادگاه یک کشور قوانین دیگر کشورها را شناسایی و به مورد اجرا درمی‌آورد.

\*\*\*

## گفتار اول - مفهوم و ماهیت حقوق بین الملل خصوصی

امروزه برای هیچ ملتی میسر نیست که در چهاردیواری سرزمین کشور خود محصور بماند. حس کنجکاوی، نوع پروری، ارضاء نیازمندی‌های روزانه و میل به تجدید عادات و رسوم، آمیزش بین‌المللی را ایجاب کرده و یک جریان داد و ستد جهانی به وجود می‌آورد که اثر این جریان، در صحنه جهانی روابط خصوصی افراد با یکدیگر، جلوه گر می‌شود.

این زندگی بین‌المللی، صورت خاصی از زندگی داخلی است که خود نیازمند به انتظام حقوقی متفاوتی می‌باشد و در واقع حقوق بین‌الملل خصوصی برای تأمین همین منظور، یعنی برای تنظیم روابط حقوقی که از این داد و ستد جهانی حاصل می‌شود به وجود آمده است.<sup>۱</sup>

<sup>۱</sup> دکتر محمد نصیری، حقوق بین‌الملل خصوصی، جلد اول و دوم، انتشارات آگاه

بنابراین حقوق بین الملل خصوصی رشته ای از علم حقوق است که روابط خصوصی اشخاص را در سطح زندگی بین المللی تنظیم می کند. زیرا همان گونه که جهت زندگی در یک جامعه خاص احتیاج به وضع قواعد و قوانینی داریم که روابط بین اشخاص مربوط به آن جامعه را تنظیم نماید، در سطح بین المللی نیز ادامه توسعه روابط، مستلزم وجود قواعد و مقررات خاصی می باشد.

قواعد و قوانین دسته اول را مجموعاً تحت عنوان حقوق داخلی مورد بحث قرار می دهند و بر حسب اینکه قواعد مزبور تنظیم کننده روابط بین اشخاص باشند یا مربوط به سازمان دولت، حقوق داخلی خصوصی یا عمومی را تشکیل می دهند. قواعد و مقررات دسته دوم را حقوق بین الملل می نامند. در صورتی که این مقررات تنظیم کننده روابط بین دولتهای مختلف باشند، حقوق بین الملل عمومی و هرگاه برای تنظیم روابط بین اتباع مربوط به دول مختلف وضع شده باشند، حقوق بین الملل خصوصی نامیده می شوند.

بنابراین حقوق بین الملل خصوصی عبارت است از مجموعه مقرراتی که روابط خصوصی و بین المللی اشخاص جوامع مختلف یا یک جامعه واحد را با یکدیگر تنظیم می کند.

اینکه در تعریف حقوق بین الملل خصوصی به روابط اشخاص به جای افراد اشاره می شود به این دلیل است که در جوامع امروزی علاوه بر اشخاص حقیقی، اشخاص حقوقی نیز حضور دارند و ناگزیر باید این اشخاص نیز در نظر گرفته شوند. زندگی حقوقی بسیاری از مردم در سطح ملی و در داخل مملکت خودشان می گذرد، مثلاً بازرگانی اهوایی قراردادی با شخصی شیرازی می بندد و طبق آن با او داد و ستد می کند، مسلم است که در این مورد هیچ گونه عامل بین المللی در میان نمی باشد. اما امروزه زندگی حقوقی اشخاص، به علت پیشرفت های اقتصادی و صنعتی و علمی، نمی تواند در سطح ملی باقی بماند و خواه و ناخواه عده ای از افراد جامعه به طریقی با افراد سایر جوامع روابط تجاری، بازرگانی، فرهنگی و غیره برقرار می کنند. مثلاً تاجری ایرانی با شخصی انگلیسی قراردادی منعقد می کند که طبق آن کالایی را در تاریخی معین به او تحویل دهد. در این حالت معامله بین دو نفر از دو ملیت مختلف انجام گرفته و به گفته نی بوایه، حقوقدان فرانسوی عامل مرز در این میان خودنمایی کرده است.

نی بوایه حقوق بین الملل خصوصی را این طور تعریف می کند: «شعبه ای است از حقوق موضوعه که روابط افراد را در زندگی خصوصی به موجب پدیده مرز تنظیم می نماید». بنابراین به عقیده وی هنگامی موضوعی مربوط به حقوق بین الملل می شود که از مرز یک کشور گذشته و به کشور دیگری تسری پیدا کند. مثلاً هنگامی که یک ایرانی با یک فرانسوی ازدواج می نماید، موضوع به حقوق بین الملل خصوصی مربوط می شود.

پیرمایر استاد دانشگاه کان در کتاب خود حقوق بین الملل خصوصی را به این صورت تعریف می کند: «حقوق بین الملل خصوصی، حقوق خاصی است که بر اشخاص خصوصی که روابط حقوقی بین المللی با یکدیگر دارند، قابل اجرا است. منظور از حقوق خاص این است که فقط مسائلی که جنبه بین المللی دارند در آن مورد بحث قرار می گیرد و عبارت اشخاص خصوصی در واقع مشخص تفاوت موجود بین حقوق بین الملل خصوصی و حقوق بین الملل عمومی است.»

بنابراین، زمانی می توان گفت موضوعی مربوط به حقوق بین الملل خصوصی است که به طریقی با یک یا چند کشور خارجی ارتباط داشته باشد؛ چه در این موضوع روابط افراد کشورهای مختلف مطرح شده باشد و چه روابط افراد یک کشور خاص به دلیل دخالت عاملی خارجی مطرح باشد، در هر صورت موضوع به دلیل وجود همان عامل خارجی، داخل در قلمرو حقوق بین الملل خصوصی می شود.

بعضی از دانشمندان از جمله نی بوایه اصطلاح حقوق بین الملل خصوصی ('Droit Intetnational prive') را برای این رشته از حقوق مناسب نمی دانند و بدان ایراداتی وارد کرده اند.

به هر حال تا زمانی که عنوان دیگری برای حقوق بین الملل خصوصی پذیرفته نشده است ما نیز می توانیم همان اصطلاح را قبول کنیم. زیرا حتی دانشمندانی که مصرأً به این عنوان ایراد کرده اند، اصطلاح دیگری را به کار نبرده اند و در واقع نتوانسته اند عنوان مناسب تری را بیابند و جایگزین آن سازند.<sup>۱</sup>

\*\*\*

## گفتار دوم - مشخصات حقوق بین الملل خصوصی<sup>۲</sup>

### الف - بین المللی بودن آن

درباره وصف بین المللی حقوق بین الملل خصوصی، پاره ای از علما تشکیک کرده اند، از جمله دووری سومیر عقیده دارد که این رشته از حقوق شعبه ای از حقوق داخلی است. همچنین نی بویه صریحاً اظهار نظر می کند بر اینکه حقوق بین الملل خصوصی به هیچ وجه جنبه بین المللی ندارد.

به نظر دکتر نصیری، اگرچه حقوق بین الملل خصوصی از لحاظ طریقه حل مسائل مربوطه فاقد جنبه بین المللی است معذکک چون هر دولتی در وضع و اجرای قواعد و مقررات راجع به آن برای اینکه منصفانه و صحیح باشد ناگزیر از رعایت حاکمیت سایر دولتهاست، اشکالی ندارد که برای این شعبه از حقوق جنبه بین المللی قائل شد.

### ب - خصوصی بودن آن

نسبت به وصف خصوصی بودن آن، و اینکه آیا حقوق بین الملل خصوصی از رشته های حقوق خصوصی و یا منشعب از حقوق عمومی است، باز هم بین علما اختلاف نظر وجود دارد؛ اگرچه از تعریفی که اجمالاً از حقوق بین الملل خصوصی شد چنین استنباط می شود که این رشته از حقوق، جزو حقوق خصوصی به شمار می آید، اما نکاتی که ذیلاً ذکر می شود جنبه خصوصی بودن حقوق بین الملل خصوصی را ضعیف می کند:

۱. با دخالت روزافزون دولتها در روابط حقوقی افراد، امروزه دیگر حقوق خصوصی چندان واقعیت ندارد: اقتصاد ارشادی، اتانیزم، ملی کردن صنایع که افراد عادی را مأمورین به خدمات عمومی تلقی می نماید حقوق مربوط به مالکیت و قراردادهای را همواره تحت تاثیر شدید خود قرار داده و این نفوذ قواعد عمومی در حقوق خصوصی، خواه ناخواه دامنگیر حقوق بین الملل خصوصی هم شده است.

۲. حقوق بین الملل خصوصی از حقوق موضوعه است که هر دولتی در تعیین احکام و قواعد آن، مصالح سیاسی و اجتماعی گروه ملی خود را بیشتر در نظر می گیرد، که با این کیفیت نیز مشکل بتوان گفت حقوق بین الملل خصوصی رشته ای از حقوق خصوصی به شمار می رود.

\*\*\*

## گفتار سوم - قلمرو حقوق بین الملل خصوصی

مسائلی مانند تابعیت و وضع بیگانگان که امروزه جزء موضوعات حقوق بین الملل خصوصی مورد بحث قرار می گیرد صرفاً خصوصی نبوده و به حقوق عمومی نیز ارتباط دارند.

اما در طول چندین قرن سابقه حقوق بین الملل خصوصی، همواره تا قرن نوزدهم این رشته از حقوق محدود به تعارض قوانین بوده و به هیچ عنوان موضوعات دیگری مثل تابعیت، اقامتگاه، وضع بیگانگان و تعارض دادگاهها در آن داخل نمی شده است. در حال حاضر نیز عقاید مختلفی در زمینه قلمرو عقاید حقوق بین الملل خصوصی وجود دارد، که ذیلاً به بررسی اجمالی این عقاید می پردازیم، تا معلوم گردد در حال حاضر قلمرو حقوق بین الملل خصوصی می تواند محدود به تعارض قوانین باشد یا این که مسائل دیگر مذکور در فوق نیز چنان با تعارض قوانین در هم آمیخته شده اند که از تعارض قوانین قابل تفکیک نمی باشند:

<sup>۱</sup> دکتر بهشید ارفع نیا، حقوق بین الملل خصوصی، جلد اول، انتشارات بهتاب

<sup>۲</sup> دکتر محمد نصیری، حقوق بین الملل خصوصی، جلد اول و دوم، انتشارات آگاه

**عقیده اول -** مطابق عقیده اول که هنوز هم در آلمان و آمریکا طرفدارانی دارد، حقوق بین الملل خصوصی منحصر به تعارض قوانین است. استدلال آن دسته از علمای حقوق که از این عقیده پیروی می کنند این است که اصالت و استقلال که تعارض قوانین از جهات مختلف دارد ایجاب می کند که جدا از سایر مسائل مورد بحث قرار گیرد. به عنوان مثال منابع در تعارض قوانین کاملاً با موضوعات دیگر تفاوت دارد؛ با این توضیح که به طور کلی در مورد اغلب مسائل حقوقی مهمترین منبع قانون است، در حالیکه در تعارض قوانین معمولاً مهمترین منبع رویه قضایی است. به علاوه قواعد حل تعارض اصولاً خارج از قواعد مادی بوده و صرفاً حل تعارض قوانین را به عهده دارند نه حل مستقیم موضوع مورد اختلاف را. همچنین از نظر روش فقط در تعارض قوانین همواره لازم است قبل از حل تعارض توصیف انجام شود. به نظر این عده مسائل فوق که خاص تعارض قوانین است استقلالی به آن می بخشد که شایسته نیست به همراه موضوعات دیگر مورد بررسی و مطالعه قرار گیرد.

ایراد نسبت به عقیده اول - لازم به یادآوری است که تعارض قوانین گرچه از اهمیتی خاص برخوردار است و به همین جهت نیز از مهمترین مسائل حقوق بین الملل خصوصی به شمار می آید، اما این امر دلیل جدایی آن از سایر موضوعاتی که ارتباط نزدیک با تعارض قوانین دارند نمی باشد، بلکه باید موضوعات مختلفی که به یکدیگر نزدیک بوده و مطالعه هر یک برای فهم دیگر موضوعات لازم است همگی در یک رشته مورد مطالعه قرار گیرند. بنابراین می توان گفت تعارض قوانین فقط یکی از مهمترین موضوعات حقوق بین الملل خصوصی می باشد.

**عقیده دوم -** عده ای دیگر عقیده دارند که به علت شباهتهای خاصی که بین تعارض قوانین و تعارض دادگاهها وجود دارد، همچنین به علت تأثیری که علیرغم استقلال هر یک از این دو نوع تعارض، گاهی اوقات تعارض دادگاهها در تعارض قوانین و تعارض قوانین در تعارض دادگاهها دارد، بهتر است حقوق بین الملل خصوصی را شامل تعارض قوانین و تعارض دادگاهها بدانیم. در فرانسه بارتن و پله طرفداران این عقیده بوده اند. اما در حال حاضر در کشورهای انگلوساکسون از این عقیده پیروی می گردد.

**عقیده سوم -** در کشورهای لاتین مثل اسپانیا، امریکای جنوبی و همچنین ایتالیا، حقوق بین الملل خصوصی را شامل تعارض قوانین، تعارض دادگاهها و نیز وضع بیگانگان می دانند و عقیده دارند که علاوه بر شباهتهایی که از نظر منابع بین تعارض قوانین و وضع بیگانگان وجود دارد وابستگی شدید این دو موضوع به یکدیگر باعث می شود که نتوان آنها را جداگانه مورد بحث قرار داد و در اثر این وابستگی خود بخود مطالعه وضع بیگانگان مقدمه ای جهت مطالعه تعارض قوانین خواهد بود.

**عقیده چهارم -** مطابق عقیده چهارم، حقوق بین الملل خصوصی علاوه بر تعارض قوانین، تعارض دادگاهها و وضع بیگانگان، مشتمل بر تابعیت نیز می باشد. این عقیده که سابقاً فقط در فرانسه طرفدارانی داشت، در حال حاضر تقریباً در کلیه کشورها نفوذ پیدا کرده است و عملاً کشورهای دیگر نیز متوجه این مطلب شده اند که هر چهار مطلب به طریقی به یکدیگر ارتباط و وابستگی دارند. البته در مورد بعضی دیگر از موضوعات، مثل تابعیت با اینکه شباهتی با سایر مسائل وجود ندارد، اما ارتباط بسیار نزدیک مساله تابعیت با هر یک از موضوعات دیگر حقوق بین الملل خصوصی باعث می شود که مطالعه هر یک از آن موضوعات محتاج مطالعه مسائل مربوط به تابعیت باشد.

بنابراین باید گفت که در حال حاضر حقوق بین الملل خصوصی شامل هر چهار موضوع تعارض قوانین، تعارض دادگاهها، وضع بیگانگان و تابعیت می باشد. زیرا در هر موضوعی که وضعیت فرد در سطح بین المللی مورد مطالعه قرار می گیرد (تعارض قوانین و دادگاهها) لازم است که قبل از هر اقدامی تابعیت فرد مشخص شود و موقعیت وی از جهت اینکه تبعه آن کشور است یا بیگانه می باشد بررسی شود، سپس با توجه به قواعد مربوط به تعارض قوانین دادگاهها حکم مقتضی درباره موضوع مبتلا به صادر شود.

اما از طرف دیگر برای تعیین قلمرو کامل حقوق بین الملل خصوصی باید توجه داشته باشیم که حقوق بین الملل خصوصی محدود به روابط بین المللی است که جنبه خصوصی دارند. بنابراین اولاً هرگونه روابط خصوصی که صرفاً جنبه داخلی دارد

داخل قلمرو حقوق بین الملل خصوصی نمی‌گردد. ثانیاً هرگونه روابط بین المللی تا رابطه‌ای خصوصی را در برنگیرد مربوط به حقوق بین الملل خصوصی نمی‌شود. به همین علت در زمان کنونی رشته‌های دیگری از حقوق بین الملل بوجود آمده‌اند که جداگانه مورد مطالعه قرار می‌گیرند مثل حقوق جزای بین المللی، حقوق اداری بین المللی و حقوق مالی بین المللی. تفاوت عمده این رشته‌های بین المللی با حقوق بین الملل خصوصی این است که در حقوق بین الملل خصوصی همواره از امکان اجرای قانون خارجی و احیاناً تلفیق آن با قانون داخلی صحبت می‌شود، در حالیکه در سایر رشته‌های بین المللی که فوقاً به آنها اشاره شد قاضی باید همواره قانون کشور خود را اجرا نماید<sup>۱</sup>.

در مجموع باید گفت: درباره‌ی اینکه موضوع های حقوق بین الملل خصوصی کدام هستند در کشورهای مختلف نظرها و رویه‌های متفاوت دیده می‌شود. ممکن است در کشوری، مانند آلمان، مباحث آن تنها درباره‌ی یک موضوع یعنی محدود به مباحث تعارض قوانین باشد، یا در کشورهایی مانند کشورهای گروه آنگلو ساکسن، مباحث آن درباره‌ی دو موضوع یعنی تعارض قوانین و تعارض صلاحیت ها باشد، چنانکه از میان مؤلفان فرانسوی نیز بارتن و پیه همین نظر را داشته‌اند؛ یا در برخی کشورها، افزون بر دو موضوع یاد شده، موضوع وضعیت بیگانگان را نیز در شمار موضوع های حقوق بین الملل خصوصی بدانند، مانند: کشورهای گروه لاتین، از قبیل: ایتالیا، اسپانیا و کشورهای آمریکای جنوبی؛ یا در فرانسه، افزون بر این سه موضوع، موضوع تابعیت را نیز از موضوع های حقوق بین الملل خصوصی به شمار می‌آورند و سرانجام آنکه در ایران، افزون بر آنها، موضوع اقامتگاه از دید بین المللی را نیز در این نوع حقوق مطالعه می‌نمایند. در اینجا شایسته است درباره‌ی هر یک از پنج موضوع یاد شده بررسی کوتاه صورت گیرد.

#### ۱. تعارض قوانین

موضوع تعارض قوانین در حقوق بین الملل خصوصی مطالعه‌ی قاعده‌هایی است که با اعمال آنها می‌توان درباره‌ی قضیه‌ای مربوط به قانون بیگانه به تعیین قانون قابل اجرا دست یافت. اینکه در کدام نوع از حقوق می‌توان با توسل به شیوه‌ی تعارض قوانین به حل قضیه مبادرت جست، باید خاطر نشان ساخت، این امکان تنها در زمینه‌ی حقوق خصوصی فراهم است و نه در زمینه‌ی حقوق عمومی. اگر در قضایای حقوق خصوصی، مطرح بودن نفع خصوصی و اقتضای عدالت امکان اجرای قانون بیگانه را تحت شرایط معین برای دادگاه فراهم ساخته، در حقوق عمومی به لحاظ پیوند کلی قضایای آن با مسأله‌ی نظم عمومی داخلی توسل به این شیوه جازم شناخته نشده است. بنابراین، در انواع حقوق عمومی اصل سرزمینی بودن قانون حاکم است و اجرای قانون بیگانه برای دولتها در سرزمین تحت حاکمیت آنها قابل تحمل نیست.

در تعارض قوانین چند ویژگی دیده می‌شود که آن را از دیگر موضوع های حقوق بین الملل خصوصی متمایز می‌سازد. این ویژگیها عبارتند از:

- ◀ در وضع قاعده های آن قانونگذار به تعیین معیار اکتفا<sup>۲</sup> و از تعیین حکم درباره‌ی ماهیت خودداری می‌کند، از این رو در قضایای مشمول این قاعده‌ها برگزیدن قانون صالح بر عهده‌ی قاضی محول می‌باشد.
- ◀ در قضیه‌ای که مطرح است عنصری بیگانه یافت می‌شود که راهنما برای یافتن قانون صالح است، مانند آنکه در دعوی راجع به احوال شخصیه، تابعیت یک طرف بیگانه باشد، یا در اختلاف راجع به قرارداد: یا طرفین توافق کرده باشند که قانون بیگانه حاکم باشد، یا محل عقد یا محل اجرای قرارداد در خارج از کشور واقع شده باشد.
- ◀ اگر امکان اجرای قانونی که بر حسب قاعده‌ی تعارض قوانین تعیین می‌گردد به جهتی ممتنع باشد، به جای آن، قاضی قانون دیگر، یا بر حسب معمول قانون محل دادگاه را بر می‌گزیند و به موقع اجرا می‌گذارد، مانند هنگامی که اجرای آن قانون با نظم عمومی داخلی برخورد داشته<sup>۳</sup>، یا

۱. دکتر بهشید ارفع نیا، حقوق بین الملل خصوصی، جلد اول، انتشارات بهتاب

۲. در قانون مدنی ایران مواد ۶، ۷، ۹۶۲، ۹۶۳، ۹۶۴، ۹۶۵، ۹۶۷ شامل قاعده های تعارض قوانین درباره احوال شخصیه و اهلیت و ارث، و در ماده ۸ و ۹۶۶ درباره اموال غیر منقول و منقول و ماده ۹۶۸ درباره قراردادها و ماده ۹۶۹ درباره طرز تنظیم اسناد می‌باشند.

۳. ماده ۹۷۵ قانون مدنی



عامل پیش بینی شده در آن قاعده وجود نداشته یا موجبات اجرای قانون بیگانه را ذی نفع به نحو تقلب آمیز به نفع خود فراهم ساخته باشد. به طوری که دیده می شود، رسیدن به مرحله تعیین قانون حاکم بر ماهیت در دعاوی خصوصی بین المللی که در آنها حکم قضیه به کمک شیوه تعارض قوانین معین می گردد، بر خلاف دعاوی تابع حقوق داخلی، مستلزم گذر از مراحل مقدماتی ویژه ای است که مطالعه آنها در مباحث گوناگون تعارض قوانین صورت خواهد گرفت.

### ۲. تعارض صلاحیت ها

موضوع تعارض صلاحیت ها دربرگیرنده مباحثی درباره صلاحیت دادگاههای داخلی در رسیدگی به دعاوی حقوق بین الملل خصوصی و اجرای احکام دادگاههای بیگانه یا اجرای اسناد لازم الاجرای تنظیم شده در کشورهای بیگانه می باشد. به این ترتیب میان این موضوع و موضوع تعارض قوانین این وجه مشترک دیده می شود که موضوع مطالعه آنها مسائل راجع به دعاوی حقوق بین الملل خصوصی است، نهایت آنکه هدف اگر در تعارض قوانین جستجوی قانون صالح برای حل و فصل این گونه دعاوی است؛ در تعارض صلاحیت ها تعیین دادگاه صالح برای رسیدگی به این دعاوی و اجرای احکام و اسناد بیگانه، یا به بیان دیگر مطالعه آیین دادرسی به معنای گسترده آن در دعاوی یاد شده می باشد.

افزون بر قرابتی که بدین سان میان این دو موضوع دیده می شود، این ارتباط نیز میان آنها موجود است که حل مسأله تعارض قوانین در هر دعوی بسته به حل مسأله تعارض صلاحیت ها در آن دعوی می باشد، به این بیان که: پس از تعیین اینکه دادگاههای کدام کشور برای رسیدگی به دعوی تابع حقوق بین الملل خصوصی دارای صلاحیت هستند می توان معین ساخت حل و فصل دعوی سرانجام در گرو قاعده های تعارض قوانین کدام کشور خواهد بود و این به مناسبت آن است که دادگاههای هر کشور خود را موظف می دانند برای جستجوی قانون صالح از قاعده های تعارض قوانین کشور خود مدد جویند.

با این حال میان این دو موضوع این تفاوت بنیانی دیده می شود که اگر مسائل تعارض قوانین به شیوه تعارض قوانین حل و فصل می شوند، حل و فصل مسائل تعارض صلاحیت ها به شیوه قاعده های ذاتی است؛ به این معنی که درباره این گونه مسائل در قانونگذاری های داخلی هر کشور به طور مستقیم تعیین تکلیف می شود.

اینکه تعیین صلاحیت دادگاهها و آیین دادرسی آنها در هر کشور به قانونگذاری همان کشور مربوط است خود از قاعده های تعارض قوانین می تواند تلقی گردد چنانکه در ماده ۹۷۱ قانون مدنی در این باره به همین شیوه بیان قاعده شده است. در مواردی هم ممکن است این تردید رخ دهد که مسأله را باید از مصادیق کدام یک از این دو موضوع دانست، مانند: مسأله دلیل<sup>۱</sup>.

در آلمان و در ایتالیا، به گفته باتیفول به طور عموم برای تعارض صلاحیت ها عنوان «حقوق آیین دادرسی بین المللی» اختیار کرده اند.

### ۳. وضعیت بیگانگان

مباحث وضعیت بیگانگان برای توضیح این مطلب شکل گرفته اند که حقوق و تکالیف بیگانگان، در مقایسه با حقوق و تکالیف اتباع داخله چیست و حدود حق تمتع آنها چه می باشد. مبانی این مباحث را قوانین کشوری که حقوق بیگانه در آنجا مطرح است تشکیل می دهند. این قوانین مشتمل بر قاعده های ذاتی ماهوی، در برابر قاعده های ذاتی شکلی، یعنی قاعده های تعارض صلاحیت ها می باشند.

افزون بر قاعده هایی که در مباحث وضعیت بیگانگان مطالعه می شوند، بسیاری قاعده های ذاتی ماهوی بین المللی در زمینه موضوع های گوناگون حقوق خصوصی وجود دارند که خارج از این مباحث هستند مانند: قاعده های پیش بینی شده در قرارداد اتحادیه پاریس برای حمایت مالکیت صنعتی منعقد در تاریخ ۲۰ مارس ۱۸۸۳ میلادی در زمینه حقوق دارندگان حق اختراع که دولت ایران الحاق خود را در اسفند ماه ۱۳۳۷ ه. ش به آن اعلام داشته یا قاعده های راجع به صادرات و واردات و یا قاعده های مندرج در قراردادهای حمل و نقل بین المللی کالا که در آنها به تعیین مواعد و مسئولیتها مبادرت گردیده است.

<sup>۱</sup> باتیفول و لاگارد، حقوق بین الملل خصوصی، جلد اول، شماره ۴

تفاوت دو دسته قاعده های ذاتی ماهوی یاد شده، یعنی دسته ای که در حقوق بین الملل خصوصی و دسته ای که بیرون از آن مطالعه می شوند، در آن است که دسته اخیرالذکر شامل موضوع های گوناگون می باشند که هریک از آن موضوع ها، به طور عموم، دارای عهدنامه چند جانبه معینی است و می تواند در حقوق داخلی دارای عنوانی مشابه باشد، مانند: حمل و نقل بین المللی کالا که دارای عنوانی مشابه در حقوق داخلی در حقوق تجارت است، از این رو مطالعه هریک از آن قاعده ها می تواند در حقوق داخلی مربوط به موضوع آن صورت گیرد، و حال آنکه مباحث وضعیت بیگانگان درباره افراد و اشخاص حقوق خصوصی بیگانه تعمیم دارند و کلی می باشند و برای مجموع آنها نمی توان عنوانی مشابه در حقوق داخلی قائل گردید، به این مناسبت می توان گفت عنوانی که برای همگی این مباحث در حقوق بین الملل خصوصی در نظر گرفته شده عنوانی مناسب است. درباره اینکه چه ضرورتی مطالعه این موضوع را در حقوق بین الملل خصوصی ایجاب کرده باید افزود: پیوند میان این موضوع و موضوع تعارض قوانین از این حیث که اگر موضوع تعارض قوانین را مطالعه قاعده های راجع به اجرای حقوق بیگانه در یک کشور تشکیل می دهد، موضوع وضعیت بیگانگان را مطالعه حدود حق تمتع بیگانگان در آن کشور تشکیل داده است و روشن است که تعیین حق تمتع بر تعیین حق اجرا مقدم است و تعیین قواعد حاکم بر اجرای حقوق بیگانه در یک کشور فرع بر دانستن این نکته است که وی در آن کشور از چه حقوق و امتیازهایی می تواند بهره مند باشد. نکته شایسته یادآوری دیگر در اینجا آن است که در وضع قاعده های وضعیت بیگانگان هر دولت کوشش می کند سیاست های خود را درباره آن بخش از جمعیت کشور که از بیگانگان تشکیل یافته، با توجه به نیازمندیها و امکانات کشور تنظیم نماید و در این رهگذر، به ویژه وضعیت کشور از حیث مهاجرپذیر یا مهاجرفرست بودن آن در نظر گرفته می شود.

#### ۴. تابعیت

موضوع تابعیت مطالعه مجموع قاعده هایی است که بر اساس آنها می توان وضعیت تابعیت فردی را نسبت به دولتی معین معلوم ساخت. این قاعده ها را هر کشور به طور جداگانه، برای تعیین اتباع خود تنظیم می کند، از این عمل این نتیجه نیز حاصل می شود که اگر کسی در قلمرو آن کشور بر اساس آن قاعده ها از اتباع به شمار نیاید بیگانه محسوب می گردد، خواه تابعیت کشوری دیگر به او قابل انتساب باشد یا نباشد. بنابراین از نتایج عمده این قاعده ها در هر کشور جدا ساختن اتباع از بیگانگان است. جدا ساختن این دو دسته افراد از یکدیگر در هر کشور از این ضرورت سرچشمه می گیرد که حقوق بیگانگان، نسبت به حقوق اتباع می تواند کم و بیش متفاوت باشد. بنابراین برای تعیین میزان حق تمتع هر فرد در یک کشور ابتدا باید تعیین شود آیا وی از اتباع داخله یا از بیگانگان است، در صورت بیگانه بودن وی حقوق او به میزانی است که در مباحث وضعیت بیگانگان ترسیم می گردد.

از اینجا درجه ارتباط میان موضوع تابعیت و موضوع وضعیت بیگانگان آشکار می شود. از این گذشته، در هر کشور این اتباع هستند که اعضای دائمی جامعه آن کشور را تشکیل می دهند و حضور بیگانگان در آن کشور ناپایدار می باشد و دولت می تواند هر زمان که مصلحت اقتضا کند آنها را که حضورشان در کشور مصلحت نیست اخراج نماید.

میان تابعیت و تعارض قوانین نیز از این جهت ارتباط است که در اسلوب تعارض قوانین بسیاری از کشورها، مانند ایران، عامل تابعیت به عنوان عامل تعیین کننده قانون حاکم بر احوال شخصیه در نظر گرفته شده است، به این مناسبت، این عامل در بسیاری از قضایای مشمول قاعده های تعارض قوانین قابل طرح می باشد. در کشورهایی هم که به جای این عامل، در این باره عامل اقامتگاه در نظر گرفته شده، تأثیر تابعیت از این حیث محسوس است که قاعده های تعیین اقامتگاه اتباع و بیگانگان می توانند از یکدیگر متفاوت باشند.

به طور کلی باید افزود، عامل مؤثر در پدید آمدن قاعده های کنونی تابعیت و گسترش این مفهوم وجود دولتهای مختلف در جامعه بین المللی می باشد، از این رو میان تابعیت و حقوق بین المللی به جهات گوناگون ارتباط دیده می شود، و با آنکه در حقوق بین الملل عمومی هم درباره آن مطالعاتی صورت می گیرد، به لحاظ آنکه این مطالعات در حد تعهدهای احتمالی دولتها

در برابر یکدیگر نسبت به قاعده های آن است و نه اعمال حقوق مثبت این یا آن کشور درباره آن ارتباط با حقوق بین الملل خصوصی بیشتر قابل توجیه است. از این رو مطالعه ای که درباره این موضوع در این نوع حقوق انجام می پذیرد باید به صورت جامع باشد.

#### ۵. اقامتگاه

مطالعه اقامتگاه در حقوق بین الملل خصوصی ایران افزون بر مطالعه ای است که درباره آن در حقوق مدنی صورت می گیرد. انگیزه این مطالعه مجدد نشان دادن ارزشهای اضافی است که این مفهوم در حقوق بین المللی به ویژه در حقوق بین الملل خصوصی دارا می باشد؛ مانند اینکه: اقامتگاه مانند تابعیت عامل تقسیم جغرافیایی اشخاص در جامعه بین المللی شناخته شده؛ یا آنکه در برخی نظام های حقوقی عامل اقامتگاه به جای عامل تابعیت، به عنوان عامل تعیین کننده قانون حاکم بر احوال شخصیه در نظر گرفته شده و در نظام های حقوقی مانند نظام حقوقی ایران نیز که عامل تابعیت دارای چنین ارزشی است در صورت بی تابعیتی شخص، اقامتگاه او به عنوان بدل تابعیت می تواند به عنوان عامل تعیین کننده قانون حاکم بر احوال شخصی وی در نظر گرفته شود.

نتیجه - از آنچه از معرفی مجمل موضوع های حقوق بین الملل خصوصی کم و بیش آشکار شد، مسائل این نوع حقوق را نمی توان به طور کلی از زمره مسائل حقوق خصوصی یا از عداد مسائل حقوق عمومی دانست. از میان این مسائل آنچه مربوط به تعارض قوانین است به طور عموم در زمینه حقوق خصوصی می باشد.

مسائل تعارض صلاحیت ها از نوع مسائل آیین دادرسی مدنی در معنای گسترده کلمه می باشند. مسائل وضعیت بیگانگان می توانند هم در زمینه حقوق عمومی و هم در زمینه حقوق خصوصی باشند. مسائل تابعیت به لحاظ آنکه در آنها رابطه فرد با دولت مطرح است در اصل به حقوق عمومی مربوط می گردند، با این حال در تأثیر این مسائل در حقوق خصوصی نیز تردیدی نمی باشد. بنابراین اطلاق عنوان حقوق بین الملل خصوصی به این شاخه حقوق بین المللی با در نظر گرفتن تنوع مسائل قابل طرح در موضوع های گوناگون آن نمی تواند به لحاظ موصوف بودن مسائل آن به وصف حقوق خصوصی باشد. وصف خصوصی در این عنوان به مناسبت آن است که قضایای آن به روابط افراد یا اشخاص حقوق خصوصی در جامعه بین المللی مربوط می گردند.<sup>۱</sup>

\*\*\*

## گفتار چهارم - رابطه حقوق بین الملل خصوصی با حقوق بین الملل عمومی و حقوق داخلی

### بند اول - حقوق بین الملل خصوصی و حقوق بین الملل عمومی

#### الف - جهات اشتراک

۱. حقوق بین الملل خصوصی مانند حقوق بین الملل عمومی به جامعه بین المللی مربوط می گردد، چنانکه علت وجودی آن نیز وجود این جامعه می باشد.

۲. در شکل گرفتن قاعده های حقوق بین الملل خصوصی، علاوه بر منابع داخلی حقوق، منابع حقوق بین الملل عمومی نیز، مانند عهدنامه های سیاسی و ..... مؤثرند

۳. اگر میان دولتها از حیث حدود صلاحیت آنها در تنظیم قاعده های حقوق بین الملل خصوصی اختلافی بروز نماید، رسیدگی به آن اختلاف در صلاحیت مراجع قضایی بین المللی است و این رسیدگی بر مبنای اصول و قواعد حقوق بین الملل عمومی به عمل می آید.

#### ب - جهات افتراق

باید در نظر داشت میان این دو نوع حقوق چند تفاوت اساسی است، به گونه ای که این تفاوتها سبب تمایز آنها از یکدیگر می شوند و حقوق بین الملل خصوصی به حقوق داخلی نزدیک تر می گردد. این تفاوت ها را می توان چنین خلاصه کرد:

<sup>۱</sup> دکتر محمود سلجوقی، حقوق بین الملل خصوصی، جلد اول، نشر میزان

**۱. از حیث وحدت یا کثرت و درجه شمول**

حقوق بین الملل عمومی به لحاظ اینکه نسبت به عموم دولتها شمول دارد نظر غالب بر آن است که در جامعه بین المللی، حقوق بین المللی حاکم یکی بیش نیست<sup>۱</sup>، اما حقوق بین الملل خصوصی چون ناظر بر روابط افراد یا اشخاص حقوق خصوصی در جامعه بین المللی است و هر دولت این اختیار را دارد قاعده‌های آن را به طور جداگانه در قلمرو خود تنظیم کند، می‌تواند متعدد و به تعداد کشورها باشد.

**۲. از حیث اشخاص دارنده حق**

اشخاص دارنده حق در حقوق بین الملل عمومی، در اصل، دولتها می‌باشند و در کنار آن سازمانهای بین المللی، شرکتهای چند ملیتی، خلقها و نهضت های آزادی بخش و واتیکان، بنابراین افراد و اشخاص حقوق خصوصی نمی‌توانند در این نوع حقوق دارنده حق تلقی گردند و قضایای مربوط به آنها تنها از سوی دولتهای متبوعشان به عنوان حمایت سیاسی از آنها می‌توانند قابل طرح باشند. در حقوق بین الملل خصوصی، برعکس، اشخاص دارنده حق را افراد و اشخاص حقوق خصوصی تشکیل می‌دهند و اگر در مواردی دیده شود که دولت نیز مشمول قاعده‌های آن تلقی می‌گردد، آن هنگامی است که وی در یک رابطه تابع حقوق خصوصی نظیر آنچه که در حقوق داخلی ممکن است پیش آید طرفیت یافته است.

**۳. از حیث مرجع صالح برای رسیدگی**

برای حل اختلافهای مربوط به حقوق بین الملل عمومی، مراجع قضایی بین المللی، مانند دیوان بین المللی دادگستری دارای صلاحیت اند و برای حل اختلافهای مربوط به حقوق بین الملل خصوصی، بر حسب صلاحیتهای پیش بینی شده در قوانین هر کشور، مراجع قضایی داخلی دارای صلاحیت می‌باشند.

**۴. از حیث ضمانت اجرا**

در جامعه بین المللی نیروی قاهره‌ای برتر از دولتها نیست تا حسن اجرای قاعده‌های حقوق بین الملل عمومی را در قبال تخلف احتمالی دولت یا دولت‌هایی از آن قاعده‌ها ضمانت کند، از اینرو ضمانت اجرای آنها غیرمستقیم و ناکامل و بسته به عکس العمل‌های جمعی دولتهای دیگر مانند تحریم روابط اقتصادی با دولت نقض کننده می‌باشد، حال آنکه ضامن اجرای قاعده‌های حقوق بین الملل خصوصی دادگاههای داخلی و ضامن اجرای احکام آن دادگاهها، دولتها می‌باشند. بنابراین قاعده‌های حقوق بین الملل خصوصی از ضمانت اجرای کافی برخوردارند.

**بند دوم - حقوق بین الملل خصوصی و حقوق داخلی****الف - جهات اشتراک**

۱. تنظیم قاعده‌های حقوق بین الملل خصوصی، همانند قاعده‌های حقوق داخلی، در هر کشور از سوی قانونگذاری همان کشور صورت می‌گیرد. از این رو همان گونه که برجسته‌ترین منبع در حقوق داخلی ایران قانون می‌باشد، در حقوق بین الملل خصوصی ایران نیز برجسته‌ترین منبع را قانون تشکیل می‌دهد.

۲. حل و فصل دعاوی راجع به حقوق بین الملل خصوصی در قلمرو ایران، مانند حل و فصل دعاوی حقوق داخلی ایران، در صلاحیت دادگاههای ایران می‌باشد.

۳. اجرای احکام راجع به این نوع حقوق در ایران طبق قوانین ایران انجام می‌پذیرد.

**ب - جهات افتراق**

چند تفاوت میان حقوق بین الملل خصوصی و حقوق داخلی دیده می‌شود که آنها را از یکدیگر متمایز می‌سازند. این تفاوتها عبارتند از:

<sup>۱</sup> در رأی شماره ۹ مورخ ۷ سپتامبر ۱۹۲۷ دیوان دائمی دادگستری بین المللی در قضیه لوتوس به این عبارت تصریح گردیده است: «دیوان تأیید می‌کند که معنای کلمات «اصول حقوق بین المللی» بر حسب استعمال عام آن نمی‌تواند جز به معنای حقوق بین المللی معتبر میان همگی ملت‌های عضو جامعه بین المللی باشد».

**۱. تفاوت در هدف ها**

با آنکه ضرورت‌های تنظیم قاعده‌های حقوق داخلی و تنظیم قاعده‌های حقوق بین‌الملل خصوصی کم و بیش با یکدیگر یکسان است و جوهر این ضرورت‌ها را ایجاد نظم عادلانه در روابط حقوقی افراد تشکیل می‌دهد، این تفاوت میان قاعده‌های این دو نوع حقوق وجود دارد که در تنظیم قاعده‌های حقوق داخلی مقتضیات نظم داخلی جامعه و در تنظیم قاعده‌های حقوق بین‌الملل خصوصی، افزون بر آن، مقتضیانه روابط بین‌المللی دارنده‌ی حق در آنها می‌تواند اتباع بیگانه باشند در نظر گرفته می‌شود، از اینرو میان حقوق اتباع بیگانه و حقوق اتباع داخله کم و بیش تفاوت دیده می‌شود.

**۲. تفاوت در بیان حکم قانون**

اگر در وضع قوانین حقوق داخلی، مراد حل مسائل روابط داخلی جامعه می‌باشد، به این جهت احکام در آنها تنها به نظام حقوقی همان جامعه مربوط می‌گردد و در وضع قوانین حقوق بین‌الملل خصوصی احتمال ربط مسائل آن به حقوق جامعه‌های دیگر باید در نظر گرفته شود.

به این جهت شیوه بیان حکم درباره این نوع مسائل در مواردی، به جای آنکه مانند قاعده‌های حقوق داخلی به صورت قاعده‌های ذاتی یعنی تعیین حکم به طور مستقیم باشد، به صورت قاعده تعارض قوانین یعنی معیاری در قانون برای قانون حاکم نسبت به ماهیت قضیه می‌باشد.

**۳. متفاوت بودن دعاوی حقوق بین‌الملل خصوصی از دعاوی حقوق داخلی بر اثر وجود عنصر خارجی در آن**

اگر در دعاوی حقوق داخلی همگی عناصر موثر در دعوی آن به حقوق داخلی مربوط اند، در دعاوی حقوق بین‌الملل خصوصی عنصری یافت می‌گردد که نشانه ربط قضیه به حقوق کشوری دیگر می‌باشد، و آن را عنصر خارجی می‌نامند. عنصر خارجی خود دارای انواعی است، مانند: تابعیت خارجی یکی از اصحاب دعوی، قرار داشتن اقامتگاه یکی از آنان در خارج از کشور مقرر دادگاه، یا واقع شدن محل مال یا محل تنظیم سند یا محل اجرای تعهد در خارج از کشور.

**۴. تفاوت از حیث قابلیت طرح دعاوی تابع حقوق بین‌الملل خصوصی در دادگاههای بیگانه**

اگر طرح دعاوی تابع حقوق داخلی، یعنی دعاوی که همگی عناصر و اجزای آنها مربوط به داخل یک کشور است، تنها در دادگاههای داخلی آن کشور ممکن می‌گردد، طرح دعاوی تابع حقوق بین‌الملل خصوصی، به طور هم زمان و مستقل از یکدیگر، در دادگاههای دو یا چند کشور امکان پذیر است.

**۵. تفاوت از حیث اجرای احکام یا سند لازم الاجرا**

اگر اجرای قهری احکام و اسناد راجع به حقوق داخلی در قلمرو دولت متبوع قاضی صادر کننده یا مقام تنظیم کننده سند صورت گیرد، چه بسا لازم گردد که اجرای حکم یا سند لازم الاجرا راجع به حقوق بین‌الملل خصوصی در قلمرو دولت بیگانه انجام پذیرد، در این صورت همانگونه که اجرای احکام و اسناد بیگانه در ایران طبق قانون ایران باید باشد، اجرای احکام و اسناد لازم الاجرا ایران نیز در قلمرو دولت بیگانه طبق قانون همان دولت می‌تواند اجرا گردد. با در نظر گرفتن این گونه تفاوتها و برخی تفاوت‌های دیگر می‌توان گفت حقوق بین‌الملل خصوصی، اگر به ظاهر با حقوق داخلی دارای شباهت است، در اصل از آن متفاوت می‌باشد، و حل و فصل مسائل آن نسبت به حل و فصل مسائل حقوق داخلی با پیچیدگیها و دشواریهای بیشتری همراه است، و برای پرداختن بدان باید از آگاهیهای ویژه بهره‌مند بود، و این آگاهیها را تنها با گسترش مطالعه در زمینه حقوق بین‌الملل خصوصی می‌توان به دست آورد.

\*\*\*

**گفتار پنجم - فواید حقوق بین‌الملل خصوصی**

در عصر کنونی که روابط بین‌المللی روز به روز توسعه می‌یابد، حقوق بین‌الملل خصوصی یکی از رشته‌های پرفایده حقوق به شمار می‌رود. تسهیل وسایل حمل و نقل و توسعه اقتصادی و صنعتی در کشورهای مختلف موجب افزایش مداوم روابط بین‌المللی شده و در اثر جابجا شدن اموال و اشخاص از کشوری به کشور دیگر یک سلسله مسائل بین‌المللی مطرح می‌شود.

حقوق بین الملل خصوصی دارای دو نوع فایده می باشد: فواید عملی، فواید علمی

### بند اول - فواید عملی

برای پی بردن به فواید عملی حقوق بین الملل خصوصی بهتر است با تفکیک موضوعات مختلفی که در این رشته از حقوق مورد توجه قرار می گیرند هر یک را جداگانه مورد بحث و بررسی قرار دهیم. از آنجا که در حقوق بین الملل خصوصی، از حقوق خصوصی افراد صحبت می شود، به تبع بیشتر موضوعات آن همان موضوعات حقوق مدنی می باشند که در سطح بین المللی مطرح می گردند. بدین جهت برای درک موضوع، مباحث مختلف حقوق مدنی را در حدی که در حقوق بین الملل خصوصی مطرح می شوند، در ذیل مورد بررسی قرار می دهیم:

#### الف - اموال

مسائلی که در روابط بین المللی ممکن است در مورد اموال پیش آید عبارتند از: اموال منقول، اموال غیر منقول، مالکیت معنوی، اوراق بهادار، ارث و رژیم مالی زوجین.

##### ۱. اموال منقول

هرگاه مال منقولی که متعلق به شخصی است، در اثر عزیمت شخص یا به هر نحو دیگر به کشور دیگری منتقل شود در مورد کلیه مسائل حقوقی که نسبت به این مال و مالکیت آن ممکن است بروز نماید حقوق بین الملل خصوصی جوابگو خواهد بود. مثلاً موضوع لزوم یا عدم لزوم پرداخت مالیات طبق قوانین هر یک از دو کشور مبدأ و مقصد از مسائل مربوط به حقوق بین المللی خصوصی است. همچنین در صورتیکه در اثر عقد بیع مالکیت فروشنده در مورد مال مزبور به خریدار منتقل شود تشخیص این مطلب که در چه زمان و به چه صورتی مالکیت فروشنده پایان می پذیرد و خریدار، مالک مال می گردد با حقوق بین المللی خصوصی است.

اهمیت مسأله بیشتر از این جهت است که در کشورهای مختلف قوانین مختلفی درباره مالکیت حکم فرماست. مثلاً ممکن است در کشوری به محض اینکه فروشنده کالای خود را به متصدی حمل و نقل تحویل داد خریدار رسیده و پس از وصول، او را مالک تلقی نمایند.

حال اگر فرض کنیم کالای مورد معامله در بین راه خسارت ببیند و یا حتی تلف گردد متوجه می شویم که تا چه حد تشخیص قانون لازم الاجرا دارای اهمیت است. زیرا از یک طرف اگر کالا بیمه نشده باشد خسارت بر عهده کسی است که در فاصله تحویل و وصول کالا مالک بوده است و از طرف دیگر اگر کالا بیمه شده باشد باز هم فقط با تعیین قانون لازم الاجرا می توان معین نمود که کدامیک از خریدار یا فروشنده (بر حسب اینکه کدامیک در آن فاصله مالک بوده اند) باید حق بیمه را بپردازند.

##### ۲. اموال غیر منقول

هرگاه مال غیر منقولی واقع در یک کشور متعلق به شخصی باشد که در کشوری دیگر مقیم است، هر نوع مسأله حقوقی که راجع به این مال غیر منقول مطرح گردد، در محدوده حقوق بین الملل خصوصی وارد می شود و توسط قواعد مختلف پذیرفته شده باید تشخیص داد قانون محل وقوع مال بر مال مزبور حاکم است یا قانون کشور متبوع مالک یا قانون اقامتگاه مالک. همچنین این مسأله که بیگانگان دارای چه حقوقی از نظر تصرف و مالکیت در اموال غیر منقول می باشند موضوع حقوق بین الملل خصوصی است.

##### ۳. مالکیت های معنوی

باید بدانیم آیا از حق مولف یا مخترع در کشورهای بیگانه حمایتی می شود؟ و اگر چنین است حدود آن کدام است؟ همچنین آیا علائم صنعتی و تجاری که تحت اسم خاص به ثبت رسیده اند، در کشورهای دیگر حمایت می شوند، مثلاً اگر کتابی را که به نام کسی چاپ شده است در کشور دیگر تجدید چاپ یا ترجمه نمایند صاحب حق چگونه و به موجب چه قانونی خواهد توانست از حق خود دفاع کند؟ همچنین اگر علائم صنعتی را در کشور دیگر تقلید کنند چگونه صاحب این علامت می تواند

احقاق حق نماید؟ و چه قانونی در این مورد قابل اجرا خواهد بود؟ قانون کشوری که در آن حق ایجاد شده و به ثبت رسیده یا کشوری که حق در آن مورد سوء استفاده واقع شده است؟ مثلاً در فرانسه، نسبت به تألیفی که در فرانسه بوجود آمده باشد تا ۵۰ سال پس از مرگ مؤلف نیز از این حق حمایت می‌کنند و در مورد مؤلف خارجی بر حسب اینکه در مملکتی که حق در آنجا به وجود آمده است چطور پیش بینی شده باشد به همان صورت و در همان مدت از این حق معنوی حمایت می‌شود. در ایران نسبت به حق تألیفی که در ایران به وجود آمده باشد، علاوه بر مدت عمر مؤلف تا ۳۰ سال پس از مرگ وی این حق را برای وراثت او می‌شناسند. در ایران از آثار مؤلفین خارجی حمایت نمی‌شود مگر اینکه در ایران به ثبت رسیده باشد، مثل ترجمه و انتشار آثار خارجی که در ایران، بدون احتیاج به کسب اجازه از مؤلف آزاد است.

#### ۴. اوراق بهادار

در مورد اوراق بهادار نیز ممکن است مساله در سطح بین‌المللی مطرح شود. مثلاً اوراق قرضه شخصی سرقت می‌شود و در کشوری دیگر فروخته می‌شود. حال اگر خریدار به کشوری که در آن اوراق قرضه سرقت شده بود باز گردد تا مثلاً منافع آن را اخذ نماید و مالک اصلی نیز در صدد مطالبه آنها برآید، چگونه می‌تواند اقدام کند؟ حل این مساله نیز از وظایف حقوق بین‌الملل خصوصی است.

#### ۵. ارث

اگر شخصی بیگانه در ایران بمیرد و اموالی در ایران و در کشور متبوع خود و در سایر کشورها داشته باشد باید دانست قانون کدامیک از این کشورها در مورد تقسیم ترکه باید اجرا شود. حقوق بین‌الملل خصوصی به این سوال پاسخ می‌دهد.

#### ۶. رژیم مالی زوجین

در بعضی کشورها مثل ایران اموال زن و شوهر از یکدیگر جداست و هر یک از زوجین به تنهایی مالک دارایی خویش است (ماده ۱۱۸ق.م) ولی در بسیاری از کشورها مثل فرانسه زن و شوهر پس از ازدواج در اموال مشترک هستند. بنابراین اگر یک زن ایرانی با یک نفر فرانسوی ازدواج کند باید بدانیم رژیم مالی کدامیک از دو کشور فرانسه و ایران در مورد این زن و شوهر حاکم است و آیا آنها در اموال شریکند یا هر یک مالک دارایی خود می‌باشند. این مساله نیز طبق اصول حقوق بین‌الملل خصوصی باید حل شود.

#### ب- اشخاص

اشخاص دو نوع می‌باشند: اشخاص حقیقی، اشخاص حقوقی

#### ۱. اشخاص حقیقی

عزیمت از کشوری به کشور دیگر به خصوص در زمان حاضر که با تسهیل وسایل حمل و نقل به سادگی صورت می‌گیرد، از نظر بین‌المللی مسائلی ایجاد می‌کند. البته این عزیمت ممکن است به صورتهای مهاجرت، پناهندگی، جهانگردی یا برای تجارت باشد. در مورد هر یک از این امور باید مقررات خاصی وضع شود تا بی‌جهت هر کسی حق ورود و اقامت به کشوری را نداشته باشد.

در ضمن هر یک از گروههای فوق الذکر با توجه به مقرراتی که در حقوق بین‌الملل خصوصی هر کشوری در آن زمینه وضع شده است باید از حدود حقوقی که از آن برخوردار هستند مطلع باشند. زیرا مسلماً هر گاه دولتی، شخصی را به عنوان مهاجر در خاک خود بپذیرد حقوقی که این شخص از آن برخوردار است با حقوقی که فردی به عنوان جهانگرد در همان کشور از آن برخوردار است متفاوت می‌باشد.

از طرف دیگر افرادی که به عنوان پناهنده به کشوری وارد می‌شوند تابع مقرراتی کاملاً مجزا از سایر بیگانگان می‌باشند. امروزه کلیه کشورهای پیشرفته در این زمینه مقرراتی توسط حقوق بین‌الملل خصوصی وضع نموده‌اند. همچنین این مسئله که احوال شخصیه بیگانگان باید تابع چه قانونی باشد و پس از آن روابط مشترک دو نفر که دارای تابعیت مختلف می‌باشند باید تابع چه قانونی باشد همگی از مسائل مختلف حقوق بین‌الملل خصوصی می‌باشند.

**۲. اشخاص حقوقی**

در حال حاضر ضرورت اقتصادی و اجتماعی باعث اهمیت و توسعه یافتن مفهوم شخصی حقوق شده است. امروزه، اغلب تجارت به وسیله شرکت‌های بزرگ انجام می‌شود که معمولاً دارای شعباتی در ممالک مختلف هستند و در زمان فعلی بسیاری از شرکت‌های بزرگ و مهم تجارتي ظاهراً دارای چند تابعیت هستند و مسائل غامضی را در حقوق بین الملل خصوصی مطرح نموده‌اند. موضوعاتی نظیر چگونگی توسعه فعالیت یک شرکت در کشورهای خارجی، ثبت آن در کشورهای مزبور، حدود اختیارات مدیران و مؤسسات آن و همچنین شناسایی و اعتبار ثبت یک شرکت در کشورهای دیگر، همگی از مسایل حقوق بین الملل خصوصی می‌باشند.

**ج- اعمال حقوقی**

افراد برای ادامه زندگی ناگزیر از انعقاد قراردادها و تعهدات هستند. لازمه تجارت انعقاد قرارداد و قبول تعهدات است. اما وقتی اینگونه اعمال در سطح بین المللی خودنمایی می‌کنند متوجه می‌شویم که قوانین کشورهای مختلف در مورد قراردادها و تعهدات یکسان نیستند. در نتیجه این سوال پیش می‌آید که قانون کدامیک از کشورهایی که به طریقی در موضوع دخالت دارند باید اجرا شود.

مثلاً موضوع تعهد ممکن است در کشوری مشروع محسوب شود و در کشوری دیگر نامشروع. در این صورت هنگامی که دو نفر از دو مملکت مختلف با یکدیگر قراردادی منعقد می‌نمایند، باید دانست قانون کدامیک از این دو مملکت در مورد قرارداد آنها لازم‌الاجرا است. همچنین هرگاه عقد بیع بین دو نفر ایرانی و افغانی واقع شود و مال مورد معامله از مالکیت فروشنده (ایرانی) خارج و به مالکیت خریدار (افغانی) درآید، و سپس اختلافی بین این دو نفر در مورد اجرای قرارداد یا حمل و نقل کالا پدید آید باید بدانیم قانون کدامیک از دو کشور ایران و افغانستان در مورد این قرارداد قابل اجرا است. به علاوه ممکن است محل انعقاد قرارداد نیز در یک کشور سومی باشد و فرضاً این اشخاص ایرانی و افغانی یکدیگر را در پاکستان ملاقات کرده و در آنجا قرارداد خود را منعقد نموده باشند، در این صورت باید تشخیص دهیم بین سه قانون ایران، افغانستان و پاکستان کدامیک باید در مورد این قرارداد اجرا گردد. حل این مسئله نیز وظیفه حقوق بین الملل خصوصی است.

**د- وقایع حقوقی**

همانطور که کلیه مسائل مربوط به حقوق خصوصی در حقوق بین الملل خصوصی مطرح می‌شود، وقایع حقوقی نیز ممکن است در سطح بین المللی مطرح گردند. مثلاً هرگاه تولد، ازدواج یا مرگ شخصی در کشوری غیر از کشور متبوع خودش واقع گردد. در این صورت حقوق بین الملل خصوصی تعیین می‌نماید که این وقایع تابع چه قانونی باید باشند.

**بند دوم- فواید علمی**

از نظر علمی نیز حقوق بین الملل خصوصی دارای فوایدی است، از جمله تقویت قوه استنباط و درک بهتر سایر رشته‌های حقوق.

**الف- تقویت قوه استنباط**

در مطالعه حقوق بین الملل خصوصی باید همواره نوعی انطباق بین حقوق کشورهای مختلف ایجاد کرد، بدین ترتیب که وقتی در مورد موضوعی در نظر داریم بدانیم از بین چند قانون کدامیک قابل اجرا است، باید قواعد حقوقی کشورهای مورد بحث را که شامل رویه قضایی، عرف بین المللی و نیز عهد نامه‌های بین المللی است مورد مطالعه قرار داده با یکدیگر مقایسه نماییم و راه حل مناسب را بیابیم. در نتیجه این تحقیق و تطبیق مداوم، شمه حقوقی و قوه فهم و استنباط بیشتر می‌شود. به علاوه در مسائلی که در حقوق بین الملل خصوصی مطرح می‌شود نمی‌توان روش عادی و صرف حقوقی را برای حل آنها در پیش گرفت. زیرا در مسائل حقوق بین الملل خصوصی همواره یک عامل سیاسی نیز دخالت دارد که مربوط به قدرت حاکمیت و استقلال کشورها است. بنابراین عامل سیاست باعث می‌شود که حقوقدانان با جنبه‌های جامعه‌شناسی نیز آشنا شوند.



**ب- درک بهتر سایر رشته های حقوق**

در حقوق بین الملل خصوصی کلیه مسائل مختلف حقوق داخلی مطرح می شود، منتها با دید دیگری باید به آنها نگریست. حقوق بین الملل خصوصی باعث می شود که درباره این مسائل تعمق بیشتری نماییم و در هر مساله توصیف حقوقی قاعده مورد بحث را از نظر دور نداریم. مثلاً هرگاه در حقوق مدنی کشوری، تنظیم سند رسمی در عقدی شرط صحت آن باشد، به صرف عدم تنظیم سند، عقد را صحیح نمی دانیم، در حالیکه در مورد همین عقد در حقوق بین الملل خصوصی، قبلاً باید بدانیم شرط تنظیم سند یک شرط شکلی است یا یک شرط ماهوی. زیرا با قرار گرفتن در هر یک از این دو گروه ممکن است قانونی که در مورد این مسئله لازم الاجرا است تفاوت کند: در حقوق بین الملل خصوصی، شکل اسناد تابع قانون محل تنظیم سند است در حالیکه شرایط ماهوی عقد تابع قانون مورد نظر طرفین می باشد. بدین ترتیب مشاهده می شود که تعمق بیشتری در مسائل مطرح شده در حقوق بین الملل خصوصی لازم است و این باعث درک بهتر و تجزیه و تحلیل حقوق داخلی می شود.<sup>۱</sup>

دکتر نصیری فواید حقوق بین الملل خصوصی را به شرح ذیل آورده اند:<sup>۲</sup>

۱. اشیاء، هرگونه نقل و انتقال کالا از کشوری به کشور دیگر، یک مسئله بین المللی را در روابط افراد مطرح می سازد. کالاهایی که از کشوری به کشور دیگر آورده می شود مستلزم قراردادی است: مثلاً یک صنعتگر ایرانی، کالاهایی از یک کشور خارجی می خرد. باید بین فروشنده و خریدار قراردادی بسته شود. آن وقت این مسئله مطرح می شود که قوانین کدام یک از کشورها (کشور متبوع خریدار، کشور متبوع فروشنده و یا کشور محلی که احیاناً قرارداد در آنجا بسته شده است) بایستی بر این قرارداد حکومت کند؟ پاسخ این مسئله را حقوق بین الملل خصوصی به ما می دهد.

۲. اشخاص، جابجا شدن اشخاص، عزیمت از کشوری و اقامت در کشور دیگر، مسائل بین المللی مربوط به اشخاص را مطرح می کند و در این زمینه موضوع مهاجرت و مسئله توریسم (جهانگردی) قابل توجه است.

۳. افکار و عقاید، امروزه مخصوصاً با وضع جدید رادیوفونی و تلویزیون، افکار مصنفین، مخترعین، علما، موسیقی دانان و دیگر هنرمندان با سرعت فوق العاده زیاد از کشوری به کشور دیگر سیر می کند و اغلب این مسئله بین المللی مطرح می شود که این مالکیت های معنوی را تا چه حدودی می توان حمایت کرد.

**الف - فواید عملی****فواید حقوق بین المللی خصوصی**

۱. تازگی موضوعات، در حقوق بین الملل خصوصی مسائل حقوقی تازه ای مطرح می شود و مورد بحث قرار می گیرد، زیرا این رشته از علم حقوق، مستقل است و دارای قواعد و احکام مخصوص به خود، منظور این است که حقوق بین المللی خصوصاً از امتزاج شعب دیگر حقوق به وجود نیامده و دنباله انتظامات حقوقی دیگر نیست و باید جداگانه آن را فراگرفت تا به مسائل دقیق و موضوعات تازه آن واقف شد.

۲. فن اختصاصی بودن، حقوق بین الملل خصوصی فن خاص «تطبیق و انطباق» است. شما با فراگرفتن این رشته از حقوق، تأسیسات حقوق داخلی خود را از لحاظ تشابه و افتراقی که با تأسیسات حقوق خارجی دارد، مورد مطالعه قرار می دهید و آنها را با یکدیگر تطبیق می کنید؛ این تطبیق و انطباق متضمن یک ورزش فکری است و شما را حقوقدان می کند.

۳. بهتر فهمیدن سایر رشته های حقوق، حقوق بین الملل خصوصی ما را به تعمق بیشتری درباره تأسیسات حقوق داخلی وادار می کند. ملاحظه کرده اید در حقوق مدنی غالباً راجع به حقیقت قضائی یک موضوع (یا یک تأسیس قانون) ، مفصلاً بحث شده است. نظریات مختلف و همچنین دلایل له و علیه هر عقیده هم ذکر می شود و لیکن در آخر کار، نظر قطعی و جزمی اتخاذ نمی شود.

\*\*\*

**ب - فواید علمی**

<sup>۱</sup> دکتر بهشید ارفع نیا، حقوق بین الملل خصوصی، جلد اول، انتشارات بهتاب

<sup>۲</sup> دکتر محمد نصیری، حقوق بین الملل خصوصی، جلد اول و دوم، انتشارات آگاه

## گفتار ششم - تاریخچه حقوق بین الملل خصوصی

### بند اول - تاریخ پدید آمدن رشته حقوق بین الملل خصوصی

شناخت حقوق بین الملل خصوصی به عنوان شاخه ای از حقوق به نیمه دوم قرن نوزدهم میلادی باز می گردد، گرچه از آن به عنوان یک اصطلاح در کتاب « تفسیرهایی درباره تعارض قوانین » اثر استوری مؤلف آمریکایی، اندکی پیش از آن تاریخ، نام برده شده بود. این اصطلاح در مدتی کوتاه برای نامیدن این رشته حقوق در بسیاری از کشورها پذیرفته شد. در خود آمریکا از آن استفاده نشد و در آنجا اصطلاح تعارض قوانین همچنان محفوظ ماند.

اگر این اصطلاح و جدا شدن موضوع آن از حقوق مدنی مربوط به قرن اخیر است، مفاهیم آن قدیمی اند و از زمانی پدید آمده اند که افراد متعلق به دو جامعه مختلف، هر چند ابتدایی، با یکدیگر رابطه ای حقوقی یافته اند و لازم بوده آن رابطه بر پایه نظامی معین جریان یابد. درک درست نظام کنونی حقوق بین الملل خصوصی مستلزم آگاهی اجمالی بر تحولات این مفاهیم در طول تاریخ است.

### بند دوم - تحولات تاریخی حقوق بین الملل خصوصی به طور کلی

#### ۱. وضع بیگانگان در عهد عتیق [زمانهای دور]

حقوق همراه جامعه پدید آمده، اندک اندک تکامل یافته تا به پایه امروز رسیده است. پیوند حقوق با جامعه به گونه ای است که می توان با مطالعه آن در هر دوران به درجه پیشرفت جامعه ای معین و تمدن آن پی برد. از این رو طرز رفتار با بیگانگان را در دوران کنونی که برای آنها در همگی کشورها قائل به شخصیت حقوقی می باشند و به حقوق آنان احترام می گذارند، نمی توان با دوران های گذشته سنجید.

در جامعه عهد عتیق که حقوق نخستین مراحل خود را می گذرانیده است، بیگانگان مانند: حق ازدواج، یا حق مالکیت، یا حق مراجعه به دادگاه محروم بوده اند. بردگی بر اثر اسارت در جنگ را که منبع عمده نظام برده داری تلقی شده از یادگارهای ناپسند همان دوران می توان دانست.

کولتور در اثر تاریخی خود با عنوان « جامعه عتیق » محرومیت بیگانگان را در آن جامعه ها، از هر گونه حقی به مذاهب ابتدایی آنها نسبت می دهد به این عبارت: « جامعه عتیق بر پایه مذهب استوار است. بیگانه در آیین های آن شرکت نمی کند در قوانین آن نیز نمی تواند مشارکت داشته باشد ».

#### ۲. گرایش به سوی شناخت حقوق برای بیگانگان

با رشد زندگی اجتماعی و بهبود شرایط زیست و پدید آمدن امکانات داد و ستد میان جامعه های مختلف و پی بردن بر اینکه می توان از راه داد و ستد با جامعه های دیگر به رفع کمبودها کمک کرد، فکر شناخت حقوق برای بیگانگان، یا کم از آن برای بیگانگان طرف این داد و ستدها در آن جامعه ها اندک اندک شکل گرفت و راه برای رفت و آمد بیشتر میان آنها باز شد. تعیین اینکه این تحول مرهون چه تمدنهای شناخته شده عهده باستان است میسر نمی باشد، با این وصف معلوم است که رخ دادن این تحول به تمدنهایی قابل انتساب است که بسی پیشتر از تمدنهای یونان و روم باستان بوده اند و میراث خود را برای تمدنهای پس از خود از جمله آن دو تمدن نهاده اند. پس از آن هم در این راه مراحل چند پیموده شده تا نوبت به روابط بس گسترده و نظام بین المللی امروز رسیده است.

برای بررسی این مراحل، که هر یک دارای ویژگیهای خود می باشد، بر حسب مرسوم از آنچه در سرزمینهای یونان و روم در عهد باستان پیش آمده آغاز می گردد؛ و این به دو علت است: نخست آنکه از آن دو تمدن آثار نوشته بیشتری به جا مانده است و در نتیجه مطالعه آن آسان تر می باشد، دیگر آنکه اسلوب کنونی حقوق بین الملل خصوصی در عموم کشورها مقتبس از حقوق چند کشور اروپایی می باشد که خود بر پایه حقوق روم تکامل یافته و اینک جهان شمول شده است.

### ۳. عامل معاهده در تعیین حقوق بیگانگان در یونان باستان

ارزش تمدن یونان باستان را که از جمهوری های مختلف خودمختار تشکیل می شده می توان از قدر و منزلت فیلسوفانی که از آن سرزمین ، در آن عهد ، برخاسته اند شناخت . حقوق نیز در آن جمهوری ها نمی توانسته با آن تمدن متناسب نباشد ، چنانکه رومی ها برای تنظیم الواح دوازده گانه خود از مطالعه آن حقوق آغاز می کنند و به اقتباس از آن می پردازند ، از این رو در این دو سرزمین درباره رفتار با بیگانگان قاعده های یکسان دیده می شود .

در این جمهوری ها اهالی هر جمهوری در جمهوری دیگر بیگانه تلقی می شده اند ، با این حال به لحاظ کثرت رفت و آمد و داد و ستد میان آنها روابط حقوقی گوناگون در میان آنها پدید می آمده ، از این رو تعیین حقوق کسانی که متعلق به جمهوری های دیگر می بودند در هر جمهوری لازم بوده است ، چنانکه در جمهوری آتن از زمان هومر تأسیسی به نام هوسپیتالیه یا مهمان نوازی دیده شده که براساس آن شهروندی به نام پروکسن مراقبت و حمایت از بیگانه را عهده دار می گشته است . اما ترتیب عام که می توانسته حقوق شهروندان جمهوری های دیگر را در هر جمهوری تضمین کند عامل معاهده بوده به این صورت که جمهوری های آن سرزمین با هم عهدنامه ای به نام ایزوپولیتی منعقد می ساخته اند و طی آن هر طرف در قلمرو خود برای شهروندان طرف دیگر حق بهره مند شدن از همگی یا بخشی از حقوق خصوصی را می شناخته است . عامل مؤثر در عقد این گونه معاهده ها میان آن جمهوری ها اشتراک زبان و فرهنگ آنها بوده است . این عامل در سرزمین های دیگر نیز این اثر را داشته ، چنانکه دو شاخه قوم یهود ، پس از جدا شدن از یکدیگر بعد از سلیمان نبی ، به لحاظ داشتن فرهنگ و آیین مشترک با یکدیگر توانستند در زمینه مسائل مشترک راجع به صلاحیت قضایی و آیین دادرسی و قانون حاکم در دعاوی میان خود معاهداتی منعقد سازند .

در جمهوری آتن برای دسته ای از بیگانگان به نام متک ، اختیار اقامتگاه و بهره مند شدن از حقوق خصوصی در زمینه تجارت ، بدون داشتن حق ازدواج با زنان آتنی ، یا حق استملاک و یا تملیک و تملک از راه وصیت ، شناخته شده بوده و دعاوی آنها را که باید از سوی کسی از شهروندان آتنی مطرح می گشته ، قاضی ویژه ای به نام پولمارک رسیدگی می کرده است .

### ۴. تنظیم « حقوق ملل » در روم

در ابتدا در روم نیز مانند یونان رفتار با بیگانگان مانند رفتار با بردگان بوده ، سپس بر اثر تغییر شرایط و ایجاد تحول در حقوق ، رفتار با آنان در این سرزمین نیز تغییر یافته و تحولاتی چند به خود دیده است .

در سرزمین روم تأسیسی به نام هوسپیتیوم ، به موازات تأسیس پروکسن در آتن ، بوده که بر اساس آن : بیگانه پسر خانواده تلقی و برای حقوقی محدود شناخته می شده است . در این سرزمین نیز در تعیین حقوق بیگانگان عامل معاهده وجود داشته ، به این معنی : بیگانگی که شهر آنها با روم ، درباره حقوق آنها ، دارای معاهده بوده در روابط خود با اتباع روم از حقوقی معین بهره مند می شده اند . اصطلاح پرگرن نیز که بعدها برای نامیدن عموم بیگانگان به کار گرفته شد در اصل برای نامیدن این دسته از آنان بوده است .

دگرگونی اساسی در حقوق روم ایجاد حقوق ملتها ( یا حقوق مردم ) برای تنظیم روابط حقوقی میان لاتنها و پرگرنها بوده که تازگی داشت و نظیر آن در میان ملت های دیگر در اعصار گذشته دیده نشده است .

لاتنها خود به دو دسته متمایز تقسیم می گردیده اند : لاتنهای قدیمی یعنی سکنه قدیمی روم و لاتنهای مستعمرات که از شهرهای دیگر ایتالیا به روم مهاجرت کرده و در آنجا مقیم شده بودند و حقوق آنها نسبت به حقوق لاتنهای قدیمی محدودتر بود .

این حقوق که مشتمل بر قاعده های ذاتی درباره موارد مختلط بود در ابتدا اسلوبی کامل را تشکیل نمی داد و شامل وجوه گوناگون حقوقی نمی گردید و بیشتر برای رفع نیازهای بازرگانی تنظیم شده بود ، به این جهت حقوق مخصوص پرگرنها یعنی بیگانگانی که برای همیشه به روم مهاجرت کرده بودند ، پس از پیدایش « حقوق ملل » نیز همچنان دوام داشته است ، چنانکه در سال ۲۴۲ پیش از میلاد مسیح مقام قضایی ویژه ای به نام پرتورپرگرن تأسیس می گردد تا مراقب اجرای آن حقوق خاصه در روابط خانوادگی باشد .

جوهر حقوق ملتها به گفته گوتریچ همان حقوق روم بوده است . بنابراین نمی توان آن را نتیجه برخورد و آمیختن دو نوع حقوق و تولد حقوقی دیگر دانست ، که امتیاز آن همان بوده است که در آن برای روابط با کسانی که نسبت به جامعه روم بیگانه تلقی می شده اند حقوقی مخصوص فراهم گردیده بوده است . پدید آمدن این حقوق نشان می دهد چگونه زندگی دو

گروه از مردم که هر یک دارای حقوق مخصوص خود می باشد در یک سرزمین و تحت یک حاکمیت باعث پدید آمدن روابط حقوقی مشترک میان آنها می گردد و قاعده های مشترک را برای تنظیم آن روابط طلب می کند. در اینجا نخستین نشانه های نظامی تازه دیده می شود که در آن قاضی با در نظر گرفتن بیگانه بودن یکی از دو طرف دعوی، به جای قانونی که به طور معمول اجرا می کند، قانونی دیگر را به اجرا می گذارد. این همان وضعیت تعارض قوانین است که در آن تعیین قلمرو هر قانون را قاضی عهده دار می باشد. گو اینکه از آن دوران درباره ترتیب حل تعارض قوانین سابقه ای به دست نیامده است. در توجیه آن گفته شده: با وجود یک حاکمیت سیاسی، به زودی وحدت قانونگذاری حاصل گشته و بر اثر آن «حقوق ملل» تعمیم پذیرفته و همگی صور رابطه های حقوق میان پرگرنها و لاتنها را در بر گرفته، خاصه که با تحصیل حقوق شهروندی از سوی پرگرنها عامل تفاوت میان حقوق آنها با لاتنها از میان رفته، از این رو: در زمان دیژست<sup>۱</sup> دو نوع قانون وجود نداشته که موجب انعکاس حکمی در خصوص حل تعارض میان آنها در این مجموعه باشد.

درباره روابط میان اتباع امپراتوری و بربرها نیز، پس از سرازیر شدن گروههایی از آنها به درون امپراتوری، به عنوان مهاجر، اجازه داده شده که آنها نیز مانند پرگرنها در گذشته، از حقوق خود پیروی کنند.

با سقوط این امپراتوری، نظام حقوقی آن نیز در عمل از هم گسست. با این حال، حقوقی که در دوران شکوفایی آن فراهم آمده بود به صورت حقوق عام و به عنوان رهنمود در کنار عرفهای نواحی مختلف آن باقی ماند. در این ناحیه ها، تا پدیدار شدن حکومت مرکزی پروام، حقوق بیگانگان از دو مرحله تاریخی مشخص گذشته است. این دو مرحله عبارتند از: مرحله شخصی بودن قوانین و مرحله سرزمینی بودن آنها.

#### ۵. شخصی بودن قوانین در قرون وسطی اروپا

با تجزیه امپراتوری روم، در قرنهای چهارم و پنجم میلادی، در سرزمینهایی که اینک خاک فرانسه محسوب می گردند حکومت به دست ویزیگوتها و بورگوندها، دو قبیله ژرمنی، افتاد. این دو قبیله، که خود از عرفهای ژرمنی پیروی می کردند، به سکنه بومی ناحیه های تحت انقیاد خود اجازه داده بودند: در حقوق خصوصی از حقوق گذشته خود، یعنی حقوق به جا مانده از دوران تسلط روم، تبعیت کنند. بدین گونه در هر یک از دو ناحیه زیر تسلط آنها دو نوع قانون قابل اجرا بود: قانون قبیله ای حاکم مبتنی بر عرفهای ژرمنی، و قانون اهالی بومی مبتنی بر حقوق روم. این وضعیت را که در آن در جامعه های مختلف که زیر حاکمیت یک دولت اداره می شوند قوانین گوناگون، یعنی در هر جامعه قوانین مخصوص همان جامعه قابل اجرا باشد در اصطلاح شخصی بودن قانون می نامند، که نظایر آن در تاریخ کم و بیش دیده شده است، مانند: حقوق روم، حقوق ایران در دوران حکومت های اسلامی، حقوق کشورهای مستعمره در عصر جدید.

#### ۶. سرزمینی بودن قوانین در قرون وسطی اروپا

سرزمینی بودن قوانین به این معنی است که همگی کسانی که در یک سرزمین ساکن هستند بدون توجه به تفاوتهای ملی آنها پیرو یک قانون باشند. مانند آنچه در دوران فئودالیت در اروپا حاکم بوده است، به این صورت که در قلمرو هر فئودال درباره هر شخص یا هر مال یا هر واقعه و یا هر سند تنها قوانینی که در آن قلمرو مقرر بوده اجرا می شده و متعلق بودن شخص به جامعه ای دیگر یا ربط مال یا واقعه یا سند به ناحیه های دیگر در آن تأثیر نداشته است.

در اروپا پس از فروپاشی حکومت وسیع و مقتدر شارلمانی، در پایان قرن هشتم میلادی، حکومت به دست حکام محلی می افتد و هر محلی برای خود نظام حکومتی ویژه می یابد و در مجموع نظامی پدید می آید که آن را فئودالیت می نامند، به گونه ای که صورت نهایی آن در قرن دهم میلادی بوده است.

این نظام حکومتی، که در آن حاکمیت میان بخشهای گوناگون یک سرزمین خرد می گردد، در تاریخ ایران در دوران پارتها یا اشکانیان سابقه داشته و در ایران به عنوان ملوک الطوائفی شناخته می شده است.

1. Digeste! مجموعه آرای حقوقدانهای رومی گردآوری شده در سال ۵۲۹ میلادی به دستور ژوستینیان امپراتور روم شرقی.

بر پایه قوانین فنودالیت که از قلمرو یک فنودال به قلمرو دیگر می توانست متفاوت باشد، هر بیگانه مکلف بود ورود خود را در مهلتی معین، در برخی جاها ظرف یک روز، به اطلاع برساند و نسبت به حاکم اظهار انقیاد کند و در سلک خدمه ای او درآید و اگر از ادای این تکلیف امتناع می کرد ممکن بود اموال او ضبط و خود او توقیف گردد. از جمله محدودیتهای حقوق بیگانه در آن عصر آن بود که اگر وی با زنی از اتباع حاکم ازدواج می کرد ناگزیر بود، مانند سرفها، مالیاتی به او پردازد، یا آنکه برای او حق تملیک و تملک اموال بر اثر فوت شناخته نمی شد و در صورت درگذشت وی ماترک او به ورثه او منتقل نمی گشت بلکه به حاکم تعلق می گرفت.

#### ۷. تأثیر تجدید حیات حکومت مرکزی و تعدیل حقوق بیگانگان

تحمل شرایط دشوار نظام فنودالیت و رکود اقتصادی ناشی از آن برای زمانی دراز میسر نبود. از این رو، جریان تاریخ در این سرزمینها به سوی ایجاد حکومت مرکزی حرکت کرد و پادشاه به عنوان تیولدار کل از یک سو همگی فنودال ها را زیر چتر حمایت خود جا داد و از سوی دیگر اختیارات آنها را اندک اندک کاست و سرانجام همگی اقتدارهای آنها را به خود تخصیص داد و با بسط اقتدار حکومت مرکزی و ایجاد وحدت سیاسی شرایط اقتصادی و نیز حقوقی کشور را تغییر داد و از آن پس سروکار بیگانگان به جای فنودال ها، با پادشاه افتاد و اظهار انقیاد آنان به او جای این اظهار نسبت به فنودال ها را گرفت و در حقوق بیگانگان تغییراتی حادث شد و برای آنان به طور محدود حق تمتع شناخته گردید.

این تحول همچنان ادامه یافت تا آنجا که محرومیت آنان از حقوق منحصر به حق توارث گشت. قائل شدن این محرومیت نیز به تبعیت از حقوق روم بود که در آن تفاوت حقوق ملل نسبت به حقوق مدنی محدود به حق توارث شده بود. این محدودیت هم به مرور به تعدیل گرایید و ورثه فرانسوی بیگانه از آن بهره مند گردید و با مرسوم شدن شرط رفتار متقابل در معاهدات بین المللی امکان بهره مند شدن از آن برای ورثه غیر فرانسوی کسانی که در شمول این شرط واقع می شدند فراهم آمد.

شناخت حق تمتع برای بیگانگان در هر نظام حقوقی این پرسش را مطرح می سازد که استیفای حقوق آنان آیا بر پایه حقوق کشور متبوع آنان یا حقوق کشوری که در آنجا مقیم می باشند در طول چند سده اخیر که حاصل آن اسلوب کنونی تعارض قوانین است پرداخت. نخستین تجربه در این زمینه از آن حقوقدانان و قضات شهرهای خودمختار ایتالیا در قرون وسطی می باشد.

#### ۸. پیدایش نظریه تعارض قوانین در شهرهای خود مختار ایتالیا در قرون وسطی - اقیاس آن از سوی حقوقدانان فرانسه در قرن شانزدهم

وضع جغرافیایی شبه جزیره ایتالیا و واقع شدن شهرهای عمده آن در کنار دریای مدیترانه و نزدیکی آنها به یکدیگر و رفت و آمد گسترده میان آنها و با جهان خارج در آن قرون سبب گردید در این شهرها، که هر کدام برای خود نظام حقوقی ویژه یافته بود، به جای اقتصاد روستایی مخصوص فنودالیت، اقتصاد شهری حاکم گردد و سیر تمدن و حقوق در جهتی ادامه یابد که با این اقتصاد، خاصه با گسترش بازرگانی، مناسبت داشت.

در تجارت اگر طرفین معامله متعلق به یک جامعه نباشند تعیین اینکه رابطه حقوقی آنان تابع چه قانونی است ارزش می یابد، خاصه آنکه هر طرف با آگاهی که نسبت به قوانین جامعه خود دارد می کوشد همان قوانین را بر رابطه خود با دیگری حاکم سازد مگر آنکه مقرراتی مشترک، مورد قبول طرفین وجود داشته باشد. این نوع مقررات در بازارهای بین المللی اروپا در قرون وسطی پدید آمده بود و بازرگانان مناطق مختلف، که در آن بازارها به انواع داد و ستد می پرداختند، از آنها پیروی می کردند. این مقررات، معرف به لکس مریکاتوریا، به عنوان قاعده های عرفی آن بازارها شناخته می شد و از اعتبار کافی برخوردار بود.

این قاعده ها محدود به معاملات تجاری در آن بازارها بودند و دیگر وجوه روابط خصوصی بین المللی را که پیش می آمد در بر نمی گرفتند. برای این گونه رابطه ها باید راهی برای یافتن قانون حاکم جستجو می شد. این راه همان بود که منتهی به یافتن قاعده های تعارض قوانین و نظریه تعارض قوانین گردید.

عامل تاریخی اصلی، که باعث پدید آمدن فکر حل تعارض میان قوانین مختلف مربوط به موضوع در آن عهد در ایتالیا گردید، پیدا شدن قانونگذاری های مختلف در آن سرزمین بود و عامل پدید آمدن این قانونگذاری های متفاوت نیز آن بود که بر اثر

غلبه فئودالیسم در اروپا شهرهای ایتالیا نیز به ناگزیر از یکدیگر جدا افتاده و به صورت جمهوری های خودمختار در آمده بودند و هر شهر ناگزیر شده بود برای خود قانونگذاری مخصوص ایجاد کند. این جریان سبب شد قوانین آن شهرها کم و بیش نسبت به یکدیگر متفاوت باشند. این تفاوت نمی توانست به اندازه تفاوت میان قوانین دو دولت مستقل از یکدیگر باشد، زیرا تمدن همگی آن شهرها از یک فرهنگ سیراب می شد و حقوق تمامی آنها بر پایه حقوق روم استوار بود. با این وصف تفاوت تا آن حد بود که هر طرف، به هنگام بروز اختلاف میان او و کسی که با او همشهری نبود قانون شهر خود را مرجح شمارد و آن را برای حل و فصل اختلاف مناسب بداند. این وضع نمی توانست با تجارت گسترده میان آن شهرها سازگار باشد و لازم بود برای ترجیح قانون یک شهر بر قانون شهر دیگر قاعده ای عام فراهم آید. این قاعده ابتدا آن بود که شهرهای مختلف در معاهدات میان خود می پذیرفتند دعاوی در هر شهر تابع قوانین همان شهر باشد. این راه حل، با آنکه از حیث متساوی شناخته شدن قوانین ناشی از حاکمیت های مختلف پرارزش بود، این نقص را به همراه داشت که در آن به تنوع دعاوی و جهات ارتباط آنها به قوانین شهرهای دیگر توجه نشده بود. رسیدن به راه حلی که از این نقص عاری باشد در گامهای بعد حاصل شد و آن راه حل این بود که در هر اختلاف قاضی می کوشید از میان قانونگذاری های شهرهای مختلف که دعوی به آنها مربوط می شد تعیین کند هر قانونگذاری متضمن چه منفعتی است و کدام یک از آنها برای حل و فصل اختلاف مناسبتر است، مانند آنکه در اختلاف مربوط به وصیت نامه ای که آن را یکی از اهالی بولونی به هنگام عبور از مدن در این شهر تنظیم کرده بود آیا قانون محل تنظیم مناسبتر و برتر است یا قانون محل موصی یعنی قانون شهر بولونی. راه حلی هایی که در امثال این مورد و یا موارد دیگر از سوی دادگاههای شهرهای مختلف ایتالیا در آن زمان ارائه می شد در بطن خود هسته های اصلی قاعده های تعارض قوانین را داشتند که در زمانهای بعد از آنها راه حل ها استخراج شدند.

این تحول، یعنی قابلیت اجرای قوانین یک شهر در شهرهای دیگر ایتالیا، مانند هر اندیشه نو راه خود را به کشورهای دیگر گشود. از این رو دیده می شود در فرانسه در دورانی که از یک سو اختیارات فئودالها را حکومت مرکزی قبضه کرده بود و از سوی دیگر قوانین پراکنده فئودالها جای خود را به عرفهای گسترده ناحیه ها داده بود از این اندیشه استقبال می شود. تعقیب این فکر در آن کشور خود از دو ضرورت مایه می گرفت: نخست ضرورت رونق تجارت پس از رکود دوران فئودالیسم و دیگر ضرورت حفظ قدرت نواحی در برابر افزایش قدرت حکومت مرکزی. نتیجه این ضرورت ها انتشار دو اثر برجسته از سوی دو تن از حقوقدانان نامی آن کشور به اسامی دومولن و دارژانتره در قرن شانزدهم میلادی بود. در این دو اثر پایه های نظریه تعارض قوانین در آن کشور ریخته شد.

#### ۹. نفوذ نظریه فرانسوی تعارض قوانین در سرزمین هلند

استقبال حقوقدانان هلندی از نظریه فرانسوی تعارض قوانین در قرن هفدهم میلادی ناشی از رابطه های گسترده تجاری بود که شهرهای آن سرزمین، مانند شهرهای خودمختار ایتالیا، میان خود و با جهان خارج داشتند و برای حفظ و گسترش این رابطه ها ناگزیر بودند برای حقوق بیگانگان در سرزمین خود احترام قائل گردند و راهی برای اجرای آن حقوق، در موارد مقتضی بیابند. این شهرها، افزون بر فرهنگ و علائق تاریخی مشترک و اقتصاد هم پایه با یکدیگر، درباره طرد و نفی سلطه خارجی، یعنی اسپانیایی ها، نیز دارای هدفی مشترک بودند؛ به این جهت حقوقدانان آن سرزمین در پی یافتن راهی برای اجرای قوانین بیگانه به تازه ترین آثار در زمینه تعارض قوانین، یعنی آثار حقوقدانان فرانسوی، رو آور شدند و از آن میان دارژانتره را که بر مبنای خاص گرایی نوشته شده بود و از این حیث با تمایلات سیاسی استقلال طلبانه آنان سازگار بود، برگزیدند و چون مسائل آنها نوتر و اندیشه آنها دارای افقی وسیعتر بود از نظرات فرانسویها در این زمینه فراتر رفتند و آثار اصیل برای خود پدید آوردند.

در این شهرها مسأله تعارض قوانین، نسبت به این مسأله در شهرهای ایتالیا یا ناحیه های فرانسه، از این جهت تفاوت داشت که در اینجا تعارض میان قوانین یک سرزمین با سرزمین دیگر مطرح بود. به بیان دیگر، در این شهرها پرسش این بود که چگونه می توان اجرای قانون یک کشور بیگانه را در دادگاههای داخلی توجیه کرد و حال آنکه در تعارض میان قوانین شهرهای

خودمختار ایتالیا و یا میان عرفهای ناحیه های مختلف فرانسه موضوع به اجرای قوانین یا عرف های کشوری دیگر مربوط نمی گردید بلکه همگی آنها به یک کشور مربوط می شد که توجه آن دشوار نیست ، چنانکه همین وضعیت در کشورهای فدراتیو دیده می شود . به این مناسبت حقوقدانان هلند بر پایه نظراتی که در مکتب های حقوقی دیگر قوام یافته بود به توجیهی تازه در این باره دست یافتند و آن استناد به نزاکت بین المللی بود که زیر عنوان نظریه نزاکت بین المللی شهرت یافته است . مؤلفان حقوق هلند که در این باره آثار سودمند پدید آورنده اند عبارتند از : پل وونه و پسر او : ژان وونه ، و اولریخ هوبر . اصطلاح تعارض قوانین مدیون اثر هوبر تلقی شده است .

#### ۱۰. تأثیر نظریه حقوقدان های هلند در کشورهای انگلستان و آمریکا

نظریه تعارض قوانین که بر اثر یافته های حقوقدانان هلند جهشی تازه یافته بود به حرکت خود از آن کشور به کشورهای دیگر ادامه دارد و در مسیر خود در انگلستان و آمریکا ، یعنی کشورهای پیرو نظام حقوقی کامن لا ، نظر حقوقدانان را به خود جلب کرد . تأثیر نظریه حقوقدانان هلند در حقوق انگلستان بدان پایه می رسد که به گفته گوتریچ ، بیشترین بخش قاعده های تعارض قوانین آن کشور بر اثر الهام از آثار آن مؤلفان ، خاصه اثر هوبر ، ساخته شده است .

در این شرایط حقوقدان مشهور آمریکایی به نام استوری اثر خود را ، که به گفته باتیفول ، می توان آن را واقعه ای در تاریخ نظریه تعارض قوانین به شمار آورد ، و اصطلاح حقوق بین الملل خصوصی را یادگار آن دانست ، تحت تأثیر نوشته هوبر تألیف و آن را در سال ۱۸۳۴ میلادی منتشر می کند . این اثر با استقبالی که از آن بلافاصله در اروپا به عمل آمد اندیشه آمریکایی را در این زمینه متقابلاً به اروپا منتقل و در خود آمریکا نیز اثر خود را به طور کامل در رویه قضایی ظاهر ساخته است . این اثر در فرانسه نیز انعکاس می یابد و در آنجا حقوقدان فرانسوی به نام فولیکس از آن در تألیف خود در زمینه حقوق بین الملل خصوصی که در سال ۱۸۴۳ انتشار یافته است ، الهام می گیرد .

#### ۱۱. گسترش حقوق بین الملل خصوصی

پس از تحول های پیاپی در نظریه تعارض قوانین و به دنبال دگرگونی هایی که در روابط اقتصادی و سیاسی بین المللی رخ می دهد و رابطه های حقوقی بس گسترده تر و متنوع تری را نسبت به گذشته ، میان همگی کشورها سبب می گردد ، نوبت به تعمیم این نظریه و بازتاب آن از راه عهدنامه های سیاسی ، یا وضع قوانین و یا ایجاد رویه قضایی در اسلوب های حقوقی کشورها فرا می رسد .

در فرانسه بر اثر انقلاب سال ۱۷۸۹ وحدت قانونگذاری پدید می آید و با الهام از عرف های نواحی مختلف کشور ، خاصه عرف پاریس ، برای نخستین بار در عصر حاضر به تدوین قوانین مدنی مبادرت می گردد<sup>۱</sup> .

به تدریج از قرن نوزدهم به بعد ، علاوه بر تعارض قوانین ، موضوعات دیگری از جمله تابعیت ، اقامتگاه و وضع بیگانگان به علت همبستگی با موضوعات مربوط به تعارض قوانین در محدوده حقوق بین الملل خصوصی راه یافت و به تدریج در هر کشوری کم و بیش رویه قضایی خاص آن کشور نیز به وجود آمد ، که همراه با مواد قانونی و قراردادهای بین المللی ، اصول و مبانی حقوق بین الملل خصوصی را تشکیل داده است<sup>۲</sup> .

### بند سوم - تحول های تاریخی حقوق بین الملل خصوصی ایران

#### الف - پیش از ورود اسلام به ایران

حقوق ایران ، در طول تاریخ پرفراز و نشیب این سرزمین ، از چند دوره متمایز گذشته تا به دوران کنونی رسیده است . نخستین دوره از این ادوار ، که درباره آن می توان برخی آگاهی های کم و بیش قابل اعتماد یافت دوره هخامنشیان می باشد که طی آن ایرانیان نه تنها به تشکیل دولتی فراگیر در سرزمین ایران توفیق می یابند بلکه از مرزهای سرزمین خود نیز فراتر می روند و به

<sup>۱</sup> دکتر محمود سلجوقی ، حقوق بین الملل خصوصی ، جلد اول ، نشر میزان

<sup>۲</sup> دکتر بهشید ارفع نیا ، حقوق بین الملل خصوصی ، جلد اول ، انتشارات بهتاب

کشورگشایی در سرزمین های مجاور و دورتر دست می زند. این آگاهی ها بخشی مستند به گوشه ای از نوشته های کتاب عهد عتیق از کتاب مقدس است که در آن از فرمانهایی یاد شده است که در آنها، پادشاهان ایران، پس از گشودن بابل و گسترش فرمانروایی خود بر آن سرزمین، دستورهایی درباره آزادی یهودیان و یاری رساندن به آنان برای ساختن پرستشگاه خود و مجاز دانستن آنها در برگزیدن قاضیان و داوران برای داوری میان خود، می دهند. بخشی دیگر مستند به کتیبه های یافته شده از آن عهد، به ویژه سنگ نبشته ای است که در آن کوروش پادشاه هخامنشی از سیاستهای خود دائر بر احترام به مذهب بابلها و آزادی آنها و ترمیم ویرانی ها یاد می کند.

می توان گفت در آن دوران در ایران برای بیگانگان شخصیت حقوقی شناخته می شده و رواج پناهندگی به این کشور در آن روزگاران از آثار چنین رفتاری بوده است. این دوران که در آن حقوق ایران مراحل تکاملی چندی را پشت سر گذاشته و به آن پایه از پیشرفت رسیده بوده که می توانسته امپراتوری تسلط اسکندر و جانشینان او یعنی سلوکیها داد.

در دوران پارتها یا اشکانیان که حکومت از یونانیها پس گرفته می شود و ایرانیان خود زمام آن را به دست می گیرند؛ نظام حکومتی، نظیر آنچه در زمان هخامنشیان بوده، شکل ملوک الطوائفی و وضع حقوق با حقوق دوران سلوکیها شباهت داشته است. این شکل حکومت را در آن دوران در ایران، برخی مورخان با نظام حکومتی فئودالیه در قرون وسطی در اروپا همانند دانسته اند. این وضعیت ایجاب می کند اداره هر ناحیه در قبضه حکومتی خودمختار باشد و حقوق هر ناحیه نسبت به حقوق ناحیه های دیگر متفاوت باشد. با این وصف نباید آن دوران را در حقوق ایران با رفتار سخت با بیگانگان و سلب حقوق آنها در دوران فئودالیه در اروپا مقایسه کرد.

در دوران ساسانیان قدمی فراتر برداشته می شود و حقوق بومی ایران حاکمیت عام می یابد و به لحاظ نقش برجسته مذهب زرتشتی، در فرهنگ و در اداره جامعه، با احکام آن آمیخته می گردد و مذهب در تعیین حقوق فرد در جامعه ارزش پیدا می کند. با این وصف برای پیروان مذاهب دیگر نیز فرض برخوردار بودن از حقوق محفوظ بوده، مگر هنگامی که رواج مذهبی به مذهب زرتشتی زیان می رسانده که در این حالت سختگیری نسبت به پیروان آن مذهب آغاز می شده است.

### ب- پس از ورود اسلام به ایران

با شکست ساسانیان و برقرار شدن حاکمیت اسلامی در سرزمین ایران حقوق این سرزمین، این بار از پایه دگرگون شد و جای خود را به حقوق اسلامی داد و از حقوق گذشته آن، جز آنچه از سوی ایرانیان وفادار به آیین زرتشتی حفظ شد، آن هم در حدودی که دولت اسلامی اجازه می داد، اثری برجا نماند. افزون بر زرتشتیان؛ پیروان دیگر آیین ها هم که از گذشته ها در این سرزمین سکونت داشتند و از اتباع ایران به شمار می آمدند و از پذیرفتن اسلام سرباز زده بودند، در این دوران دیگر نمی توانستند جزء اعضای جامعه یا امت اسلامی تلقی شوند، به این جهت همگی این گروهها در حاکمیت جدید از کفار و نسبت به جامعه اسلامی بیگانه تلقی می شدند و بهره مند ماندن آنها از حقوق بستگی به آن داشته که اولاً از پیروان مذهب شناخته شده محسوب شوند ثانیاً با این حاکمیت پیمانی به نام عقد ذمه یا عقد جزیه منعقد سازند. در این پیمان حقوق و تکالیف آنها کم و بیش معین می گردیده است. منعقد سازندگان این پیمان ها را ذمی می نامیده اند و آنهایی که از ایفای این تکلیف دوری می جستند از کفار حربی تلقی می گردیده اند و نمی توانسته اند مدعی هیچ گونه حقی باشند و از لحاظ جان و مال نیز حقی برای آنها شناخته نمی شده است.

گذشته از زمین که سکونت آنها در سرزمین اسلامی صورت دائم داشته است بیگانگانی هم که برای اقامت موقت یا عبور به این سرزمین می آمده اند و به آنها به گونه ای امان داده می شده است، از حداقل حقوق زمین بهره مند می گشته اند، این گونه بیگانگان را، در اصطلاح، مستأمن می گفته اند. درباره بیگانگانی هم که میان دولت متبوع آنها و دولت اسلامی پیمان صلح موقت یا متارکه جنگ موسوم به مهاده منعقد می شده لفظ معاهده به کار می رفته است.



عقد ذمه که به اعتبار تعهدهای منعکس در آن به عقد ذمه و به لحاظ شرط جزیه در آن به عقد جزیه مشهور گشته، منحصر به زرتشتیان، یهودیان و مسیحیان ساکن در سرزمین ایران یعنی پیروان ادیانی که آنها را اسلام یا اهل کتاب و یا در حکم اهل کتاب می شناسد بوده است و می توانسته شامل یک نفر یا گروهی از اهالی یک محل یا همگی ساکنان یک شهر و به صورت مکتوب یا غیر مکتوب، واقعی و یا فرضی باشد.

جزیه بر دو گونه بوده: سرانه و ارضی و در حالت اخیر بر آن خراج اطلاق می شده است. این دو نوع تعهد پرداخت از سوی ذمی را باید استمرار دو نوع مالیاتی دانست که در زمان ساسانیان در ایران مرسوم بوده و به طبقات زیرین جامعه تعلق می گرفته و در این دوران تغییر شکل یافته و شامل کسانی می شده است که به جای پذیرفتن دین رسمی کشور پرداخت آنها را بر عهده می گرفته اند.

از حیث احوال شخصیه و اهلیت و حقوق ارثیه، همان گونه که در اسلوب قانونگذاری کنونی ایران درباره اقلیتها عمل می شود، اهل ذمه تابع احکام مذهبی خود بودند.

قاضی اسلامی صلاحیت رسیدگی نسبت به دعاوی له یا علیه ذمیان را داشته و در اختلاف میان دو هم کیش می توانسته یا خود به اختلاف آنها رسیدگی و حکم آن را بنا بر احکام شریعت خود آنها با جرح و تعدیل که خود در آن احکام می داده است، تعیین یا از رسیدگی امتناع و آن را به قاضی شریعت خود آنها احاله کند.

بیگانگان یا کفار بیرون از سرزمین اسلامی که گذار آنها به قلمرو اسلامی می افتاده است در چند حالت از حداقل حقوق، مانند ذمیان، برخوردار می شده اند. این حالتها را می توان بر سه گونه دانست: هنگامی که دولت اسلامی با دولت متبوع آنها پیمان صلح موقت منعقد می ساخته است، هنگامی که خود آنها از دولت اسلامی امان می یافته اند، هنگامی که بیگانه به گمان برخوردار بودن از امان به سرزمین اسلامی می آمده است.

امان آن بوده که دولت اسلامی یا یکی از مسلمانان با هر لفظ یا اشاره بیگانه را مطمئن می ساخته که جان و مال او در سرزمین اسلامی در سلامت و در امان است.

شبهه امان نیز هنگامی بوده که بیگانه بر اثر مسموعات خود، یا بر اثر دوستی با مسلمانان، این پندار را می یافته که جان و مال او در سرزمین اسلامی محفوظ می باشد و با این گمان راهی آنجا می شده است. در این حالت نیز دولت اسلامی خود را موظف به حمایت از جان و مال او تا بازگشت وی یا بازگرداندن وی به مأمن خود می دانسته است.

با تسخیر سرزمین ایران و دیگر بلاد خلافت اسلامی از سوی چنگیز و فرزندان او، در اراضی تسخیر شده آنان حاکمیتی جدید مستولی شد و اگر اعتبار احکام و قواعد اسلام در اداره روابط درونی جامعه مسلمانان ایران همچنان محفوظ ماند، اداره روابط راجع به جامعه های مختلف و به طور کلی اداره امور عمومی آنان تابع احکام و قواعد این حاکمیت، که به یاسا معروف اند، گردید؛ حتی پس از آنکه جانشینان چنگیز در ایران به اسلام درآمدند قوانین آنها پابرجا ماندند، چنانکه برای رسیدگی به دعاوی مختلط، یعنی دعاوی که در یک سوی آنها یکی از مغولان و در سوی دیگر آنها یکی از مسلمانان قرار می گرفت، به دستور غازان، دیوان مظالم تشکیل می گشت و اعضای آن از برجستگان دو جامعه مغول و مسلمان برگزیده می شدند.

از مشخصات این دوران، در روابط با بیگانگان آن است که با ایجاد حکومت مرکزی قوی و با ثبات در منطقه، رفت و آمد بازرگانان از شهرهای خودمختار ساحلی ایتالیا به سرزمین ایران و از آن به هند آغاز می گردد؛ و شهر تبریز به عنوان بزرگترین مرکز معاملات تجاری میان شرق و غرب اشتهار می یابد و تعریف بیگانه نیز، از نظر حاکمیت، با آنچه این لفظ در دوره حکومتهای اسلامی می توانسته معنی داشته باشد متفاوت می گردد و تنها شامل کسانی می شود که از خارج از قلمرو امپراتوری مغول به طور روزافزون برای تجارت یا سیاحت یا مأموریت به ایران می آمده اند و دولت نیز، که خود برای توسعه تجارت مشوق این گونه رفت و آمدها بوده برای آنها به طور عموم حقوقی می شناخته است.

در عصر صفویه با آنکه حکومت عثمانی، با قرار گرفتن میان ایران و اروپا به عنوان رقیب مقتدر دولت ایران، جریان آزاد روابط اقتصادی و تجاری میان ایران و کشورهای اروپایی را مختل می ساخت، دولت ایران که پایه های خود را بر ترویج تشیع نهاده بود، به لحاظ اقتدار و ثبات خود توانست موقعیت این سرزمین را به عنوان شاهراه ارتباط شرق و غرب همچنان حفظ کند. در این دوران روابط بیگانگان در ایران، مانند اعصار گذشته، تابع احکام و موازین حقوق اسلامی بود و پذیرفتن شرایط کاپیتولاسیون، به تقلید از عثمانی ها در معاهده ای به نفع فرانسوی ها با به اجرا در نیامدن آن تغییری در جریان عادی حقوق رخ نداد.

در این عصر نیز سیاحت دولت بر گسترش روابط بین المللی و تشویق تجارت استوار بوده و به خصوص از آمدن بازرگانان اروپایی استقبال می شده است، چنانکه برادران شرلی که در سال ۱۶۰۰ میلادی از سوی انگلستان برای ایجاد روابط سیاسی و تجاری به ایران می آیند موفق می گردند موافقت دولت ایران را از حیث آمد و رفت آزادانه و توقف و اشتغال به تجارت برای اتباع انگلستان در سرزمین ایران و مصون شناخته شدن جان و مال و مذهب آنان در این سرزمین به دست آورند و یا دولت فرانسه می تواند موافقت آن دولت را با معافیت گمرکی بازرگانان فرانسوی کسب نماید. از این مثالها این نکته به خوبی مستفاد می گردد که در این دوران نیز به اقتضای تشویق تجارت، با صدور فرمانهایی از سوی دولت و یا عقد معاهده هایی برای بیگانگان حقوقی شناخته می شده است.

با گسترش روابط بازرگانی میان اروپا و ایران، در قرن هفدهم میلادی و افزایش شمار بازرگانان و اتباع کشورهای آن قاره در این سرزمین و با وجود بهره مند بودن آنها از حقوق در ایران و رعایت حقوق آنها از سوی دولت ایران چون آن کشورها میان نظام قضایی و حقوقی خود با نظام قضایی و حقوقی ایران تفاوتهایی آشکار می دیدند، با استفاده از تجاربی که از پذیرش اسلوب کاپیتولاسیون از سوی دولت عثمانی به دست آورده بودند از آغاز قرن هجدهم میلادی درصدد برآمدند ایران را نیز به پذیرش این اسلوب تشویق نمایند. فرانسه در این راه پیشگام گردید چنانکه در سال ۱۷۰۸ م در این باره معاهده ای میان آن دولت و دولت صفویه انعقاد یافت. این معاهده در سالهای ۱۷۱۵ و ۱۷۲۲ م مورد تجدیدنظر و اصلاح واقع گردید. این معاهده و معاهده دیگر در این زمینه با روسیه تزاری منعقد در تاریخ ۱۷۳۲ م، هیچ گاه به اجرا در نیامدند، با این وصف آنها را می توان مقدمه ای بر پذیرش اسلوب کاپیتولاسیون در تاریخ ۲۱ بهمن ماه ۱۲۰۶ ه. ش (۱۰ فوریه ۱۸۲۸ م)، بر اثر انعقاد پروتکل پیوست عهدنامه ترکمان چای، به نام «عهدنامه بازرگانی میان ایران و روسیه» از سوی دولت ایران دانست. این معاهده به موقع اجرا گذارده شد و بر اثر آن ایران در شمار کشورهای پیرو اسلوب کاپیتولاسیون درآمد و کشورهای علاقه مند دیگر نیز یا از راه پیش بینی شرط کاپیتولاسیون یا پیش بینی شرط دول کامله الوداد، در عهدنامه های خود با دولت ایران توانستند مزایای آن را برای اتباع خود به دست آورند.

در اسلوب قضایی کاپیتولاسیون قانونگذاری داخلی به سود قانونگذاری کشور بیگانه، درباره اتباع آن کشور، تعطیل می گردد و رسیدگی به دعاوی و جرائم آنان بدون آنکه برای قاضی داخلی حق انتخاب باشد، در صلاحیت کنسول کشور متبوع آنها قرار می گیرد، حتی اجرای احکام کیفری به عهده دولت خارجی واگذار می شود.

دوران کاپیتولاسیون در ایران برزخ میان حقوق گذشته این سرزمین و حقوق کنونی آن درباره بیگانگان می باشد. حقوق ناشی از این اسلوب افزون بر مغایرت کامل با حقوق گذشته ایران و تأثیر آن در پدید آمدن آثار منفی در جریان عادی آن حقوق از بسیاری جهات با حقوق بعدی ایران هم که در آن برای اتباع بیگانه، به طور عموم حقوق معین به رسمیت شناخته شده مابینت داشته است. حقوق ناشی از کاپیتولاسیون برای بیگانگان در ایران براساس مندرجات «عهدنامه بازرگانی میان ایران و روسیه» به اختصار به ترتیب زیر بوده است:

❖ در زمینه حقوق فردی - آزادی اتباع روس در آمد و رفت به سرزمین ایران، به شرط همراه داشتن گذرنامه و پرداختن به بازرگانی در هر نقطه ایران و عبور از ایران (ماده ۱) خرید ملک برای سکونت یا احداث مغازه یا انبار برای گذاردن مال التجاره؛ ممنوع بودن ورود مأموران دولت ایران به عنف به این گونه اماکن بدون اجازه مأموران سفارت یا کنسول گری و بدون حضور مترجم (دورگمن) تعیین شده از سوی سفارت یا کنسول گری (ماده ۵)؛ تحویل همگی ماترک اتباع روس متوفی در ایران به بستگان یا شرکای آنها و در صورت نبودن آنها به سفارت یا کنسول گری (ماده ۱).

\* در دعاوی مدنی - در این باره سه حالت پیش بینی شده بود: حالتی که طرفین دعوی را اتباع روس تشکیل می دادند، حالتی که یک طرف از اتباع روس و طرف دیگر از اتباع کشور خارجی دیگر بود و حالتی که یک طرف از اتباع روس و طرف دیگر از اتباع ایران بود.

در حالت اول: رسیدگی و صدور حکم در صلاحیت اعضای سفارت یا کنسول گری دولت روسیه قرار می گرفت و قانون حاکم بر اختلاف را قوانین و رسوم آن دولت تشکیل می دادند. در حالت دوم: هرگاه توافق طرفین حاصل می شد ترتیب صلاحیت ها به صورت پیشین بود و در حالت سوم: با آنکه به صلاحیت دادگاههای ایران گردن نهاده شده بود، رسیدگی و صدور حکم در این دادگاهها بستگی به حضور مترجم (دورگمن) معرفی شده از سوی سفارت یا کنسول گری داشت و رسیدگی و صدور حکم یا درخواست تجدیدنظر باید با اطلاع سفارت یا کنسول گری و با حضور مترجم تنها در تهران یا در تبریز صورت می گرفت (ماده ۷).

\* در زمینه جرم و جنایت - در این باره نیز به اقتضای آنکه معنی علیه و بزهکار هر دو از اتباع روس تلقی می شدند یا تنها بزهکار دارای تابعیت آن دولت بود به دو ترتیب عمل می شد: در حالت نخستین رسیدگی و صدور حکم درباره بزه در صلاحیت انحصاری کاردار و کنسول قرار داشت و به طبع برای مراجع انتظامی و قضایی ایران حق مداخله نبود و قانون ایران نیز درباره آن اعمال نمی شد و در حالت دوم، تعقیب بزهکار و رسیدگی به بزه و دادن حکم در صلاحیت دادگاههای ایران بود ولی هر اقدام علیه او حتی در جرائم مشهود، بستگی به اطلاع سفارت یا کنسول گری و حضور مترجم (دورگمن) تعیین شده از سوی آن مراجع داشت و اگر محل وقوع بزه خارج از حوزه ای بود که سفارت یا کنسول گری در آنجا قرار داشت باید بزهکار به دادگاه آن حوزه گسیل می گشت پس از تعیین حکم نیز باید بزهکار به سفارت یا کنسول گری تحویل داده می شد تا وی را برای اجرای کیفر به روسیه اعزام دارند (ماده ۸).

اجرای اسلوب کاپیتولاسیون در ایران بیش از یک صد سال نپایید و با پیدایش شرایط جدید در ایران و در روابط بین المللی مقدمات الغای آن فراهم آمد. ابتدا دولت ایران در سال ۱۹۱۷ میلادی الغای آن را به طور یک جانبه اعلام داشت. بر این اعلام به لحاظ اعتراض دولتهای ذینفع اثری مترتب نگردید. در همان سال در روسیه تزاری انقلاب سوسیالیستی اکتبر رخ داد و بر اثر آن به جای دولت تحمیل کننده اسلوب کاپیتولاسیون بر ایران دولتی با آرمانهای اجتماعی جهانی تازه نشست. این دولت، نخست در مراسله ای مورخ ۲۵ ژوئن ۱۹۱۹ میلادی به سهم خود ابطال قضاوت کنسولها را در ایران اعلام داشت. پس از آن در ماده ۱۶ معاهده سال ۱۹۲۱ میلادی منعقد میان آن دولت و دولت ایران، با اشاره به ابطال قضاوت کنسولها در مراسله ای یادشده، تصریح گردید: «اتباع روسیه ساکن ایران و همچنین اتباع ایران ساکن روسیه از تاریخ امضای این معاهده دارای حقوق متساوی با سکنه محل بوده و تابع قوانین مملکت متوقف فیها خواهند بود و به تمام کارهای قضایی آنها در محاکم محلی رسیدگی خواهد شد». آن اعلام دولت ایران و آن مراسله و این معاهده آغاز راهی بود که به الغای کامل کاپیتولاسیون در ایران انجامید منتهی نه به آن زودی که انتظار می رفت. زیرا دولتهای ذینفع به بهانه آنکه قوانین ایران هنوز دگرگون نشده و تشکیلات قضایی آن سر و سامان نیافته است و حقوق اتباع آنها در ایران تأمین نیست در برابر الغای آن مقاومت می کردند، دولت ایران نیز با تجربه سال ۱۹۱۷ دریافته بود: بدون موافقت ضمنی آنها الغای یک جانبه کاپیتولاسیون به لحاظ مبانی قراردادی آن می تواند اعتراض آنها را دوباره برانگیزد. به این مناسبت پس از تصویب قوانین ضروری دیگر، علاوه بر قوانین اصول تشکیلات عدلیه (۱۲۹۰) و اصول محاکمات جزایی (۱۲۹۱)، مانند قانون تجارت (۱۳۰۳) و قانون جزای عمومی (۱۳۰۴) و ایجاد تشکیلات جدید دادگستری، وزارت امور خارجه در ۱۹ اردیبهشت ۱۳۰۶ (۱۰ مه ۱۹۲۷) با تعیین مهلت یک ساله الغای کاپیتولاسیون را به دولتهای ذی نفع اعلام داشت و روز پیش از سپری شدن آن مهلت در روز ۱۸ اردیبهشت ۱۳۰۷، نیز جلد اول قانون مدنی، که در مقدمه آن برخی قاعده های تعارض قوانین انعکاس یافته از تصویب مجلس گذشت.

قطعی شدن الغای آن به خصوص هنگامی آشکار شد که در همان سالهای اول و دوم خاتمه مهلت تعداد هشت معاهده دو جانبه میان دولت های ذینفع و دولت ایران انعقاد یافت که از آن میان معاهده های مورخ ۱۰ مه ۱۹۲۸ دولت ایران با دولتهای فرانسه و بلژیک قابل یادآوری است. سرانجام آنکه طی «قانون تعیین تکلیف دعاوی موجود بین اتباع خارجه در محاکمات و کارگزاری های وزارت امور خارجه» مصوب خرداد ۱۳۰۸ مراجع قضایی صالح، اعم از بدوی و استینافی، در ایران برای رسیدگی به این گونه دعاوی مشخص گردیدند.<sup>۱</sup>

\*\*\*

<sup>۱</sup> دکتر محمود سلجوقی، حقوق بین الملل خصوصی، جلد اول، نشر میزان

## فصل دوم

## منابع حقوق بین الملل خصوصی

حقوق بین الملل خصوصی از جمله حقوق موضوعه است و همان طوری که مقررات حقوق داخلی وضع و به مرحله اجرا می‌رسد، قواعد حقوق بین الملل خصوصی را هم قوه حاکمه هر دولتی، مستقلاً تعیین می‌کند و به موقع اجرا در می‌آورد اما چون اجرای این قواعد خواه ناخواه برخورد با سایر حاکمیت‌ها دارد، دولتها اغلب ناگزیرند که یا با توافق صریح و عقد قراردادهای سیاسی و یا با توافق ضمنی و ایجاد عرف بین المللی، مسائل مربوط به حقوق اتباع خود را تنظیم و تعیین کنند و بنابراین حقوق بین الملل خصوصی هم از منابع داخلی و هم از منابع بین المللی سرچشمه می‌گیرد.<sup>۱</sup>

\*\*\*

## گفتار اول - منابع داخلی حقوق بین الملل خصوصی

در نظام های حقوقی که پایه آنها بر حقوق نوشته استوار است، مانند نظام حقوقی ایران، به اقتضای آنکه عمده ترین منابع حقوق را قانون تشکیل می‌دهد، نقش اساسی در تنظیم راه حل های مسائل حقوق بین الملل خصوصی بر عهده خود قانونگذار می‌باشد. بنابراین در این نظام حقوقی منبع اصلی حقوق بین الملل خصوصی قانون است.

پس از آن رویه قضایی است که با بررسی آن معلوم می‌گردد قانون در دادگاهها چگونه تفسیر و بر مصادیق خود تطبیق داده می‌شود و کمبودهای آن در عمل جبران می‌گردد.

در کشورهای پیرو نظام حقوق عرفی این ترتیب معکوس است. در این کشورها انعکاس قاعده های حقوق بین الملل خصوصی، همانند قاعده های حقوق داخلی، بیشتر در آراء دادگاهها صورت می‌گیرد، از این رو تحویل این قاعده ها، در این نظام حقوقی جز برخی قاعده های بنیادی، مانند حاکم بودن قانون اقامتگاه بر احوال شخصیه، بیش از آن است که در نظام های مبتنی بر حقوق نوشته ممکن است رخ دهد. درباره رویه قضایی در کشورهای پیرو نظام حقوق نوشته باید خاطر نشان شود نقش آن و درجه گسترش و اهمیت آن در همه این کشورها به یک اندازه نمی‌باشد، چنانکه در فرانسه، که ما در نظام حقوق نوشته در دوران حاضر است، نقش آن در تکمیل یا ایجاد قاعده های تعارض قوانین و به طور کلی در حقوق بین الملل خصوصی، نسبت به آنچه در ایران دیده می‌شود، بسیار گسترده تر است.

افزون بر این دو منبع باید دیگر منابع حقوق داخلی، یعنی عرف و نظریه علمی حقوقی را نیز در شناخت حقوق بین الملل خصوصی هر کشور در نظر داشت.<sup>۲</sup>

بنابراین منابع داخلی حقوق بین الملل خصوصی عبارتند از قانون، رویه قضایی، عرف، عقاید علمای حقوق (دکترین).

## بند اول - قانون

یکی از مهمترین منابع حقوق بین الملل خصوصی در ایران قانون است. اما متأسفانه در بین قوانین ایران مجموعه قوانین واحدی را نمی‌توان یافت که مربوط به حقوق بین الملل خصوصی باشد بلکه باید برای یافتن مواد قانونی مربوط به این رشته از حقوق در بین مجموعه های قانونی مختلف جستجو کرد. برای مثال در بین قوانین ایران مواد مشخص شده زیر از قوانین مختلف مربوط به حقوق بین الملل خصوصی می‌باشند:

قانون مدنی: مواد ۹۶۱ تا ۹۹۱ - ۱۰۰۱ تا ۱۰۱۰ - ۱۰۵۹ تا ۱۰۶۱ - ۱۲۲۸ تا ۱۲۳۰ - ۱۲۹۵ و ۱۲۹۶.

<sup>۱</sup> دکتر محمد نصیری، حقوق بین الملل خصوصی، جلد اول و دوم، انتشارات آگاه

<sup>۲</sup> دکتر محمود سلجوقی، حقوق بین الملل خصوصی، جلد اول، نشر میزان

قانون آیین دادرسی مدنی: مواد ۱۱-۱۲-۱۳-۱۴-۱۵-۱۶-۱۷-۱۸ تا ۲۹۱-۲۹۳-۲۹۷-۳۹۷-۴۴۶-۴۵۶-۵۱۳  
 قانون امور حسبی: مواد ۴۹-۵۰-۱۱۴ تا ۱۲۷-۱۲۹-۱۳۳-۱۶۴-۳۳۸ تا ۳۵۹- مواد ۳ و ۴ آیین نامه راجع به مواد ۲۷۹ و ۲۸۸  
 قانون امور حسبی مصوب سال ۱۳۲۲.  
 قانون اجرای احکام مدنی: ۱۶۹ تا ۱۸۰ مصوب ۱۳۵۶.  
 قانون تجارت: مواد ۱۱۰- تبصره ماده ۲۰۱-۲۲۰-۲۸۷-۳۰۵-۳۰۶-۳۱۷-۳۲۴-۵۲۵-۵۹۰-۵۹۱- و ماده ۹۴ اصلاح قسمتی از قانون تجارت.  
 قانون اساسی جمهوری اسلامی: اصول ۲۲-۳۲-۳۳-۳۴-۴۱-۴۲-۷۷-۸۱-۸۲-۱۲۵-۱۵۳ و ۱۵۵.  
 قانون کار: مواد ۱۲۰ تا ۱۲۹  
 همچنین قوانین و آیین نامه های زیر برگزیده از قوانین و مقررات اختصاصی در زمینه حقوق بین المللی خصوصی می باشند:

آیین نامه استملاک اتباع خارجه مصوب ۱۳۲۸.  
 تصویب نامه راجع به استملاک اتباع خارجه مصوب مهر ماه ۱۳۴۲.  
 آیین نامه اجرایی راجع به استملاک اتباع خارجه در ایران مصوب مرداد ماه ۱۳۴۴  
 قانون راجع به استرداد مجرمین مصوب ۱۴ اردیبهشت ۱۳۳۹.  
 قانون گذرنامه مصوب ۱۰ اسفند ۱۳۵۱ با اصلاحات بعدی.  
 قانون راجع به ورود و اقامت اتباع خارجه در ایران مصوب ۱۳۱۰ با اصلاحات بعدی  
 آیین نامه اجرایی قانون ورود و خروج اتباع بیگانه مصوب ۱۲ خرداد ۱۳۵۲.  
 اخیراً کلیه مواد قانونی که ممکن است به نحوی به حقوق بین الملل خصوصی مربوط باشد و نیز کلیه قوانین جنبی مربوط به این رشته و اصلاحات و الحاقات بعدی در مجموعه ای به نام مجموعه قوانین و مقررات حقوق بین الملل خصوصی جمع آوری شد تا مطالعه این منبع مهم از منابع داخلی را به سادگی ممکن سازد.

#### ۱. قانون مدنی

**ماده ۵** کلیه سکنه ایران اعم از اتباع داخله و خارجه مطیع قوانین ایران خواهند بود مگر در مواردی که قانون استثناء کرده باشد.  
**ماده ۶** قوانین مربوط به احوال شخصیه از قبیل نکاح و طلاق و اهلیت اشخاص و ارث در مورد کلیه اتباع ایران ولو اینکه مقیم در خارج باشند مجری خواهد بود.

**ماده ۷** اتباع خارجه مقیم در خاک ایران از حیث مسائل مربوطه به احوال شخصیه و اهلیت خود و همچنین از حیث حقوق ارثیه در حدود معاهدات مطیع قوانین و مقررات دولت متبوع خود خواهند بود.

**ماده ۸** اموال غیرمنقول که اتباع خارجه در ایران بر طبق عهود تملک کرده یا می کنند از هر جهت تابع قوانین ایران خواهد بود.  
**ماده ۹** مقررات عهدی که بر طبق قانون اساسی بین دولت ایران و سایر دول منعقد شده باشد در حکم قانون است.

**ماده ۹۶۱** جز در موارد ذیل اتباع خارجه نیز از حقوق مدنی متمتع خواهند بود:

☼ در مورد حقوقی که قانون آن را صراحتاً منحصر به اتباع ایران نموده و یا آن را صراحتاً از اتباع خارجه سلب کرده است.

☼ در مورد حقوق مربوط به احوال شخصی که قانون دولت متبوع تبعه خارجه آن را قبول نکرده.

☼ در مورد حقوق مخصوصه که صرفاً از نقطه نظر جامعه ایرانی ایجاد شده باشد.

**ماده ۹۶۲** تشخیص اهلیت هر کس برای معامله کردن بر حسب قانون دولت متبوع او خواهد بود معذالک اگر یک نفر تبعه خارجه در ایران عمل حقوقی انجام دهد در صورتی که مطابق قانون دولت متبوع خود برای انجام آن عمل واجد اهلیت نبوده و یا اهلیت ناقصی داشته است آن شخص برای انجام آن عمل واحد اهلیت محسوب خواهد شد در صورتی که قطع نظر از تابعیت خارجی او مطابق قانون ایران نیز بتوان او را برای انجام آن عمل دارای اهلیت تشخیص داد.

حکم اخیر نسبت به اعمال حقوقی که مربوط به حقوق خانوادگی و یا حقوق ارثی بوده و یا مربوط به نقل و انتقال اموال غیر منقول واقع در خارج ایران می‌باشد شامل نخواهد بود.

**ماده ۹۶۳** اگر زوجین تبعه یک دولت نباشند روابط شخصی و مالی بین آنها تابع قوانین دولت متبوع شوهر خواهد بود.

**ماده ۹۶۴** روابط بین ابویین و اولاد تابع قانون دولت متبوع پدر است مگر اینکه نسبت طفل فقط به مادر مسلم باشد که در این صورت روابط بین طفل و مادر او تابع قانون دولت متبوع مادر خواهد بود.

**ماده ۹۶۵** ولایت قانونی و نصب قیم بر طبق قوانین دولت متبوع مولی علیه خواهد بود.

**ماده ۹۶۶** تصرف و مالکیت و سایر حقوق بر اشیاء منقول یا غیر منقول تابع قانون مملکتی خواهد بود که آن اشیاء در آنجا واقع می‌باشند معذالک حمل و نقل شدن شیء منقول از مملکتی به مملکت دیگر نمی‌تواند به حقوقی که ممکن است اشخاص مطابق قانون محل وقوع اولی شیء نسبت به آن تحصیل کرده باشند خللی وارد آورد.

**ماده ۹۶۷** ترکه منقول یا غیر منقول اتباع خارجه که در ایران واقع است فقط از حیث قوانین اصلیه از قبیل قوانین مربوطه به تعیین وراثت و مقدار سهم الارث آنها و تشخیص قسمتی که متوفی می‌توانسته است به موجب وصیت تملیک نماید تابع قانون دولت متبوع متوفی خواهد بود.

**ماده ۹۶۸** تعهدات ناشی از عقود تابع قانون محل وقوع عقد است مگر اینکه متعاقدین اتباع خارجه بوده و آن را صریحاً یا ضمناً تابع قانون دیگری قرار داده باشند.

**ماده ۹۶۹** اسناد از حیث طرز تنظیم تابع قانون محل تنظیم خود می‌باشند.

**ماده ۹۷۰** مأمورین سیاسی یا کنسولی دول خارجه در ایران وقتی می‌توانند به اجرای عقد نکاح مبادرت نمایند که طرفین عقد هر دو تبعه دولت متبوع آنها بوده و قوانین دولت مزبور نیز این اجازه را به آنها داده باشد - در هر حال نکاح باید در دفاتر سجل احوال ثبت شود.

**ماده ۹۷۱** دعاوی از حیث صلاحیت محاکم و قوانین راجعه به اصول محاکمات تابع قانون محلی خواهد بود که در آنجا اقامه می‌شود. مطرح بودن همان دعوی در محکمه اجنبی رافع صلاحیت محکمه ایرانی نخواهد بود.

**ماده ۹۷۲** احکام صادره از محاکم خارجه و همچنین اسناد رسمی لازم‌الاجرا تنظیم شده در خارجه را نمی‌توان در ایران اجراء نمود مگر اینکه مطابق قوانین ایران امر به اجرای آنها صادر شده باشد.

**ماده ۹۷۳** اگر قانون خارجه که باید مطابق ماده ۷ این قانون و یا بر طبق مواد فوق رعایت گردد به قانون دیگری احاله داده باشد محکمه مکلف به رعایت این احاله نیست مگر اینکه احاله به قانون ایران شده باشد.

**ماده ۹۷۴** مقررات ماده ۷ و مواد ۹۶۲ و ۹۷۴ این قانون تا حدی به موقع اجرا گذارده می‌شود که مخالف عهود بین‌المللی که دولت ایران آن را امضا کرده و یا مخالف با قوانین مخصوصه نباشد.

**ماده ۹۷۵** محکمه نمی‌تواند قوانین خارجی و یا قراردادهای خصوصی را که برخلاف اخلاق حسنه بوده و یا به واسطه جریحه‌دار کردن احساسات جامعه یا به علت دیگر مخالف با نظم عمومی محسوب می‌شود به موقع اجرا گذارد اگرچه اجراء قوانین مزبور اصولاً مجاز باشد.

**ماده ۹۷۶** اشخاص ذیل تبعه ایران محسوب می‌شوند:

♣ کلیه ساکنین ایران به استثنای اشخاصی که تبعیت خارجی آنها مسلم باشد. تبعیت خارجی کسانی مسلم است که مدارک تابعیت آنها مورد اعتراض دولت ایران نباشد.

♣ کسانی که پدر آنها ایرانی است اعم از اینکه در ایران یا در خارجه متولد شده باشند.

۱. مواد ۹۷۶ تا ۱۰۳۰ در جلسه ۱۳۱۳/۱۱/۲۷ تصویب شد.

- ♣ کسانی که در ایران متولد شده و پدر و مادر آنان غیر معلوم باشند .
  - ♣ کسانی که در ایران از پدر و مادر خارجی که یکی از آنها در ایران متولد شده به وجود آمده اند .
  - ♣ کسانی که در ایران از پدری که تبعه خارجه است به وجود آمده و بلافاصله پس از رسیدن به سن هجده سال تمام لااقل یک سال دیگر در ایران اقامت کرده باشند و الا قبول شدن آنها به تابعیت ایران بر طبق مقرراتی خواهد بود که مطابق قانون برای تحصیل تابعیت ایران مقرر است .
  - ♣ هر زن تبعه خارجی که شوهر ایرانی اختیار کند .
  - ♣ هر تبعه خارجی که تابعیت ایران را تحصیل کرده باشد .
- تبصره- اطفال متولد از نمایندگان سیاسی و کنسولی خارجه مشمول فقره ۴ و ۵ نخواهند بود .**

**ماده ۹۷۷ الف-** هر گاه اشخاص مذکور در بند ۴ ماده ۹۷۶ پس از رسیدن به سن ۱۸ سال تمام بخواهند تابعیت پدر خود را قبول کنند باید ظرف یک سال درخواست کتبی به ضمیمه تصدیق دولت متبوع پدرشان دایر به اینکه آنها را تبعه خود خواهد شناخت به وزارت امور خارجه تسلیم نمایند .

**ب-** هر گاه اشخاص مذکور در بند ۵ ماده ۹۷۶ پس از رسیدن به سن ۱۸ سال تمام بخواهند به تابعیت پدر خود باقی بمانند باید ظرف یک سال درخواست کتبی به ضمیمه تصدیق دولت متبوع پدرشان دایر به اینکه آنها را تبعه خود خواهد شناخت به وزارت امور خارجه تسلیم نمایند .

**ماده ۹۷۸** نسبت به اطفالی که در ایران از اتباع دولی متولد شده‌اند که در مملکت متبوع آنها اطفال متولد از اتباع ایرانی را به موجب مقررات تبعه خود محسوب داشته و رجوع آنها را به تبعیت ایران منوط به اجازه می کنند معامله متقابل خواهد شد .

**ماده ۹۷۹** اشخاصی که دارای شرایط ذیل باشند می توانند تابعیت ایران را تحصیل کنند.

- ◀ به سن هجده سال تمام رسیده باشند .
- ◀ پنج سال اعم از متوالی یا متناوب در ایران ساکن بوده باشند .
- ◀ فراری از خدمت نظامی نباشند .
- ◀ در هیچ مملکتی به جنحه مهم یا جنایت غیرسیاسی محکوم نشده باشند .

در مورد فقره دوم این ماده مدت اقامت در خارجه برای خدمت ایران در حکم اقامت در خاک ایران است .

**ماده ۹۸۰** کسانی که به امور عام المنفعه ایران خدمت یا مساعدت شایانی کرده باشند و همچنین اشخاصی که دارای عیال ایرانی هستند و از او اولاد دارند و یا دارای مقامات عالی علمی و متخصص در امور عام المنفعه می باشند و تقاضای ورود به تابعیت دولت جمهوری اسلامی ایران را می نمایند در صورتی که دولت ورود آنها را به تابعیت دولت جمهوری اسلامی ایران صلاح بداند بدون رعایت شرط اقامت ممکن است با تصویب هیأت وزیران به تابعیت ایران قبول شوند<sup>۱</sup> .

**ماده ۹۸۱** حذف شده است<sup>۲</sup> .

**ماده ۹۸۲** اشخاصی که تحصیل تابعیت ایرانی نموده یا بنمایند از کلیه حقوقی که برای ایرانیان مقرر است بهره مند می شوند لیکن نمی توانند به مقامات ذیل نائل گردند :

- ✦ ریاست جمهوری اسلامی و معاونین او .
- ✦ عضویت در شورای نگهبان و ریاست قوه قضاییه
- ✦ وزارت و کفالت وزارت و استانداری و فرمانداری
- ✦ عضویت در مجلس شورای اسلامی
- ✦ عضویت شوراهای استان و شهرستان و شهر
- ✦ استخدام در وزارت امور خارجه و نیز احراز هر گونه پست و یا مأموریت سیاسی

<sup>۱</sup> . اصلاحی مصوب ۷۰/۸/۱۴

<sup>۲</sup> . به موجب قانون مصوب ۷۰/۸/۱۴ حذف گردید

✦ قضاوت<sup>۱</sup>.

✦ عالی ترین رده فرماندهی در ارتش و سپاه و نیروی انتظامی.

✦ تصدی پست های مهم اطلاعاتی و امنیتی<sup>۲</sup>.

**ماده ۹۸۳** در خواست تابعیت باید مستقیماً یا به توسط حکام یا ولات به وزارت امور خارجه تسلیم شده و دارای منضمات ذیل باشد:

✦ سواد مصدق اسناد هویت تقاضا کننده و عیال و اولاد او.

✦ تصدیق نامه نظمیه دائر به تعیین مدت اقامت تقاضا کننده در ایران و نداشتن سوء سابقه و داشتن مکنت کافی یا شغل معین برای تأمین معاش.

وزارت امور خارجه در صورت لزوم اطلاعات راجعه به شخص تقاضا کننده را تکمیل و آن را به هیأت وزراء ارسال خواهد نمود تا هیأت مزبور در قبول یا رد آن تصمیم مقتضی اتخاذ کند در صورت قبول شدن تقاضا سند تابعیت به درخواست کننده تسلیم خواهد شد.

**ماده ۹۸۴** زن و اولاد صغیر کسانی که بر طبق این قانون تحصیل تابعیت ایران می نمایند تبعه دولت ایران شناخته می شوند اما زن در ظرف یک سال از تاریخ صدور سند تابعیت شوهر و اولاد صغیر در ظرف یک سال از تاریخ رسیدن به سن هیجده سال تمام می توانند اظهاریه کتبی به وزارت امور خارجه داده و تابعیت مملکت سابق شوهر و یا پدر را قبول کنند لیکن به اظهاریه اولاد اعم از ذکور و اناث باید تصدیق مذکور در ماده ۹۷۷ ضمیمه شود.

**ماده ۹۸۵** تحصیل تابعیت ایرانی پدر به هیچوجه درباره اولاد او که در تاریخ تقاضانامه به سن هیجده سال تمام رسیده اند مؤثر نمی باشد.

**ماده ۹۸۶** زن غیر ایرانی که در نتیجه ازدواج ایرانی می شود می تواند بعد از طلاق یا فوت شوهر ایرانی به تابعیت اول خود رجوع نماید مشروط بر اینکه وزارت امور خارجه را کتباً مطلع کند اما هر زن شوهر مرده که از شوهر سابق خود اولاد دارد نمی تواند مادام که اولاد او به سن هیجده سال تمام نرسیده از این حق استفاده کند و در هر حال زنی که مطابق این ماده تبعه خارجه می شود حق داشتن اموال غیر منقوله نخواهد داشت مگر در حدودی که این حق به اتباع خارجه داده شده باشد و هر گاه دارای اموال غیر منقول بیش از آنچه که برای اتباع خارجه داشتن آن جایز است بوده یا بعداً به ارث اموال غیر منقولی بیش از آن حد به او برسد باید در ظرف یک سال از تاریخ خروج از تابعیت ایران یا دارا شدن ملک در مورد ارث مقدار مازاد را به نحوی از انحاء به اتباع ایران منتقل کند والا اموال مزبور با نظارت مدعی العموم محل به فروش رسیده و پس از وضع مخارج فروش قیمت به آنها داده خواهد شد.

**ماده ۹۸۷** زن ایرانی که با تبعه خارجه مزاجت می نماید به تابعیت ایرانی خود باقی خواهد ماند مگر اینکه مطابق قانون مملکت زوج، تابعیت شوهر به واسطه وقوع عقد ازدواج به زوجه تحمیل شود اما در هر صورت بعد از وفات شوهر و یا تفریق به صرف

<sup>۱</sup> . قانون استفسار به ماده ۹۸۲ قانون مدنی مصوب ۷۲/۷/۲۷ مجلس شورای اسلامی

#### موضوع استفسار:

با توجه به اینکه در ماده ۹۸۲ قانون مدنی اخیر التصویب مجلس شورای اسلامی اعلام شده است کسانی که تابعیت ایرانی کسب نموده اند یا می نمایند نمی توانند به قضاوت اشتغال داشته باشند، آیا ماده فوق الذکر شامل کسانی که قبلاً به استخدام قضاء در آمده اند و دارای حقوق مکتسبه می باشند، می شود؟ یا اینکه از استخدام آنان در آینده جلوگیری به عمل می آورد؟

#### نظر مجلس:

ماده واحده - با توجه به عبارت صدر ماده ۹۸۲ قانون مدنی افرادی که پس از تصویب قانون، تحصیل تابعیت ایرانی می نمایند نمی توانند به مقام قضاوت نائل گردند ولی این محدودیت شامل افرادی که قبل از تصویب قانون تحصیل تابعیت نموده و به امر قضاوت اشتغال داشته اند نمی گردد.

<sup>۲</sup> . در مرحله اول به موجب قانون مصوب ۶۱/۸/۸ به شرح اصلاح گردید:

«اشخاصی که تحصیل تابعیت ایرانی نموده یا بنمایند از کلیه حقوقی که برای ایرانیان مقرر است به استثنای حق رسیدن به مقام ریاست جمهوری و وزارت و کفالت وزارت و یا هر گونه مأموریت سیاسی خارجه بهره مند می شوند لیکن نمی توانند به مقامات ذیل نائل گردند مگر پس از دهسال از تاریخ صدور تابعیت: ۱- عضویت در مجلس شورای اسلامی ۲- عضویت شوراها استان و شهرستان و شهر ۳- استخدام وزارت امور خارجه».

بعد به موجب قانون اصلاح موادی از قانون مصوب ۷۰/۸/۱۴ به شرح قانون اصلاح شد.



تقدیم درخواست به وزارت امور خارجه به انضمام ورقه تصدیق فوت شوهر و یا سند تفریق تابعیت اصلیه زن با جمیع حقوق و امتیازات راجعه به آن مجدداً به او تعلق خواهد گرفت<sup>۱</sup>.

**تبصره ۱-** هرگاه قانون تابعیت مملکت زوج زن را بین حفظ تابعیت اصلی و تابعیت زوج مخیر بگذارد در این مورد زن ایرانی که بخواهد تابعیت مملکت زوج را دارا شود و علل موجهی هم برای تقاضای خود در دست داشته باشد به شرط تقدیم تقاضانامه کتبی به وزارت امور خارجه ممکن است با تقاضای او موافقت گردد<sup>۲</sup>.

**تبصره ۲-** زن‌های ایرانی که بر اثر ازدواج تابعیت خارجی را تحصیل می‌کنند حق داشتن اموال غیرمنقول را در صورتی که موجب سلطه اقتصادی خارجی گردد ندارد. تشخیص این امر با کمیسیون متشکل از نمایندگان وزارتخانه‌های امور خارجه و کشور و اطلاعات است.

مقررات ماده ۹۸۸ و تبصره آن در قسمت خروج ایرانیانی که تابعیت خود را ترک نموده‌اند شامل زنان مزبور نخواهد بود<sup>۳</sup>.

**ماده ۹۸۸** اتباع ایران نمی‌توانند تبعیت خود را ترک کنند مگر به شرایط ذیل:

\* به سن ۲۵ سال تمام رسیده باشند.

\* هیأت وزراء خروج از تابعیت آنان را اجازه دهد.

\* قبلاً تعهد نمایند که در ظرف یک سال از تاریخ ترک تابعیت حقوق خود را بر اموال غیرمنقول که در ایران دارا می‌باشند و یا ممکن است بالورائه دارا شوند ولو قوانین ایران اجازه تملک آن را به اتباع خارجه بدهد به نحوی از انحاء به اتباع ایرانی منتقل کنند و زوج و اطفال کسی که بر طبق این ماده ترک تابعیت می‌نمایند اعم از اینکه اطفال مزبور صغیر یا کبیر باشند از تبعیت ایرانی خارج نمی‌گردند مگر اینکه اجازه هیأت وزراء شامل آنها هم باشد.

\* خدمت تحت‌السلطه خود را انجام داده باشند.

**تبصره الف-** کسانی که بر طبق این ماده مبادرت به تقاضای ترک تابعیت ایران و قبول تابعیت خارجی می‌نمایند علاوه بر اجرای مقرراتی که ضمن بند (۳) از این ماده درباره آنان مقرر است باید ظرف مدت سه ماه از تاریخ صدور سند ترک تابعیت از ایران خارج شوند چنانچه ظرف مدت مزبور خارج نشوند مقامات صالحه امر به اخراج آنها و فروش اموالشان صادر خواهند نمود و تمدید مهلت مقرر فوق حداکثر تا یک سال موقوف به موافقت وزارت امور خارجه می‌باشد<sup>۴</sup>.

**تبصره ب-** هیأت وزیران می‌تواند ضمن تصویب ترک تابعیت زن ایرانی بی‌شوهر ترک تابعیت فرزندان او را نیز که فاقد پدر و چند پدری هستند و کمتر از ۱۸ سال تمام دارند و یا به جهات دیگری محجورند اجازه دهد فرزندان زن مذکور نیز که به سن ۲۵ سال تمام نرسیده باشند می‌توانند به تبعیت از درخواست مادر، تقاضای ترک تابعیت نمایند<sup>۵</sup>.

**ماده ۹۸۹** هر تبعه ایرانی که بدون رعایت مقررات قانونی بعد از تاریخ ۱۲۸۰ شمسی تابعیت خارجی تحصیل کرده باشد تبعیت خارجی او کان لم یکن بوده و تبعه ایران شناخته می‌شود اما در عین حال کلیه اموال غیرمنقول او با نظارت مدعی‌العموم محل به فروش رسیده و پس از وضع مخارج فروش قیمت آن به او داده خواهد شد و به علاوه از اشتغال به وزارت و معاونت وزارت و عضویت مجالس مقننه و انجمن‌های ایالتی و ولایتی و بلدی و هرگونه مشاغل دولتی محروم خواهد بود.

**تبصره-** هیأت وزیران می‌تواند بنا به مصالحی به پیشنهاد وزارت امور خارجه تابعیت خارجی مشمولین این ماده را به رسمیت بشناسد.

به این گونه اشخاص با موافقت وزارت امور خارجه اجازه ورود به ایران یا اقامت می‌توان داد<sup>۶</sup>.

۱. اصلاحی مصوب ۷۰/۸/۱۴.

۲. الحاقی به موجب قانون مصوب ۱۳۶۱/۱۰/۸ و مصوب ۷۰/۸/۱۴.

۳. الحاقی به موجب قانون مصوب ۱۳۶۱/۱۰/۸ و مصوب ۷۰/۸/۱۴.

۴. اصلاحی مصوب ۱۳۴۸/۱۱/۲۷.

۵. الحاقی مصوب ۱۳۴۸/۱۱/۲۷.

۶. الحاقی مصوب ۱۳۳۷/۱۱/۱۱.

- ماده ۹۹۰** از اتباع ایران کسی که خود یا پدرشان موافق مقررات تبدیل تابعیت کرده باشند و بخواهند به تبعیت اصلیه خود رجوع نمایند به مجرد درخواست به تابعیت ایران قبول خواهند شد مگر آنکه دولت تابعیت آنها را صلاح نداند .
- ماده ۹۹۱** تکالیف مربوط به اجرای قانون تابعیت و اخذ مخارج دفتری در مورد کسانی که تقاضای تابعیت یا ترک تابعیت دولت جمهوری اسلامی ایران و تقاضای بقاء بر تابعیت اصلی را دارند به موجب آیین نامه‌ای که به تصویب هیأت وزیران خواهد رسید معین خواهد شد<sup>۱</sup> .
- ماده ۱۰۰۱** مأمورین کنسولی ایران در خارجه باید نسبت به ایرانیان مقیم حوزه مأموریت خود وظایفی را که به موجب قوانین و نظامات جاریه به عهده دوایر سجل احوال مقرر است انجام دهند .
- ماده ۱۰۰۲** اقامتگاه هر شخصی عبارت از محلی است که شخص در آنجا سکونت داشته و مرکز مهم امور او نیز در آنجا باشد اگر محل سکونت شخصی غیر از مرکز مهم امور او باشد مرکز او اقامتگاه محسوب است .
- اقامتگاه اشخاص حقوقی مرکز عملیات آنها خواهد بود .
- ماده ۱۰۰۳** هیچ کس نمی تواند بیش از یک اقامتگاه داشته باشد .
- ماده ۱۰۰۴** تغییر اقامتگاه به وسیله سکونت حقیقی در محل دیگر به عمل می آید مشروط بر اینکه مرکز مهم امور او نیز به همان محل انتقال یافته باشد .
- ماده ۱۰۰۵** اقامتگاه زن شوهردار همان اقامتگاه شوهر است معذک زنی که شوهر او اقامتگاه معلومی ندارد و همچنین زنی که با رضایت شوهر خود و یا با اجازه محکمه مسکن علیحده اختیار کرده می تواند اقامتگاه شخصی علیحده نیز داشته باشد .
- ماده ۱۰۰۶** اقامتگاه صغیر و محجور همان اقامتگاه ولی یا قیم آنهاست .
- ماده ۱۰۰۷** اقامتگاه مأمورین دولتی ، محلی است که در آنجا مأموریت ثابت دارند .
- ماده ۱۰۰۸** اقامتگاه افراد نظامی که در ساخلو هستند محل ساخلو آنهاست .
- ماده ۱۰۰۹** اگر اشخاص کبیر که معمولاً نزد دیگری کار یا خدمت می کنند در منزل کارفرما یا مخدوم خود سکونت داشته باشند اقامتگاه آنها همان اقامتگاه کارفرما یا مخدوم آنها خواهد بود .
- ماده ۱۰۱۰** اگر ضمن معامله یا قراردادی طرفین معامله یا یکی از آنها برای اجرای تعهدات حاصله از آن معامله محلی غیر از اقامتگاه حقیقی خود انتخاب کرده باشد نسبت به دعاوی راجع به آن معامله همان محلی که انتخاب شده است اقامتگاه او محسوب خواهد شد و همچنین است در صورتی که برای ابلاغ اوراق دعوی و احضار و اخطار محلی را غیر از اقامتگاه حقیقی خود معین کند .
- ماده ۱۰۵۹** نکاح مسلمه با غیر مسلم جایز نیست .
- ماده ۱۰۶۰** ازدواج زن ایرانی با تبعه خارجه در مواردی هم که مانع قانونی ندارد موقوف به اجازه مخصوص از طرف دولت است .
- ماده ۱۰۶۱** دولت می تواند ازدواج بعضی از مستخدمین و مأمورین رسمی و محصلین دولتی را با زنی که تبعه خارجه باشد موقوف به اجازه مخصوص نماید .
- ماده ۱۲۲۸** در خارج ایران کنسول ایران و یا جانشین وی می تواند نسبت به ایرانیانی که باید مطابق ماده ۱۲۱۸ برای آنها قیم نصب شود و در حوزه مأموریت او ساکن یا مقیم اند موقتاً نصب قیم کند و باید تا ۱۰ روز پس از نصب قیم مدارک عمل خود را به وسیله وزارت امور خارجه به وزارت دادگستری بفرستد. نصب قیم مزبور وقتی قطعی می گردد که دادگاه مدنی خاص تهران تصمیم کنسول یا جانشین او را تنفیذ کند<sup>۲</sup> .

۱. اصلاحی مصوب ۷۰/۸/۱۴ .

۲. اصلاحی مصوب ۷۰/۸/۱۴ .

**ماده ۱۲۲۹** وظایف و اختیاراتی که به موجب قوانین و نظامات مربوطه در مورد دخالت مدعیان عمومی در امور صغار و مجانین و اشخاص غیررشید مقرر است در خارج ایران به عهده مأمورین کنسولی خواهد بود.

**ماده ۱۲۳۰** اگر در عهد و قراردادهای منعقدہ بین دولت ایران و دولتی که مأمور کنسولی مأموریت خود را در مملکت آن دولت اجرا می کند ترتیبی برخلاف مقررات دو ماده فوق اتخاذ شده باشد مأمورین مذکور مفاد آن دو ماده را تا حدی که با مقررات عهدنامه یا قرارداد مخالف نباشد اجرا خواهند کرد.

**ماده ۱۲۹۵** محاکم ایران به اسناد تنظیم شده در کشورهای خارجه همان اعتباری را خواهند داد که آن اسناد مطابق قوانین کشوری که در آنجا تنظیم شده دارا می باشد مشروط بر اینکه:

اولاً- اسناد مزبوره به علتی از علل قانونی از اعتبار نیفتاده باشد.

ثانیاً- مفاد آنها مخالف با قوانین مربوطه به نظم عمومی یا اخلاق حسنه ایران نباشد.

ثالثاً- کشوری که اسناد در آنجا تنظیم شده به موجب قوانین خود یا عهد اسناد تنظیم شده در ایران را معتبر بشناسد.

رابعاً- نماینده سیاسی یا کنسولی ایران در کشوری که سند در آنجا تنظیم شده یا نماینده سیاسی و کنسولی کشور مزبور در ایران تصدیق کرده باشد که سند موافق قوانین محل تنظیم یافته است.

**ماده ۱۲۹۶** هرگاه موافقت اسناد مزبور در ماده قبل با قوانین محل تنظیم خود به توسط نماینده سیاسی یا کنسولی خارجه در ایران تصدیق شده باشد قبول شدن سند در محاکم ایران متوقف بر این است که وزارت امور خارجه و یا در خارج تهران حکام ایالات و ولایات امضاء نماینده خارجه را تصدیق کرده باشند.

## ۲. آیین دادرسی مدنی

**ماده ۱۱** دعوا باید در دادگاهی اقامه شود که خوانده، در حوزه قضایی آن اقامتگاه دارد و اگر خوانده در ایران اقامتگاه نداشته باشد، در صورتی که در ایران محل سکونت موقت داشته باشد، در دادگاه همان محل باید اقامه گردد و هرگاه در ایران اقامتگاه و یا محل سکونت موقت نداشته ولی مال غیر منقول داشته باشد، دعوا در دادگاهی اقامه می شود که مال غیر منقول در حوزه آن واقع است و هرگاه مال غیر منقول هم نداشته باشد، خواهان در دادگاه محل اقامتگاه خود، اقامه دعوا خواهد کرد.

**تبصره-** حوزه قضایی عبارت است از قلمرو یک بخش یا شهرستان که دادگاه در آن واقع است. تقسیم بندی حوزه قضایی به واحدهایی از قبیل مجتمع یا ناحیه، تغییری در صلاحیت عام دادگاه مستقر در آن نمی دهد.

**ماده ۱۲** دعاوی مربوط به اموال غیر منقول اعم از دعاوی مالکیت، مزاحمت، ممانعت از حق، تصرف عدوانی و سایر حقوق راجع به آن در دادگاهی اقامه می شود که مال غیر منقول در حوزه آن واقع است، اگرچه خوانده در آن حوزه مقیم نباشد.

**ماده ۱۳** در دعاوی بازرگانی و دعاوی راجع به اموال منقول که از عقود و قراردادهای ناشی شده باشد، خواهان می تواند به دادگاهی رجوع کند که عقد یا قرارداد در حوزه آن واقع شده است یا تعهد می بایست در آنجا شود.

**ماده ۳۴** وکالت ممکن است به موجب سند رسمی یا غیر رسمی باشد. در صورت اخیر، در مورد وکالت نامه هایی تنظیمی در ایران، وکیل می تواند ذیل وکالت نامه تایید کند که وکالت نامه را موکل شخصاً در حضور او امضاء یا مهر کرده یا انگشت زده است.

در صورتی که وکالت در خارج از ایران داده شده باشد باید به گواهی یکی از مأمورین سیاسی یا کنسولی جمهوری اسلامی ایران برسد. مرجع گواهی وکالت نامه اشخاص مقیم در کشورهای فاقد مأمور سیاسی یا کنسولی ایران به موجب آیین نامه ای خواهد بود که توسط وزارت دادگستری با همکاری وزارت امور خارجه، ظرف مدت سه ماه، تهیه و به تصویب رییس قوه قضاییه خواهد رسید. اگر وکالت در جلسه دادرسی داده شود، مراتب در صورت جلسه قید و به امضای موکل می رسد و چنانچه موکل در زندان باشد، رییس زندان یا معاون وی باید امضاء یا اثر انگشت او را تصدیق نمایند.

**تبصره-** در صورتی که موکل امضاء مهر یا اثر انگشت خود را انکار نماید دادگاه به این موضوع نیز رسیدگی خواهد نمود.

**ماده ۷۱۵۵ا** ابلاغ دادخواست در خارج از کشور به وسیله مأموران کنسولی یا سیاسی ایران به عمل می آید. مأموران یاد شده دادخواست و ضمایم آن را وسیله مأمورین سفارت یا هر وسیله ای که امکان داشته باشد برای خواننده می فرستند و مراتب را از طریق وزارت امور خارجه به اطلاع دادگاه می رسانند. در صورتی که در کشور محل اقامت خواننده، مأموران کنسولی یا سیاسی نباشند این اقدام را وزارت امور خارجه به طریقی که مقتضی بداند انجام می دهد.

**ماده ۱۴۴** اتباع دولت های خارج، چه خواهان اصلی باشند و یا به عنوان شخص ثالث وارد دعوا گردند، بنا به درخواست طرف دعوا، برای تادیه خسارتی که ممکن است بابت هزینه دادرسی و حق الوکاله به آن محکوم گردند باید تامین مناسب بسپارند. درخواست اخذ تامین فقط از خواننده تبعه ایران و تا پایان جلسه اول دادرسی پذیرفته می شود.

**ماده ۱۴۵** در موارد زیر اتباع بیگانه اگر خواهان باشند از دادن تامین معاف می باشند:

- ♣ در کشور متبوع وی، اتباع ایرانی از دادن چنین تائینی معاف باشند.
- ♣ دعاوی راجع به برات، سفته و چک.
- ♣ دعاوی متقابل.
- ♣ دعاوی که مستند به سند رسمی می باشد.
- ♣ دعاوی که بر اثر آگهی رسمی اقامه می شود از قبیل اعتراض به ثبت و دعاوی علیه متوقف.

**ماده ۱۴۶** هرگاه در اثنای دادرسی، تابعیت خارجی خواهان یا تجدیدنظر خواه کشف شود و یا تابعیت ایران از او سلب و یا سبب معافیت از تامین از او زایل گردد، خواننده یا تجدید نظر خواننده ایرانی می تواند درخواست تامین نماید.

**ماده ۱۴۷** دادگاه مکلف است نسبت به درخواست تامین، رسیدگی و مقدار و مهلت سپردن آن را تعیین نماید و تا وقتی تامین داده نشده است دادرسی متوقف خواهد ماند.

در صورتی که مدت مقرر برای دادن تامین منقضی گردد و خواهان تامین نداده باشد در مرحله نخستین به تقاضای خواننده و در مرحله تجدید نظر به درخواست تجدید نظر خواننده، قرار رد درخواست صادر می گردد.

**ماده ۱۴۸** چنانچه بر دادگاه معلوم شود مقدار تائینی که تعیین گردیده کافی نیست، مقدار کافی را برای تامین تعیین می کند. در صورت امتناع خواهان یا تجدید نظر خواه از سپردن تامین تعیین شده برابر ماده فوق اقدام می شود.

**ماده ۲۹۱** در مواردی که تحقیقات باید خارج از کشور ایران به عمل آید، دادگاه در حدود مقررات معهود بین دولت ایران و کشور مورد نظر، به دادگاه کشوری که تحقیقات باید در قلمرو آن انجام شود نیابت می دهد تا تحقیقات را به عمل آورده و صورت مجلس را ارسال دارد. ترتیب اثر بر تحقیقات معموله در خارج از کشور متوقف بر وثوق دادگاه به نتیجه تحقیقات می باشد.

**ماده ۲۹۲** دادگاه های ایران می توانند به شرط معامله متقابل، نیابتی که از طرف دادگاه های کشورهای دیگر راجع به تحقیقات قضایی به آنها داده می شود قبول کنند.

**ماده ۲۹۳** دادگاه های ایران نیابت تحقیقات قضایی را برابر قانون ایران انجام می دهند، لکن چنانچه دادگاه کشور خارجی ترتیب خاصی برای رسیدگی معین کرده باشد، دادگاه ایران می تواند به شرط معامله متقابل و در صورتی که مخالف با موازین اسلام و قوانین مربوط به نظم عمومی و اخلاق حسنه نباشد برابر آن عمل نماید.

**ماده ۲۹۴** در نیابت تحقیقات قضایی خارج از کشور، دادگاه نحوه بررسی و تحقیق را برابر قوانین ایران تعیین و از دادگاه خارجی که به آن نیابت داده می شود می خواهد که بر اساس آن کار تحقیقات را انجام دهد. در صورتی که دادگاه یاد شده به طریق دیگری اقدام به بررسی و تحقیق نماید اعتبار آن منوط به نظر دادگاه خواهد بود.

**ماده ۳۹۷** مهلت درخواست فرجام خواهی برای اشخاص ساکن ایران بیست روز و برای اشخاص مقیم خارج دو ماه می باشد.

**ماده ۴۳۷** با درخواست اعاده دادرسی و پس از صدور قرار قبولی آن به شرح ذیل اقدام می گردد:

الف- چنانچه محکوم به غیر مالی باشد اجرای حکم متوقف خواهد شد.

ب- چنانچه محکوم به مالی است و امکان اخذ تامین و جبران خسارت احتمالی باشد به تشخیص دادگاه از محکوم له تامین مناسب اخذ و اجرای حکم ادامه می‌یابد.

ج- در مواردی که درخواست اعاده دادرسی مربوط به یک قسمت از حکم باشد حسب مورد مطابق بندهای (الف) و (ب) اقدام می‌گردد.  
**ماده ۴۴۶** کلیه مواعد مقرر در این قانون از قبیل واخواهی و تکمیل دادخواست برای افراد مقیم خارج از کشور دو ماه از تاریخ ابلاغ می‌باشد.

**ماده ۴۵۶** در مورد معاملات و قراردادهای واقع بین اتباع ایرانی و خارجی، تا زمانی که اختلافی ایجاد نشده است طرف ایرانی نمی‌تواند به نحوی از انحاء ملتزم شود که در صورت بروز اختلاف حل آن را به داور یا داوران یا هیاتی ارجاع نماید که آنان دارای همان تابعیتی باشند که طرف معامله دارد. هر معامله و قراردادی که مخالف این منع قانونی باشد در قسمتی که مخالفت دارد باطل و بلااثر خواهد بود.

**ماده ۴۵۷** ارجاع دعوی راجع به اموال عمومی و دولتی به داوری پس از تصویب هیأت وزیران و اطلاع مجلس شورای اسلامی صورت می‌گیرد. در مواردی که طرف دعوا خارجی و یا موضوع دعوا از موضوعاتی باشد که قانون آن را مهم تشخیص داده، تصویب مجلس شورای اسلامی نیز ضروری است.

### ۳. قانون امور حسبی

**ماده ۴۹** هر گاه محجور در خارج ایران اقامت یا سکنی داشته باشد امور قیمومت راجع به دادگاه شهرستان تهران است.

**ماده ۵۰** در صورتی که محجور در خارج ایران اقامت یا سکنی دارد مطابق ماده ۱۲۲۸ قانون مدنی مأمور کنسولی ایران قیم موقت برای محجور معین نماید اگر دادگاه تهران تصمیم مأمور کنسولی را تنفیذ نکند تعیین قیم با دادگاه نامبرده خواهد بود.

**ماده ۱۱۴** در خارج ایران مأمورین کنسولی ایران حق دارند برای اداره اموال ایرانیان که محتاج به تعیین امین و واقع در حوزه مأموریت آنهاست موقتاً نصب امین نمایند و باید تا ده روز پس از نصب امین مدارک عمل خود را به وسیله وزارت امور خارجه به وزارت دادگستری بفرستند. نصب امین نامبرده وقتی قطعی می‌گردد که دادگاه شهرستان تهران تصمیم مأمور کنسولی را تنفیذ کند.  
**ماده ۱۱۵** وظایف و اختیاراتی که به موجب قانون و نظامات مربوطه در مورد دخالت دادستان‌ها در امور محتاج به تعیین امین مقرر است در خارج ایران به عهده مأمورین کنسولی خواهد بود.

**ماده ۱۱۶** اگر در عهد و قراردادهای منعقد بین دولت ایران و دولتی که مأمور کنسولی مأموریت خود را در کشور آن دولت اجرا می‌کند ترتیبی برخلاف مقررات دو ماده فوق اتخاذ شده باشد مأمورین مذکور مفاد آن دو ماده را تا حدی که با مقررات عهدنامه یا قرارداد مخالف نباشد اجرا خواهند کرد.

**ماده ۱۲۷** هر گاه اقامتگاه غایب در خارج از ایران باشد دادگاهی برای رسیدگی به امور غایب صالح است که آخرین محل سکونت غایب در حوزه آن دادگاه بوده.

**ماده ۱۲۸** هر گاه غایب در ایران اقامتگاه یا محل سکنی نداشته یا اقامتگاه و محل سکون او در ایران معلوم نباشد دادگاه محلی برای رسیدگی به امور غایب صالح است که ورثه غایب در آن محل اقامت یا سکنی دارند.

**ماده ۱۲۹** در صورتی که ورثه غایب در ایران معلوم نباشد دادگاهی صالح است که غایب در آنجا مال دارد.

**ماده ۱۳۳** غایبی که تابعیت او مشکوک است تابع مقررات راجع به تبعه ایران است.

**ماده ۱۶۴** هر گاه متوفی در ایران اقامتگاه یا محل سکنی نداشته، دادگاهی صالح است که ترکه در آنجا واقع شده و اگر ترکه در جاهای مختلف باشد، دادگاهی که مال غیر منقول در حوزه آن واقع است صلاحیت خواهد داشت و اگر اموال غیر منقول در حوزه‌های متعدد باشد صلاحیت با دادگاهی است که قبلاً شروع به اقدام کرده.

**ماده ۳۳۸** هر گاه تبعه خارجه در ایران یا در خارجه فوت شود و در ایران دارای مالی باشد دادرسی دادگاه بخش محلی که مال متوفی در آنجا واقع است به درخواست هر ذی نفع یا به درخواست کنسول دولت متوفی به حفظ و تصفیه امر ترکه اقدام

می نماید و در صورتی که متوفی وارث یا قائم مقام در ایران نداشته باشد بدون درخواست هم دادرس پس از اطلاع اقدام به حفظ و تصفیه ترکه می نماید .

**ماده ۳۳۹** دادگاه بخش پس از وصل درخواست ذی نفع یا کنسول و به محض اطلاع از فوت در مورد اخیر ماده فوق وقتی را که از تاریخ وصول درخواست یا اطلاع متجاوز از چهل و هشت ساعت نباشد برای اقدامات تأمینیه از قبیل مهر و موم و غیره معین کرده کتباً به کنسول دولت متبوع اطلاع می دهد که در موقع اقدام به تأمین حضور بهم رساند. عدم حضور کنسول مانع از اقدام نخواهد بود اما بعداً می تواند در محل حاضر شده، مهر و موم خود را به مهر و موم دادگاه اضافه نماید .

**ماده ۳۴۰** در صورتی که کنسول دولت متبوع متوفی قبلاً از وفات مطلع شده و امر طوری باشد که تا اطلاع به مأمورین ایران بیم تضییع و تفریط تمام یا قسمتی از ترکه برود، می تواند شخصاً اقدامات موقتی را برای حفظ آن به عمل آورده وضعیت موقتی را تا مداخله دادرس دادگاه بخش حفظ نماید .

**ماده ۳۴۱** در موقعی که دادگاه بخش برای مهر و موم تعیین وقت می کند باید بلافاصله و منتهی در ظرف یک هفته از تاریخ وصول درخواست یا اطلاع ، یک نفر را برای اداره ترکه معین و معرفی نماید .

**ماده ۳۴۲** دادگاه می تواند با رعایت ماده ۲۶۴ و با در نظر گرفتن مصلحت و منافع ورثه و اشخاص ذی نفع هر کس را که طرف اعتماد بدانند به سمت مدیر ترکه معین کند . اقدامات مدیر ترکه با نظارت دادستان به عمل خواهد آمد.

در نقاطی که اداره تصفیه موجود است مدیر ترکه معین نمی شود و این وظیفه به اداره تصفیه رجوع می شود.

**ماده ۳۴۳** مدیر ترکه باید به محض ابلاغ انتصاب خود سه آگهی هر یک به فاصله یک ماه در مجله رسمی و یکی از روزنامه های کثیرالانتشار محل و اگر در محل روزنامه نباشد در یکی از روزنامه های کثیرالانتشار تهران منتشر نموده اشخاصی را که به عنوانی از عناوین برای خود حقی بر ذمه متوفی و یا بر اعیان ترکه قائل هستند دعوت نماید در ظرف شش ماه از تاریخ انتشار اولین آگهی خود را معرفی و موضوع حق خود را معین کنند و رونوشت یا عکس گواهی شده مدارک طلب و حقانیت خود را به او تسلیم نمایند .

هرگاه میزان ترکه کمتر از هزار ریال باشد آگهی در روزنامه لازم نیست .

**ماده ۳۴۴** پس از تعیین مدیر ترکه دادگاه بخش با حضور دادستان ترکه را تحریر و به او تسلیم می نماید .

**ماده ۳۴۵** برای تحریر ترکه روز و ساعت و محل تحریر به دادستان و اشخاص مشروحه اطلاع داده می شود :

✿ تمام وراثت که در ایران حاضر بوده و یا نماینده در آنجا دارند .

✿ وصی اگر معلوم و مقیم ایران باشد .

✿ کسانی که وصیت به نفع آنها شده اگر معلوم و مقیم ایران بوده و یا در ایران نماینده داشته باشند .

✿ شریک متوفی اگر باشد در صورتی که در ایران حاضر بوده یا نماینده داشته باشد .

✿ کنسول دولت متبوع متوفی .

**ماده ۳۴۶** غیبت اشخاصی که اعلام نامه مندرج در ماده فوق برای آنها فرستاده شده مانع از تحریر ترکه نخواهد بود ولی در صورتی که کنسول دولت متبوع در موقع تحریر ترکه حاضر نباشد در صورت مجلس قید و رونوشتی از آن برای کنسول فرستاده می شود .

**ماده ۳۴۷** به صورت ریز ترکه باید صورتی از اموال غیر منقول که در ایران واقع است با تعیین بهای تقریبی آنها پیوست شود .

**ماده ۳۴۸** در صورتی که ورثه یا وصی متوفی یا قائم مقام قانونی آنها حاضر شوند برابر بهای ترکه تأمین دهند که هرگاه در مدت یک سال از تاریخ انتشار اولین آگهی مذکور در ماده ۳۴۳ بستانکارانی پیدا شود که تبعه ایران یا مقیم ایران باشند و طلب آنها ثابت گردد از عهده برآیند ترکه پس از وضع هزینه آگهی ها و هزینه های دیگر قانونی که به عمل آمده است به تصرف آنها داده می شود .

**ماده ۳۴۹** تأمین ممکن است به وسیله تودیع وجه نقد یا وثیقه دادن اموال منقول و یا غیر منقول یا دادن ضامن معتبر به عمل آید و نیز ممکن است درخواست کننده از همان اموال متوفی تأمین بدهد. قبول یا رد تأمین منوط به نظر دادگاهی است که مدیر ترکه را تعیین نموده است.

**ماده ۳۵۰** مدیر ترکه با اجازه دادگاه بخش می تواند به ورثه متوفی که در حال استیصال و مقیم در ایران هستند تا موقع تصفیه ماترک مبلغی که برای معیشت آنها ضروری باشد بپردازد. در موردی که اداره تصفیه وظیفه امین ترکه را انجام می دهد اجازه دادگاه بخش لازم نیست.

**ماده ۳۵۱** پس از انقضاء مدت مذکور در ماده ۳۴۳ مدیر ترکه وقتی را برای رسیدگی به دعوی و مطالبات معین کرده به ورثه یا وصی یا قائم مقام قانونی آنها و کنسول دولت متبوع متوفی اگر در محل باشد، اطلاع می دهد و در وقت مقرر شروع به رسیدگی نموده و پس از رسیدگی، کلیه دیون و تعهداتی را که بر ذمه متوفی ثابت و محقق است با اجازه دادستان تأدیه می نماید و بقیه را به ورثه یا وصی یا قائم مقام قانونی آنها و در صورتی که اشخاص نامبرده اصلاً نباشند یا در ایران نباشند به کنسول یا سایر نمایندگان سیاسی دولت متبوع متوفی تسلیم می نماید.

**ماده ۳۵۲** اشخاصی که مدعی حقی بر ترکه بوده و دعوی آنها از طرف مدیر ترکه و دادستان یا مدیر تصفیه تصدیق نشده باشد می توانند دعوی خود را در دادگاه صلاحیت دار اقامه یا تعقیب نمایند.

انقضاء مدت مقرر در ماده ۳۴۳ موجب سقوط حق اشخاصی که در ظرف مدت حق خود را مطالبه نکرده اند نمی باشد.

**ماده ۳۵۳** اگر نسبت به ترکه متوفی قرار تأمین صادر شده باشد تسلیم اموال به اشخاص مذکور در ماده ۳۵۱ با رعایت قرار دادگاه به عمل خواهد آمد.

**ماده ۳۵۴** هر گاه متوفی بازرگان بوده و به موجب حکم دادگاه ورشکستگی او قبل یا بعد از فوت اعلام شود اداره تصفیه امور او تابع مقررات راجع به تصفیه امور بازرگان متوقف است.

**ماده ۳۵۵** رسیدگی به دعوی راجع به ترکه اتباع خارجه در ایران در صلاحیت دادگاه ایران است.

**ماده ۳۵۶** تصدیق صادره از مقامات صلاحیت دار کشور متوفی راجع به وراثت اتباع خارجه یا انحصار آن پس از احراز اعتبار آن در دادگاه ایران از حیث صدور و رعایت مقررات مربوطه به اعتبار اسناد تنظیم شده در خارجه، قابل ترتیب اثر خواهد بود.

**ماده ۳۵۷** اگر تبعه خارجه که در ایران فوت شده، مسافر موقتی باشد اشیاء متعلق به او فوراً به کنسول دولت متبوع او تسلیم می شود.

**ماده ۳۵۸** از هزینه هایی که برای اداره کردن ترکه می شود باید صورت کاملی به دادستان داده شود.

**ماده ۳۵۹** حقوقی که به موجب این فصل برای کنسول ها یا نمایندگان سیاسی خارجه مقرر شده مربوط به کنسول یا نماینده سیاسی دولی است که در خاک آن دول نسبت به کنسول ها یا نمایندگان سیاسی ایران معامله متقابل بشود. مواد ۳ و ۴ آیین نامه راجع به مواد ۲۷۹ و ۲۸۸ قانون امور حسبی مصوب ۱۳۲۲.

**ماده ۳** اتباع دولت ایران در خارجه می توانند وصیت نامه سری خود را در کنسولگری دولت ایران امانت گذارند و همچنین اتباع خارجه در ایران می توانند وصیت نامه سری خود را در کنسولگری دولت متبوع خود امانت گذارند.

**ماده ۴** ترتیب امانت گذاردن وصیت نامه سری در هر یک از محل های نامبرده، کنسولگری و استرداد آن به طریقی برای امانت گذاردن اسناد رسمی و استرداد آنها در اداره ثبت اسناد مقرر است و وظایفی که در قانون ثبت اسناد برای مسئول دفتر مقرر است به عهده متصدی یکی از محل های نامبرده که وصیت نامه در آنجا سپرده می شود خواهد بود.

#### ۴. قانون اجرای احکام مدنی مصوب ۱۳۵۶

**ماده ۱۶۹** احکام مدنی صادر از دادگاه های خارجی در صورتی که واجد شرایط زیر باشد در ایران قابل اجراء است مگر اینکه در قانون ترتیب دیگری مقرر شده باشد:

- ♣ حکم از کشوری صادر شده باشد که به موجب قوانین خود یا عهد یا قراردادها احکام صادر از دادگاه‌های ایران در آن کشور قابل اجرا باشد یا در مورد اجرای احکام معامله متقابل نماید .
- ♣ مفاد حکم مخالف با قوانین مربوط به نظم عمومی یا اخلاق حسنه نباشد .
- ♣ اجرای حکم مخالف با عهد بین‌المللی که دولت ایران آن را امضاء کرده یا مخالف قوانین مخصوص نباشد .
- ♣ حکم در کشوری که صادر شده قطعی و لازم الاجرا بوده و به علت قانونی از اعتبار نیفتاده باشد .
- ♣ از دادگاه‌های ایران حکمی مخالف حکم دادگاه خارجی صادر نشده باشد .
- ♣ رسیدگی به موضوع دعوی مطابق قوانین ایران اختصاص به دادگاه‌های ایران نداشته باشد.
- ♣ حکم راجع به اموال غیر منقول واقع در ایران و حقوق متعلق به آن نباشد .
- ♣ دستور اجرای حکم از مقامات صلاحیتدار کشور صادر کننده حکم صادر شده باشد .

**ماده ۱۷۰** مرجع تقاضای اجرای حکم دادگاه شهرستان محل اقامت یا محل سکونت محکوم علیه است و اگر محل اقامت یا محل سکونت محکوم علیه در ایران معلوم نباشد دادگاه شهرستان تهران است .

**ماده ۱۷۱** در صورتی که در معاهدات و قراردادهای بین دولت ایران و کشور صادر کننده حکم ترتیب و شرایطی برای اجرای حکم مقرر شده باشد همان ترتیب و شرایط متبع خواهد بود .

**ماده ۱۷۲** اجرای حکم باید کتباً تقاضا شود و در تقاضانامه مزبور نام محکوم له و محکوم علیه و مشخصات دیگر آنها قید گردد.

**ماده ۱۷۳** به تقاضانامه اجرای حکم باید مدارک زیر پیوست شود :

- ◀ نسخه‌ای از رونوشت حکم دادگاه خارجی که صحت مطابقت آن با اصل به وسیله مامور سیاسی یا کنسولی کشور صادر کننده حکم گواهی شده باشد با ترجمه رسمی گواهی شده آن به زبان فارسی .
- ◀ رونوشت دستور اجرای حکمی که از طرف مرجع صلاحیتدار مربوط صادر شده با ترجمه گواهی شده آن.
- ◀ گواهی نماینده سیاسی یا کنسولی ایران در کشوری که حکم از آنجا صادر شده یا نماینده سیاسی یا کنسولی کشور صادر کننده حکم در ایران راجع به صدور دستور اجرای حکم از مقامات صلاحیتدار .
- ◀ گواهی امضاء نماینده سیاسی یا کنسولی کشور خارجی مقیم ایران از طرف وزارت امور خارجه .

**ماده ۱۷۴** مدیر دفتر دادگاه عین تقاضا و پیوست های آن را به دادگاه می‌فرستد و دادگاه در جلسه اداری فوق‌العاده با بررسی تقاضا و مدارک ضمیمه آن قرار قبول تقاضا و لازم الاجرا بودن حکم را صادر و دستور اجرا می‌دهد و یا با ذکر علل و جهات رد تقاضا را اعلام می‌نماید .

**ماده ۱۷۵** قرار رد تقاضا باید به متقاضی ابلاغ شود و نامبرده می‌تواند ظرف ده روز از آن پژوهش بخواهد .

**ماده ۱۷۶** دادگاه مرجع پژوهش در جلسه اداری فوق‌العاده به موضوع رسیدگی و در صورت وارد بودن شکایت با فسخ رای پژوهش خواسته امر به اجرای حکم صادر می‌نماید و در غیر این صورت آن را تایید می‌کند . رای دادگاه قابل فرجام نخواهد بود .

**ماده ۱۷۷** اسناد تنظیم شده لازم الاجرا در کشورهای خارجی به همان ترتیب و شرایطی که برای اجرای احکام دادگاه‌های خارجی در ایران مقرر گردیده قابل اجرا می‌باشد و به علاوه نماینده سیاسی یا کنسولی ایران در کشوری که سند در آنجا تنظیم شده باشد باید موافقت تنظیم سند را با قوانین محل گواهی نماید .

**ماده ۱۷۸** احکام و اسناد خارجی طبق مقررات اجرای احکام مدنی به مرحله اجرا گذارده می‌شود .

**ماده ۱۷۹** ترتیب رسیدگی به اختلافات ناشی از اجرای احکام و اسناد خارجی و اشکالاتی که در جریان اجرا پیش می‌آید همچنین ترتیب توقیف عملیات اجرایی و ابطال اجراییه به نحوی است که در قوانین ایران مقرر است . مرجع رسیدگی دادگاه‌های مذکور در ماده ۱۷۰ می‌باشد .

**ماده ۱۸۰** موارد مندرج در باب ششم قانون اصلاح محاکمات حقوقی مصوب ۱۳۲۹ قمری و مواد راجع به اجرای احکام در قانون تسریع محاکمات و سایر قوانین که مخالف این قانون باشد ملغی است .



**۵. قانون تجارت**

**ماده ۱۱۰** شرکاء نمی‌توانند تبعیت شرکت را تغییر دهند مگر به اتفاق آراء

تبصره - شرکت‌های خارجی نیز که به وسیله شعبه یا نماینده در ایران اشتغال به تجارت دارند در مورد اسناد و صورت حساب‌ها و اعلانات و نشریات خود در ایران مشمول مقررات این ماده خواهند بود.

**ماده ۲۰۲** تصفیه امور شرکتها پس از انحلال موافق مواد ذیل خواهد بود مگر در مورد ورشکستگی که تابع مقررات مربوطه به ورشکستگی است.

**ماده ۲۸۷** در مورد برواتی که باید در خارج تادیه شود اقامه دعوی بر علیه برات دهنده و یا ظهرنویس‌های مقیم ایران در ظرف دو سال از تاریخ اعتراض باید به عمل آید.<sup>۱</sup>

تبصره - مفاد این ماده در مورد ورشکستگی هر چند نفری که برای پرداخت یک دین مسئولیت تضامنی داشته باشند مرعی خواهد بود.

**ماده ۳۰۵** در مورد برواتی که در خارج ایران صادر شده شرایط اساسی برات تابع قوانین مملکت صدور است.

در هر قسمت از سایر تعهدات براتی (تعهدات ناشی از ظهرنویسی، ضمانت قبولی و غیره) نیز که در خارج به وجود آمده تابع قوانین مملکتی است که تعهد در آنجا وجود پیدا کرده است معذالک اگر شرایط اساسی برات مطابق قانون ایران موجود و یا تعهدات براتی موافق قانون ایران صحیح باشد کسانی که در ایران تعهداتی کرده‌اند حق استناد به این ندارند که شرایط اساسی برات یا تعهدات براتی مقدم بر تعهدات آنها مطابق با قوانین خارجی نیست.

**ماده ۳۰۶** اعتراض و به طور کلی هر اقدامی که برای حفظ حقوق ناشیه از برات و استفاده از آن در خارج باید به عمل آید تابع قوانین مملکتی خواهد بود که آن اقدام باید در آنجا بشود.

**ماده ۳۱۷** مقررات راجعه به چک‌هایی که در ایران صادر شده است در مورد چک‌هایی که از خارج صادر شده و باید در ایران پرداخته شود نیز رعایت خواهد شد - لیکن مهلتی که در ظرف آن دارنده چک می‌تواند وجه چک را مطالبه کند چهار ماه از تاریخ صدور است.

**ماده ۵۲۴** در موقع تقسیم وجوه بین طلبکارها حصه طلبکارهای مقیم ممالک خارجه به نسبت طلب آنها که در صورت دارایی و قروض منظور شده است موضوع می‌گردد. چنانچه مطالبات مزبور صحیحاً در صورت دارایی و قروض منظور نشده باشد عضو ناظر می‌تواند حصه موضوعی را زیاد کند. برای مطالباتی که هنوز در باب آنها تصمیم قطعی اتخاذ نشده است باید مبلغی موضوع گردد.

**ماده ۵۲۵** وجوهی که برای طلبکارهای مقیم خارجه موضوع شده است تا مدتی که قانون برای آنها معین کرده به طور امانت به صندوق عدلیه سپرده خواهد شد. اگر طلبکارهای مذکور مطابق این قانون مطالبات خود را به تصدیق نرسانند مبلغ مزبور بین طلبکارهایی که طلب آنها به تصدیق رسیده تقسیم می‌گردد و وجوهی که برای مطالبات تصدیق نشده موضوع گردیده در صورت عدم تصدیق آن مطالبات بین طلبکارهایی که طلب آنها تصدیق شده تقسیم می‌شود.

**ماده ۵۹۰** اقامتگاه شخص حقوقی محلی است که اداره شخص حقوقی در آنجا است.

**ماده ۵۹۱** اشخاص حقوقی تابعیت مملکتی را دارند که اقامتگاه آنها در آن مملکت است.

**ماده ۹۴** هیچ مجمع عمومی نمی‌تواند تابعیت شرکت را تغییر بدهد و با هیچ اکثریتی نمی‌تواند بر تعهدات صاحبان سهام بیفزاید.

**۶. قانون اساسی**

**اصل بیست و دوم -** حیثیت، جان، حقوق، مسکن و شغل اشخاص از تعرض مصون است مگر در مواردی که قانون تجویز کند.

<sup>۱</sup> مدت‌های مقرر در مواد ۲۸۶ و ۲۸۷ طبق لایحه قانونی راجع به تمدید مهلت‌های مندرج در مواد ۲۸۶ و ۲۸۷ مصوب ۱۳۵۸/۱۰/۲۶ شورای انقلاب، مندرج در روزنامه رسمی شماره ۱۳۵۸/۱۱/۲۷ به ترتیب از سه ماه و شش ماه، به یک سال و دو سال افزایش یافته است.

**اصل سی و دوم -** هیچ کس را نمی‌توان دستگیر کرد مگر به حکم و ترتیبی که قانون معین می‌کند. در صورت بازداشت، موضوع اتهام باید با ذکر دلایل بلافاصله کتباً به متهم ابلاغ و تفهیم شود و حداکثر ظرف مدت بیست و چهار ساعت پروندهٔ مقدماتی به مراجع صالحهٔ قضائی ارسال و مقدمات محاکمه، در اسرع وقت فراهم گردد. متخلف از این اصل طبق قانون مجازات می‌شود

**اصل سی و سوم -** هیچ کس را نمی‌توان از محل اقامت خود تبعید کرد یا از اقامت در محل مورد علاقه‌اش ممنوع یا به اقامت در محلی مجبور ساخت، مگر در مواردی که قانون مقرر می‌دارد.

**اصل سی و چهارم -** دادخواهی حق مسلم هر فرد است و هر کس می‌تواند به منظور دادخواهی به دادگاه‌های صالح رجوع نماید. همهٔ افراد ملت حق دارند این گونه دادگاه‌ها را در دسترس داشته باشند و هیچ کس را نمی‌توان از دادگاهی که به موجب قانون حق مراجعه به آن را دارد منع کرد.

**اصل چهل و یکم -** تابعیت کشور ایران حق مسلم هر فرد ایرانی است و دولت نمی‌تواند از هیچ ایرانی سلب تابعیت کند، مگر به درخواست خود او یا در صورتی که به تابعیت کشور دیگری درآید.

**اصل چهل و دوم -** اتباع خارجه می‌توانند در حدود قوانین به تابعیت ایران درآیند و سلب تابعیت این گونه اشخاص در صورتی ممکن است که دولت دیگری تابعیت آنها را بپذیرد یا خود آنها درخواست کنند.

**اصل هفتاد و هفتم -** عهدنامه‌ها، مقاله‌نامه‌ها، قراردادها و موافقت‌نامه‌های بین المللی باید به تصویب مجلس شورای اسلامی برسد.

**اصل هشتاد و یکم -** دادن امتیاز تشکیل شرکت‌ها و مؤسسات در امور تجاری و صنعتی و کشاورزی و معادن و خدمات به خارجیان مطلقاً ممنوع است.

**اصل هشتاد و دوم -** استخدام کارشناسان خارجی از طرف دولت ممنوع است مگر در موارد ضرورت با تصویب مجلس شورای اسلامی.

**اصل یکصد و بیست و پنجم -** امضای عهدنامه‌ها، مقاله‌نامه‌ها، موافقت‌نامه‌ها و قراردادهای دولت ایران با سایر دولت‌ها و همچنین امضای پیمان‌های مربوط به اتحادیه‌های بین المللی پس از تصویب مجلس شورای اسلامی با رئیس جمهور یا نمایندهٔ قانونی اوست.

**اصل یکصد و پنجاه و سوم -** هرگونه قرارداد که موجب سلطهٔ بیگانه بر منابع طبیعی و اقتصادی، فرهنگ، ارتش و دیگر شئون کشور گردد ممنوع است.

**اصل یکصد و پنجاه و پنجم -** دولت جمهوری اسلامی ایران می‌تواند به کسانی که پناهندگی سیاسی بخواهند پناه دهد مگر اینکه بر طبق قوانین ایران خائن و تبهکار شناخته شوند.

#### ۷. قانون کار

**ماده ۱۲۰** اتباع بیگانه نمی‌توانند در ایران مشغول به کار شوند مگر آنکه اولاً دارای روادید ورود یا حق کار مشخص بوده و ثانیاً مطابق قوانین آیین‌نامه‌های مربوطه، پروانهٔ کار دریافت دارند.

**تبصره -** اتباع بیگانهٔ ذیل مشمول مقررات ماده ۱۲۰ نمی‌باشند:

الف- اتباع بیگانه ای که منحصراً در خدمت مأموریت‌های دیپلماتیک و کنسولی هستند با تأیید وزارت امور خارجه.

ب- کارکنان و کارشناسان سازمان ملل متحد و سازمانهای وابسته به آنها با تأیید وزارت امور خارجه.

ج- خبرنگاران خبرگزاری‌ها و مطبوعات خارجی به شرط معاملهٔ متقابل و تأیید وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

**ماده ۱۲۱** وزارت کار و امور اجتماعی با رعایت شرایط ذیل در مورد صدور روادید با حق کار مشخص برای اتباع بیگانه موافقت و پروانهٔ کار صادر خواهد کرد:

الف- مطابق اطلاعات موجود در وزارت کار و امور اجتماعی در میان اتباع ایرانی آماده به کار افراد داوطلب واجد تحصیلات و تخصص مشابه وجود نداشته باشد.

- ب- تبعه بیگانه دارای اطلاعات و تخصص کافی برای اشتغال به کار مورد نظر باشد .
- ج- از تخصص بیگانه برای آموزش و جایگزینی بعدی افراد ایرانی استفاده شود .
- تبصره -** احراز شرایط مندرج در این ماده با هیأت فنی اشتغال است . ضوابط مربوط به تعداد اعضاء و شرایط انتخاب آنها و نحوه تشکیل جلسات هیأت ، به موجب آیین نامه ای خواهد بود که با پیشنهاد وزارت کار و امور اجتماعی به تصویب هیأت وزیران می رسد .
- ماده ۱۲۲** وزارت کار و امور اجتماعی می تواند نسبت به صدور ، تمدید و تجدید پروانه کار افراد ذیل اقدام نماید :
- الف- تبعه بیگانه ای که حداقل ده سال مداوم در ایران اقامت داشته باشد .
- ب- تبعه بیگانه ای که دارای همسر ایرانی باشد .
- ج- مهاجرین کشورهای بیگانه خصوصاً کشورهای اسلامی و پناهندگان سیاسی به شرط داشتن کارت معتبر مهاجرت و یا پناهندگی و پس از موافقت کتبی وزارتخانه های کشور و امور خارجه .
- ماده ۱۲۳** وزارت کار و امور اجتماعی می تواند در صورت ضرورت و یا به عنوان معامله متقابل اتباع بعضی از دول و یا افراد بدون تابعیت را ( مشروط بر آنکه وضعیت آنان ارادی نباشد ) پس از تأیید وزارت امور خارجه و تصویب هیأت وزیران از پرداخت حق صدور ، حق تمدید و یا حق تجدید پروانه کار معاف نماید .
- ماده ۱۲۴** پروانه کار با رعایت مواد این قانون حداکثر برای مدت یک سال صادر یا تمدید و یا تجدید می شود .
- ماده ۱۲۵** در مواردی که به هر عنوان رابطه استخدامی تبعه بیگانه با کارفرما قطع می شود کارفرما مکلف است ظرف پانزده روز ، مراتب را به وزارت کار و امور اجتماعی اعلام کند . تبعه بیگانه نیز مکلف است ظرف پانزده روز پروانه کار خود را در برابر اخذ رسید ، به وزارت کار و امور اجتماعی تسلیم نماید . وزارت کار و امور اجتماعی در صورت لزوم ، اخراج تبعه بیگانه را از مراجع ذیصلاح درخواست می کند .
- ماده ۱۲۶** در مواردی که مصلحت صنایع کشور اشتغال فوری تبعه بیگانه را به طور استثنایی ایجاب کند ، وزیر مربوطه مراتب را به وزارت کار و امور اجتماعی اعلام می نماید و با موافقت وزیر کار و امور اجتماعی برای تبعه بیگانه ، پروانه کار موقت بدون رعایت تشریفات مربوط به صدور روادید با حق کار مشخص ، صادر خواهد شد .
- تبصره -** مدت اعتبار پروانه کار موقت حداکثر سه ماه است و تمدید آن مستلزم تأیید هیأت فنی اشتغال اتباع بیگانه خواهد بود .
- ماده ۱۲۷** شرایط استخدامی کارشناسان و متخصصین فنی بیگانه مورد نیاز دولت با در نظر گرفتن تابعیت و مدت خدمت و میزان مزد آنها و با توجه به نیروی کارشناس داخلی ، پس از بررسی و اعلام نظر وزارت کار و امور اجتماعی و سازمان امور اداری و استخدامی کشور ، با تصویب مجلس شورای اسلامی خواهد بود . پروانه کار جهت استخدام کارشناسان خارجی ، در هر مورد پس از تصویب مجلس شورای اسلامی از طرف وزارت کار و امور اجتماعی صادر خواهد شد .
- ماده ۱۲۸** کارفرمایان مکلفند قبل از اقدام به عقد هر گونه قراردادی که موجب استخدام کارشناسان بیگانه می شود ، نظر وزارت کار و امور اجتماعی را در مورد امکان اجازه اشتغال تبعه بیگانه استعلام نمایند .
- ماده ۱۲۹** آیین نامه های اجرایی مربوط به اشتغال اتباع بیگانه از جمله نحوه صدور ، تمدید ، تجدید و لغو پروانه کار و نیز شرایط انتخاب اعضای هیأت فنی اشتغال اتباع بیگانه مذکور در ماده ۱۲۱ این قانون ، با پیشنهاد وزیر کار و امور اجتماعی به تصویب هیأت وزیران خواهد رسید .

## بند دوم - رویه قضایی

رویه قضایی در معنای وسیع آن عبارت است از روش واحدی که قضات در موارد سکوت ، تناقض ، اجمال یا نقص قانون جهت تفسیر قانون اتخاذ می کنند . اما اعتبار این نوع رویه قضایی نسبی است و جنبه الزامی ندارد .

اما رویه قضایی در معنای خاص آن که وحدت رویه قضایی است به موجب ماده واحده مصوب ۷ تیرماه ۱۳۲۸ عبارت است از: « هرگاه در شعب دیوان عالی کشور نسبت به موارد مشابه رویه های مختلف اتخاذ شده باشد به تقاضای وزیر دادگستری یا رئیس دیوان مزبور و یا دادستان کل ، هیأت عمومی دیوان عالی کشور که در این موارد لااقل با حضور سه ربع از رؤسا و مستشاران دیوان مزبور تشکیل می شود ، موضوع مختلف فیه را بررسی کرده و نسبت به آن اتخاذ نظر می نمایند . در این صورت نظر اکثریت هیأت مزبور برای شعب دیوان عالی کشور و برای دادگاهها در موارد مشابه لازم الاتباع است و جز به موجب نظر هیأت عمومی یا قانون قابل تغییر نمی باشد .»

به علاوه به موجب ماده ۲۷۰ آ. د. ک. « هرگاه در شعب دیوان عالی کشور و یا هر یک از دادگاهها نسبت به موارد مشابه اعم از حقوقی ، کیفری و امور حسبی با استنباط از قوانین آرای مختلفی صادر شود . رئیس دیوان عالی کشور یا دادستان کل کشور به هر طریقی که آگاه شوند ، مکلفند نظر هیأت عمومی دیوان عالی کشور را به منظور ایجاد وحدت رویه درخواست کنند . همچنین هر یک از قضات شعبه دیوان عالی کشور یا دادگاهها نیز می توانند با ذکر دلایل از طریق رئیس دیوان عالی کشور یا دادستان کل کشور نظر هیأت عمومی را در خصوص موضوع کسب کنند . هیأت عمومی دیوان عالی کشور به ریاست رئیس دیوان عالی یا معاون او و با حضور دادستان کل کشور یا نماینده او و حداقل سه چهارم رؤسا و مستشاران و اعضای معاون کلیه شعب تشکیل می شود تا موضوع مورد اختلاف را بررسی و نسبت به آن اتخاذ تصمیم نماید . رأی اکثریت که مطابق موازین شرعی باشد ملاک عمل خواهد بود . آرای هیأت عمومی دیوان عالی کشور نسبت به احکام قطعی شده بی اثر است ولی در موارد مشابه تبعیت از آن برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاهها لازم می باشد .»

رویه قضایی ( Jurisprudence ) که در حقوق بین الملل خصوصی در بسیاری از کشورها مثل فرانسه از منابع مهم به شمار می رود ، در ایران هنوز توسعه زیادی نیافته است و نمی تواند به عنوان یک منبع جهت حقوق بین الملل خصوصی محسوب شود<sup>۱</sup>.

### بند سوم - عرف

در اصطلاح حقوقی ، عرف عبارت است از یک عادت متداول بین مردم ، که در نتیجه استمرار ، الزامی شده است . البته همان طور که ماده ۳ قانون آیین دادرسی مدنی می گوید ، عرف باید مسلم باشد تا بتواند یکی از منابع حقوق شمرده شود . ماده ۳ قانون آیین دادرسی مدنی : « قضات دادگاهها موظفند موافق قوانین به دعوی رسیدگی کرده ، حکم مقتضی صادر و یا فصل خصومت نمایند . در صورتی که قوانین موضوعه کامل یا صریح نبوده یا متعارض باشند یا اصلاً قانونی در موضوع مطروحه وجود نداشته باشد ، با استناد به منابع معتبر اسلامی یا فتاوی معتبر و اصول حقوقی که مغایر با موازین شرعی نباشد ، حکم قضیه را صادر نمایند و نمی توانند به بهانه سکوت یا نقص یا اجمال یا تعارض قوانین از رسیدگی به دعوا و صدور حکم امتناع ورزند و الا مستتکف از احقاق حق شناخته شده و به مجازات آن محکوم خواهند شد .

تبصره - چنانچه قاضی مجتهد باشد و قانون را خلاف شرع بداند پرونده به شعبه دیگری جهت رسیدگی ارجاع خواهد شد . همچنین به موجب ماده ۲۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری « رأی دادگاه باید مستدل و موجه بوده و مستند به مواد قانون و اصولی باشد که بر اساس آن صادر شده است . دادگاه مکلف است حکم هر قضیه را در قوانین مدون بیابد و اگر قانونی در خصوص مورد نباشد با استناد به منابع فقهی معتبر یا فتاوی معتبر حکم قضیه را صادر نماید و دادگاهها نمی توانند به بهانه سکوت یا نقص یا اجمال یا تعارض یا ابهام قوانین مدون از رسیدگی به شکایات و دعاوی و صدور حکم امتناع ورزند .»

معمولاً در حقوق بین الملل خصوصی نیز مثل اغلب رشته های حقوقی دیگر ، پس از مدتی عرف به صورت رویه قضایی یا قانون در می آید . لازم به تذکر است با توجه به جوانی این رشته در ایران ، عرف نیز در حقوق بین الملل خصوصی ما هنوز اهمیت چندانی نیافته است .

<sup>۱</sup> دکتر بهشید ارفع نیا ، حقوق بین الملل خصوصی ، جلد اول ، انتشارات بهتاب

### بند چهارم - عقاید علمای حقوق یا دکترین

دکترین یک منبع غیر مستقیم حقوق بین الملل خصوصی است. زیرا از طرفی قضات به عقاید و نظریات علمای حقوق توجه کرده، در تفسیر قوانین از عقاید آنها استفاده می کنند و از طرف دیگر علمای حقوق با مقایسه و تجزیه و تحلیل و تنظیم آراء دادگاهها، قواعدی از آن استخراج می کنند و بدین ترتیب در تشکیل رویه قضایی موثر واقع می شوند. اما به طور مستقیم نمی توان از عقاید علماء به عنوان یک منبع حقوقی استفاده کرد.

**نکته:** در مورد منابع داخلی حقوق بین الملل خصوصی چند موضوع قابل بررسی است:<sup>۱</sup>

۱. رویه قضایی با عرف بستگی کامل دارد و هر وقت عرف گفته می شود، مراد آن عرفی است که رویه محاکم آن را احراز و مشخص کرده است. البته معلوم است که رویه قضایی در همه موارد عبارت از تشخیص عرف نیست بلکه در پاره ای از موارد بدون آنکه احراز عرفی کند، ممکن است پایه و اساس تشکیل عرف جدیدی قرار گیرد و خلاصه رویه قضایی، حقوق موضوعه را، خواه نوشته و خواه ننوشته باشد، تفسیر و تبیین می کند.

۲. عرف یک طریقه وضع حقوق به صرافت طبع است. عرف به وسیله عادت افراد که در مدت مدیدی اجرا می گردد پایه گذاری می شود و در وجدان عمومی کم کم این فکر به وجود می آید که حتماً باید موافق آن رفتار شود. پس تحقق عرف به دو شرط است: یکی آنکه عادت قدیمی و مستمر باشد دیگر آنکه وجدان عمومی جنبه الزامی بودن آن را احساس کند. هرگاه عادت، این خصیصه دوم را فاقد باشد، عرف ایجاد نمی گردد. اینکه خلاصه، عرف از یک عادت اختیاری مستمری که تدریجاً الزامی شده است تشکیل می شود.

راجع به مفهوم عرف، دو نکته قابل ذکر است:

\* برای هر عرفی، امکان تغییر و تبدیل به عرف دیگر و حتی عرف خلاف آن موجود می باشد؛ به عبارت دیگر هر عرفی یک خصیصه «تغییرپذیری» را بالقوه دارد و همین خصیصه است که مورد توجه مکتب تاریخی قرار گرفته و پایه دکترین این مکتب را تشکیل می دهد. مکتب تاریخی مخالف تدوین حقوق است و عقیده دارد که تدوین مانع پیشرفت حقوق بوده و نمی گذارد که قواعد حقوقی، برحسب مقتضیات زمان تغییر پیدا نماید.

\* اگرچه هم اکنون اغلب قواعد مخصوصاً در حقوق بین الملل خصوصی ریشه عرفی دارند، مع ذلک متجاوز از یک قرن است که دیگر عرف توسعه و پیشرفتی نداشته و جنبه دینامیک یعنی استعداد تغییرپذیری خود را از دست داده و تقریباً تثبیت شده است.<sup>۲</sup>

۳. منابع داخلی حقوق بین الملل خصوصی را می توان بیشتر از نوع حقوق عمومی دانست تا حقوق خصوصی؛ به این معنی که اگر منبع قاعده های تعارض قوانین مورد مطالعه در این شاخه حقوق، به ظاهر از نوع منابع حقوق خصوصی است منبع تعارض صلاحیتها از نوع منابع حقوق عمومی به شمار می آید. به همین ترتیب است منبع وضعیت بیگانگان. در مورد تابعیت هم با آنکه قاعده های آن در قانون مدنی انعکاس یافته خود این قاعده ها دارای وصف حقوق عمومی می باشند. حتی راه حل تعارض قوانین را نیز می توان از این جهت به حقوق عمومی مربوط دانست که در آن به قاضی اجازه داده می شود به تعیین قلمرو قانون در مکان در مورد قضایای دارای وصف بین المللی بپردازد.

\*\*\*

### گفتار دوم - منابع بین المللی حقوق بین الملل خصوصی

ضرورت استفاده از منابع حقوق بین المللی، به ویژه عهدنامه ها، در کنار منابع حقوق داخلی، برای حل برخی قضایای حقوق بین الملل خصوصی این پرسش را پیش می آورد که در مسائل این نوع حقوق میان این دو نوع منابع چه پیوندی است و کدام یک از آن دو نوع در این باره از اصالت برخوردار می باشد.

<sup>۱</sup> دکتر محمد نصیری، حقوق بین الملل خصوصی، جلد اول و دوم، انتشارات آگاه

<sup>۲</sup> دکتر محمد نصیری، حقوق بین الملل خصوصی، جلد اول و دوم، انتشارات آگاه

نظرات محققان این رشته، درباره این مسأله، به اقتضای آنکه کدام یک از دو جهت داخلی و بین المللی آن مورد توجه آنها واقع گردیده باشد متفاوت است. این نظرها بر دو گونه است: نظری که در آن برای منابع داخلی حقوق در تنظیم قاعده های آن اصالت قائلند، دارندگان این نظر را خاص گرایان می نامند، و نظری که در آن منابع بین المللی حقوق را در این باره اصل می شناسند، این نظریه را عام گرایان می گویند.

خاص گرایان نظر خود را بیشتر به وضع کنونی حقوق بین الملل خصوصی معطوف داشته و از مشاهده اینکه در هر کشور قاعده های راجع به این نوع حقوق در منابع داخلی آن انعکاس می یابد این نتیجه را گرفته اند که تنظیم راه حلهای مسائل این نوع حقوق در اصل نیز باید در همین منابع تأمین گردند.

بارتن، از نخستین نمایندگان این طرز فکر در عصر جدید در فرانسه، در آستانه قرن بیستم در اثر خود، زیر عنوان «بررسی هایی در حقوق بین الملل خصوصی» در تأیید نظر خود به نظریه تعارض قوانین استناد جسته و از آن این نتیجه را گرفته که راه حلهای آن دارای طبیعت راه حلهای حقوق خصوصی داخلی است و نی بوايه، حقوقدان دیگر فرانسوی در این رشته، پس از او نقش و اهمیت عامل سیاسی به ویژه جمعیت شناسی را در تنظیم قاعده های آن یاد آور می شود.

گذشته از مؤلفان یاد شده مؤلفان حقوق در انگلستان نیز پیرو این نظر می باشند. پذیرش این نظر به معنای پذیرش اصل پیروی نظم بین المللی از نظم داخلی در حقوق بین الملل خصوصی است.

عام گرایان، در مقابل، وضعیت کنونی یاد شده را ناپایدار و آن را با طبیعت مسائل این نوع حقوق ناسازگار می دانند و انگیزه توسل به راه حلهای حقوق داخلی را در آن به عواملی مانند عدم رشد کافی حقوق بین المللی برای عهده دار شدن حل مؤثر مسائل راجع به نظم بین المللی و فوری بودن یافتن راه حل آن مسائل منسوب می کنند، چنانکه در راه حلهای پیش بینی شده در عهدنامه ها در زمینه این نوع حقوق اثری از دشواریهای ناشی از راه حلهای منعکس در منابع داخلی حقوق دیده نمی شود و میان آنها با مقتضیات نظم بین المللی هماهنگی لازم احساس می گردد، به همین جهت گسترش منابع بین المللی در آن روزافزون می باشد.

مدافعان اصلی این نظر حقوقدانان مکتب مانچینی می باشند و از میان آنها در فرانسه می توان از پیه و پس از او از لوی اولمان نام برد. در آلمان نیز افزون بر ساوینی باید از ون بار و زیتلمان، توضیح دهندگان نظرات ساوینی یاد کرد. با وجود قدمت تاریخی خاص گرایی، رواج عام گرایی در دوران کنونی به نظر بیشتر و گرایش حقوقدانان این رشته در این دوران نسبت به آن افزون تر است. به همین جهت دیده می شود در منابع بین المللی حقوق بین الملل خصوصی تحول های عمده پدید آمده و در یکنواخت کردن قاعده های آن در برخی زمینه ها در برخی مناطق گامهای مؤثر برداشته شده است.<sup>۱</sup>

برخی صاحب نظران، با در نظر گرفتن گستردگی منابع داخلی حقوق بین الملل خصوصی و سهم اندک منابع بین المللی در آن از اینکه برای نامیدن این رشته حقوق اصطلاح حقوق بین الملل خصوصی برگزیده شده است انتقاد کرده اند. از میان آنها، لوران، مؤلف «حقوق مدنی بین المللی» به گفته باتیفول، اصطلاح حقوق خصوصی بین المللی را برای آن مناسب تر دانسته است.

منابع بین المللی حقوق بین الملل خصوصی عبارتند از: عهدنامه های بین المللی، رویه قضایی بین المللی، عرف حقوقی بین المللی، اصول کلی حقوق بین المللی.

گذشته از اینها، از نظریه های علمی حقوقی نیز می توان برای روشن ساختن معانی قاعده های حقوقی بین المللی قابل استناد و تفسیر آنها یاری جست. از میان این منابع، عهدنامه ها را منبع نوشته حقوق بین المللی شناخته اند، رویه های قضایی بین المللی، افزون بر جنبه های تفسیری آنها، می توانند در برگیرنده برخی از عرفهای بین المللی باشند. عرفهای حقوقی بین المللی نیز منبع نوشته حقوق بین المللی به شمار می آیند.

<sup>۱</sup> دکتر محمود سلجوقی، حقوق بین الملل خصوصی، جلد اول، نشر میزان

## بند اول - عهدنامه ها یا قراردادهای بین المللی

عهدنامه‌ها در حقوق بین المللی عمومی که از روابط دولتها بحث می کنند از منابع اساسی به شمار می روند. در حالیکه در حقوق بین الملل خصوصی چون روابط افراد مورد نظر است، دولتها علاقه زیادی به تنظیم قرارداد در این مورد نشان نمی دهند زیرا تنظیم قرارداد با یک دولت دیگر مستلزم سازش و منطبق کردن نسبی قانونگذاری خود با قانونگذاری کشور دیگر می باشد. به همین جهت عهدنامه ها در حقوق بین الملل خصوصی نسبت به حقوق بین المللی عمومی چندان توسعه نیافته اند. البته در زمینه وضع بیگانگان و تعارض قوانین می توان قراردادهایی به نسبت بیشتری یافت، در حالیکه در زمینه تابعیت، قراردادهای بین المللی چندان یافت نمی شود زیرا هدف این قراردادها در مورد تابعیت معمولاً جلوگیری از بی تابعیتی و دو تابعیتی و در واقع رعایت اصل تابعیت واحده است که متأسفانه کمتر دولتی به این امر مهم توجهی نشان داده است.

اما هدف قراردادهای بین المللی در مورد وضع بیگانگان، بهبود وضع آنان و برخورداری از حقوقی است که تا حد امکان نزدیک به حقوق اتباع کشور باشد، و بالاخره هدف عهدنامه های بین المللی که مربوط به تعارض قوانین هستند ممکن است وحدت قواعد حل تعارض یا وحدت قواعد مادی باشد. ذیلاً مباحث مختلفی را که در خصوص عهدنامه ها ممکن است مطرح شود، (شامل انواع عهدنامه ها، تعارض بین عهدنامه ها و قانون داخلی، تفسیر عهدنامه ها و قطع اثر عهدنامه ها) مورد بررسی قرار می دهیم:

### الف - انواع عهدنامه ها

عهدنامه ها یا قراردادهای بر دو نوع هستند: عهدنامه های دوجانبه، عهدنامه های چند جانبه

#### ۱. عهدنامه های دو جانبه [ Bilateral Treaties ]

عهدنامه های دو جانبه، بین دو دولت و به منظور تأمین منافع اختصاصی آنها منعقد می شود. این عهدنامه ها فقط نسبت به طرفین متعاقد الزام آور بوده و به هیچ وجه قابل استناد در مقابل دولت ثالث نیست، از این قبیل است عهدنامه اقامت که به وسیله آن دو کشور متقابلاً امور حقوقی اتباع خود را در قلمرو حکومت یکدیگر تعیین و تنظیم می نمایند.<sup>۱</sup>

مانند قرارداد ایران و آلمان در مورد اقامت (سال ۱۳۰۷)، قرارداد اقامت ایران و چکسلواکی (سال ۱۳۰۹) و قرارداد ایران و فرانسه در مورد اقامت و دریانوردی (سال ۱۳۴۵).<sup>۲</sup>

این گونه عهدنامه ها دارای سابقه تاریخی طولانی می باشند و از نظر شکل و محتوی نسبت به عهدنامه های چند جانبه ساده ترند و شرایط پیش بینی شده در آنها محدودتر است و توافق درباره آنها به لحاظ آنکه تنها دو دولت در تنظیم آنها مشارکت می کنند، با بودن زمینه ای مناسب، به آسانی دست می دهد. کمبود آنها در آن است که مقررات آنها نسبی می باشند و تنها درباره اتباع دولتهای امضاء کننده اعتبار دارند و شامل اتباع دولتهای دیگر، مگر درباره اتباع دولتهای بهره مند از شرط دول کامله الوداد نمی گردند.

#### ۲. عهدنامه های چند جانبه [ Multi lateral Treaties ]

عهدنامه های چند جانبه یا عهدنامه های سیاسی بین سه دولت یا بیشتر منعقد می شود و نسبت به تمام کشورهای شرکت کننده در قرارداد لازم الاجرا هستند. عهدنامه های چند جانبه را اونیون (اتحادیه) و یا «عهدنامه های اونیون» و یا «قراردادهای اونیون» نیز می گویند. به طور کلی منظور از اونیون این است که با انعقاد این قراردادها، گروه زیادی از دولتها، تحت یک رشته مقررات حقوقی مشترک قرار گیرند.

در عهدنامه های جمعی، گروهی کم و بیش گسترده از دولتها با یک هدف، یعنی تنظیم قاعده های ذاتی مشترک در زمینه موضوعی معین گرد هم می آیند و با مشارکت یکدیگر و با عقد عهدنامه، حقوق راجع به آن موضوع را میان خود یکسان

<sup>۱</sup> دکتر محمد نصیری، حقوق بین الملل خصوصی، جلد اول و دوم، انتشارات آگاه

<sup>۲</sup> دکتر بهشید ارفع نیا، حقوق بین الملل خصوصی، جلد اول، انتشارات آگاه

می‌سازند و در روابط میان خود همان حقوق را مراعات می‌کنند. گرچه انعقاد این گونه عهدنامه‌ها و حصول اتفاق نظر درباره یکایک قاعده‌های منعکس در آنها، به لحاظ کثرت دولتهای شرکت کننده در آنها با دشواری همراه است، در مقابل، پس از نهایی و قطعی شدن و به اجرا در آمدن آنها این امتیاز نصیب همگی آن دولتها می‌گردد که درباره روابط میان آنها در خصوص موضوع هر عهدنامه حقوقی یکسان به وجود می‌آید و امکان برخورد میان قوانین آنها در آن موضوع به ظاهر متفی می‌شود و در برخی از این عهدنامه‌ها حتی در مورد قضایایی هم که امکان ایجاد قاعده ذاتی مشترک در میان نباشد به تنظیم قاعده‌ای مشترک برای حل تعارض قوانین مبادرت می‌گردد. بدین گونه، بر اثر عقد هر عهدنامه گروهی می‌تواند اتحادیه‌ای در زمینه موضوع آن عهدنامه میان امضاء کنندگان پدید آید که شمار اعضای آن ممکن است در آینده با پیوستن دولتهای دیگر به آن افزایش، یا با خروج برخی از آنها کاهش یابد. مسأله‌ای دیگر آنکه این گونه عهدنامه‌ها، برای تطبیق با ضرورت‌های جدید می‌توانند هر چند سال یک بار مورد تجدیدنظر و اصلاح واقع گردند و چون ممکن است برخی از امضاء کنندگان آنها با آن اصلاحات موافق نباشند با محفوظ ماندن اعتبار متنهای قدیمی تر متن جدید تنها درباره دولتهایی که آن اصلاحات را بپذیرند اعتبار پیدا می‌کند و هر دولت جدید می‌تواند الحاق خود را به هر یک از آن متن‌ها اعلام دارد.

برخی از عهدنامه‌های جمعی یا اتحادیه‌های راجع به حقوق بین الملل خصوصی که دولت ایران الحاق خود را به آنها اعلام داشته است عبارتند از: اتحادیه پاریس درباره حمایت مالکیت صنعتی و تجاری و کشاورزی، مورخ سال ۱۸۸۳ میلادی، تجدیدنظر شده مورخ ۲ ژوئن ۱۹۳۴ میلادی در لندن، در سال ۱۳۳۷ ه. ش اعلام داشته است:

عهدنامه‌های گروهی برن درباره حمل و نقل با راه آهن، مورخ ۱۸۹۰ م، تجدیدنظر شده در سال ۱۹۷۰ م، الحاق دولت ایران به آن در سال ۱۳۵۳ ه. ش صورت گرفته است؛ عهدنامه ژنو درباره حمل و نقل در جاده‌ها، مورخ ۱۹۵۹ م، الحاق دولت ایران به آن در سال ۱۳۵۰ ه. ش انجام پذیرفته است؛ قرارداد پستی عمومی و مقاله نامه راجع به امانات پستی و مقاله نامه راجع به مرسولات و جعبه‌های با قیمت و مقاله نامه بروات پستی منعقد در کنگره پستی استکهلم (اوت ۱۹۲۴ م) و کنگره پستی لندن (ژوئن ۱۹۲۴ م)، الحاق دولت ایران به آنها در سالهای ۱۳۰۸ و ۱۳۰۹ ه. ش بوده است.

گذشته از عهدنامه‌های یاد شده شایسته است به برخی از عهدنامه‌های جمعی دیگر که به حقوق خصوصی بین المللی مربوط می‌گردند در اینجا اشاره شود، مانند: اتحادیه برن درباره مالکیت ادبی و هنری، مورخ ۱۸۸۶ م، تجدیدنظر شده در سال ۱۹۷۱ در پاریس، عهدنامه همگانی ژنو درباره حق مؤلف، مورخ ۱۹۵۲ م، تجدیدنظر شده در سال ۱۹۷۱ م در پاریس، اتحادیه‌های ورشو مورخ ۱۹۲۹ م و رم مورخ ۱۹۳۳ م؛ عهدنامه فروش بین المللی اشیای منقول مادی، لاهه مورخ ۱۹۶۴ م و وین مورخ ۱۹۸۰ م. در حقوق کار نیز بر اثر کوششهای مستمر دفتر بین المللی کار در ژنو تعدادی معاهده‌های گروهی انعقاد یافته‌اند، از آن جمله است مقاله نامه بین المللی شماره ۱۹ مربوط به تساوی رفتار نسبت به کارگران داخلی و خارجی از لحاظ جبران خسارت ناشی از کار که دولت ایران الحاق خود را به آن در سال ۱۳۵۱ ه. ش اعلام داشته است.

کنفرانس حقوق بین الملل خصوصی لاهه از مراجع بین المللی برجسته‌ای است که بیش از یکصدسال مساعی خود را در راه یکنواخت کردن قاعده‌های تعارض قوانین و انعقاد عهدنامه‌های گوناگون در زمینه حقوق خصوصی بین المللی به کار برده است. برای تشکیل این کنفرانس ابتدا دولت ایتالیا، به تشویق مانچینی حقوقدان بنام آن کشور در سال ۱۸۷۴ م از دولتهای اروپایی دعوت به عمل آورد.

اندیشه مانچینی نه تنها سبب پی ریزی کنفرانس حقوق بین الملل خصوصی لاهه میان کشورهای منطقه اروپا و شکفتگی منبع بین المللی این نوع حقوق، یعنی عهدنامه‌های گروهی در آن منطقه گردید، بلکه در منطقه آمریکای لاتین نیز برای رسیدن به نتایجی همانند آن نتایج زمینه‌ای مساعد یافت.

از جمله، تشکیل ششمین کنگره پان آمریکن در سال ۱۹۲۸ در هاوانا حاصل کار آن تدوین **کدبوستامانت** در چهار جلد، مشتمل بر ۴۳۷ ماده، حاوی قاعده‌های مشترک در اطراف چهار موضوع اصلی: حقوق مدنی، حقوق تجاری، حقوق آیین دادرسی و حقوق کیفری بین المللی می‌باشد. این عنوان خود از نام حقوقدان برجسته کوبایی فراهم سازنده آن به همین نام گرفته شده



است. این مجموعه بی مانند، در نوع خود در آغاز از سوی ۱۵ کشور به امضاء رسید ولی پس از آن از شمار شرکت کنندگان در آن کاسته شد و به ده کشور کاهش یافت. برای این مجموعه نیز، مانند عهدنامه لیمبا، با وجود ارزش نظری مترتب بر آن ارزش عملی قائل نمی باشند. در این مجموعه به قانون ملی رجحان داده شده و حال آنکه در عهدنامه های مربوط به کنگره مونتو ویدئو قانون اقامتگاه مرجح شمرده شده است.

#### ب- اجرای عهدنامه ها [ تعارض بین عهدنامه و قانون داخلی ]

هنگامی که عهدنامه ای بین دو یا چند دولت منعقد می شود، به طبع مفاد آن در روابط بین دول متعاقد لازم الاجرا است. بنابراین طرفین می توانند اجرای آنها را از یکدیگر بخواهند یا با توافق و یا انجام تشریفات مخصوص آن قرارداد را فسخ نمایند. اما در رابطه بین هر یک از دول متعاقد و افراد، عهدنامه در کشورهای مختلف، مقامی در ردیف یا بالاتر از قانون دارد. مثلاً در ایران عهدنامه حکم قانون را دارد زیرا ماده ۹ قانون مدنی تصریح دارد که: «مقررات عهدی که بر طبق قانون اساسی بین دولت ایران و سایر دول منعقد شده باشد در حکم قانون است».

درست است که در این ماده مقررات عهدنامه ای در حکم قانون تلقی گردیده ولی اجرای این مقررات را چه بسا نتوان مانند قانون بدون بررسی مقدماتی و احراز اعتبار و قابل اجرا بودن آنها در دادگاه به موقع اجرا گذارد، و این تفاوت ناشی از آن است که اگر قانون، در اصل، عام و دائمی می باشد، عهدنامه موقت و نسبی است. ممکن است عهدنامه ای به درستی انعقاد یافته و اسناد آن میان دولتها مبادله شده باشد ولی مانند قانون به انتشار آن مبادرت نشده باشد. در این صورت دادگاه در برابر این پرسش قرار می گیرد که آیا می تواند آن را مانند قانون اجرا کند. در حقوق ایران در این باره مقرراتی خاص وضع نشده است. با این وصف اگر دادگاه مقررات مواد ۲ و ۳ قانون مدنی را درباره ضرورت انتشار قانون، ملاک قرار دهد می تواند حکم دو ماده یاد شده را عام و شامل مقررات عهدنامه ای نیز بداند. بنابراین همانگونه که بین مفاد دو قانون داخلی ممکن است تعارض پدید آید، بین عهدنامه و قانون داخلی نیز تعارض پیش می آید و دو حالت می توان تصور کرد:

#### ۱. قرارداد موخر بر قانون داخلی است

در این صورت همانطور که یک قانون موخر می تواند نسخ قانون قبلی باشد، قرارداد موخر نیز تا حدی که معارض قانون داخلی است، نسخ آن محسوب می شود. اما چنانچه قانون عام و عهدنامه خاص باشد، مثلاً در کشوری قانونی وضع شده باشد که به موجب آن خارجیان ملزم به پرداخت نوعی مالیات باشند، سپس این کشور با کشور دیگری عهدنامه ای منعقد نماید که مطابق آن اتباع یک کشور خاص یعنی کشور طرف معاهده از پرداخت آن نوع مالیات معاف باشند، در این صورت قانون و عهدنامه هر دو اجرا می شوند زیرا تعارضی بین آن دو وجود ندارد.

#### ۲. قانون موخر بر قرارداد است

در اینجا موضوع به سادگی حالت قبل نیست. زیرا قرارداد از اداره مشترک دو یا چند دولت حاصل شده و اراده واحد یکی از این دول نمی تواند، با وضع یک قانون جدید، که معارض آن قرارداد باشد، مقررات آنرا فسخ نماید. در این حالت باید توجه کرد که از نظر صحیح بودن یا نبودن وضع قانون موخر، قانون اساسی کشورها تا حدودی تکلیف را روشن می کند. مثلاً قانون اساسی فرانسه قراردادهای بین المللی را مافوق قانون می داند و قانون مدنی ایران قراردادهای بین المللی را در حکم قانون می داند و حتی همان تشریفات تصویب قوه مقننه باید در مورد آنها اعمال شود. اصل ۷۷ قانون اساسی جمهوری اسلامی می گوید:

«عهدنامه ها، مقاله نامه ها، قراردادها و موافقت نامه های بین المللی باید به تصویب مجلس شورای ملی برسد» اصل ۱۲۵ قانون اساسی ایران در تکمیل اصل فوق الذکر اعلام می دارد: امضای عهدنامه ها، موافقت نامه ها و قراردادهای دولت ایران با سایر دولتها و همچنین امضای پیمانهای مربوط به اتحادیه های بین المللی پس از تصویب مجلس شورای اسلامی با رییس جمهور یا نماینده قانونی اوست».

استثنایی که قانونگذار جمهوری اسلامی ایران در مورد امضاء قراردادها قائل شده در اصل ۱۵۳ قانون اساسی بدین صورت ذکر شده است: «هرگونه قراردادی که موجب سلطه بیگانه بر منابع طبیعی و اقتصادی، فرهنگی، ارتش و دیگر شئون کشور گردد ممنوع است».

ماده ۹ قانونی مدنی ایران می‌گوید: «مقررات عهدی که بر طبق قانون اساسی بین دولت ایران و سایر دول منعقد شده باشد در حکم قانون است». بنابراین در حقیقت در مورد تعارض بین عهدنامه و قانون داخلی، در ایران باید مثل مورد تعارض بین دو قانون رفتار کرد و قانون موخر را تا حدودی که با عهدنامه تعارض دارد ناسخ آن دانست. منتها چون عهدنامه ناشی از اراده مشترک دو یا چند دولت است، دولت ناسخ عهدنامه در مقابل دیگر دولتهای امضاء کننده عهدنامه از نظر بین‌المللی مسئولیت خواهد داشت. اما قاضی معمولاً حق ندارد به علت مخالف بودن قانون با عهدنامه سیاسی، یا حتی با قانون اساسی از اجرای آن خودداری کند. بطوریکه در کشور فرانسه نیز، که عهدنامه مافوق قانون دانسته شده، اگر قانونی به تصویب برسد که معارض عهدنامه سابق باشد، قاضی مجبور است قانون داخلی کشور خود را اجرا نماید. زیرا تشخیص موافق بودن یا نبودن مقررات یک قانون با قانون اساسی از وظایف قاضی نیست. برای تشخیص مطابقت قانون با قانون اساسی در بعضی کشورها مثل آمریکا دادگاه خاصی وجود دارد و قضات این دادگاه مکلفند قوانینی را که به تصویب می‌رسند بررسی نمایند، تا مخالفتی با قانون اساسی نداشته باشند. اصل نود و ششم قانون اساسی در این مورد اظهار می‌دارد: «تشخیص عدم مغایرت مصوبات مجلس شورای ملی با احکام اسلام با اکثریت فقهای شورای نگهبان و تشخیص عدم تعارض آنها با قانون اساسی بر عهده اکثریت همه اعضای شورای نگهبان است».

به طور کلی می‌توان به صورت زیر آثار وصف عهدنامه را بیان نمود:

۱. عهدنامه‌ای که بر طبق مقررات قانون اساسی بین دولت ایران و دولت یا دولتهای دیگر منعقد می‌شود، می‌تواند قانون داخلی را نقض کند و حال آنکه قانون بعدی به هیچ وجه نمی‌تواند ناقض تمام یا قسمتی از آن عهدنامه باشد.
۲. تفسیر بین‌المللی عهدنامه، با موافقت سایر دولتهای امضاء کننده میسر می‌باشد و همچنین است تغییر مواد یا تعلیق و یا نسخ عهدنامه.
۳. در صورتی که عهدنامه‌ای شامل «شرط رفتار متقابل» باشد، مشخص انجام شرط دولت است (نه قاضی دادگاه) که لدی‌الاقضاء می‌تواند آن عهدنامه را فسخ نماید.

#### آثار وصف بین‌المللی عهدنامه

۱. در صورت بروز اختلاف بین متن ایرانی و متن خارجی عهدنامه، در صورتی که تصمیم دیگری بین طرفین اتخاذ نشده باشد، متن ایرانی سندیت دارد.
۲. مادام که عهدنامه، طبق مقررات قانون انتشار نیافته است، دادگاه نمی‌تواند مقررات آن را به موقع اجرا بگذارد.
۳. تفسیر متن عهدنامه، مثل قانون داخلی، تحت نظارت دیوان کشور انجام می‌گیرد.

#### آثار وصف داخلی عهدنامه

#### ج - تفسیر عهدنامه

همانطور که قوانین داخلی در مواردی که مبهم باشند باید تفسیر شوند، عهدنامه‌ها نیز اگر در قسمتی دارای ابهام باشند باید مورد تفسیر قرار گیرند. برای تفسیر عهدنامه چند طریق می‌توان ذکر کرد:

##### ۱. تفسیر دولتی [تفسیر توسط دولتهای متعاقد]

همانطور که برای تفسیر یک قانون، ممکن است قانونگذار، قانون دیگری در تکمیل آن، به نام قانون تفسیری وضع نماید، در مورد عهدنامه نیز ممکن است دولتهای متعاقد، قرارداد دیگری، برای تفسیر قسمتهایی از عهدنامه که مورد اختلاف است، منعقد نمایند. برای این کار دول متعاقد از طریق وزارت خارجه خود، به مبادله نامه مبادرت می‌ورزند و پس از اینکه تفسیر به تصویب مقامات صلاحیت دار کشورهای طرف معاهده رسید، الزام آور می‌گردد. بدین طریق عهدنامه‌ای که از اراده مشترک دولتها ناشی شده است، مطابق اراده مشترک دولتها نیز تفسیر می‌شود.

به عبارتی، صلاحیت تفسیر عهدنامه ها را، به لحاظ آنکه عاقد و مسئول اجرای آنها دولت است در اصل، خود دولت بر عهده دارد. اصل تفکیک قوانین، دلیل صلاحیت دولت در این باره است و اگر صلاحیت تفسیر قضایی عهدنامه ها برای دادگاهها نیز قابل نفی نمی باشد باید آن را صلاحیت استثنایی دانست که به صلاحیت عام دولت در این باره زیان نمی رساند. چنانکه دادگاهها نیز می توانند، در صورت اقتضاء برای پرهیز از ایجاد شورای برای دولت از تفسیر خودداری و نظر دولت را درباره آن استفسار نمایند.

تفسیر دولت از عهدنامه با تفسیر دادگاه از آن از این حیث متفاوت است که تفسیر اخیرالذکر با حضور طرفین دعوی و استماع توضیحات آنها به عمل می آید و تفسیر دولت بر حسب معمول با تبادل نظر با دولت امضاء کننده صورت می گیرد. افزون بر این درباره آن تشریفات ضروری راجع به اصل عهدنامه، از حیث تصویب، امضاء و انتشار نیز مراعات می گردد و تفسیری که بدین گونه صورت می پذیرد جزء عهدنامه تلقی می گردد و در روابط میان دولتهای امضاء کننده مؤثر می باشد.

اگر تفسیر دولت از عهدنامه بر حسب تقاضای دادگاه باشد شکل این تفسیر می تواند با شکل تفسیری که دولت بنا به نیاز خود انجام می دهد متفاوت باشد، به این معنی که ممکن است دولت بنا به جهاتی، نخواهد درباره آن با دولت طرف معاهده تبادل نظر کند، در این صورت اعلام نظر یک جانبه دولت به امضای عالی ترین مقام اجرایی که برحسب قانون عهده دار امضای عهدنامه می باشد برای دادگاه کافی است. این مقام طبق قانون اساسی ایران رئیس جمهور است.

ممکن است تفسیر عهدنامه ای از سوی دادگاه از دولت خواسته شود و دولت به جهتی از تفسیر خودداری کند یا پاسخ ندهد، در این صورت دادگاه می تواند برای آنکه مستنکف از احقاق حق تلقی نگردد از دریافت پاسخ چشم پوشی کند و خود درباره آن نظر دهد و نیز ممکن است تفسیر دولت در قضیه ای مربوط به حقوق خصوصی به نظر دادگاه با اصول و قواعد منطبق نباشد در این حالت هم دادگاه ناگزیر از پیروی از نظر تفسیری دولت نیست.

#### ۲. تفسیر بین المللی [تفسیر توسط مراجع قضایی یا داوری بین المللی]

منظور از تفسیر بین المللی عهدنامه تفسیری است که از آن سوی مراجع قضایی یا داوری بین المللی، بر حسب صلاحیتی که برای آنها از سوی طرفین عهدنامه شناخته شده به عمل می آید. این تفسیر ممکن است ضمن رسیدگی و اظهار نظر نسبت به اختلاف راجع به یکی از قضایای مشمول عهدنامه و یا به طور مستقل صورت پذیرد. در حالت اخیر موضوع اختلاف میان دولتها اختلافی است راجع به معنای متن که طرفین نتوانسته اند درباره آن به تفسیری مشترک دست یابند. صلاحیت مراجع قضایی و داوری دائمی بین المللی در تفسیر عهدنامه عام و دائمی است مانند صلاحیت دیوان دادگستری بین المللی در این باره که به آن در بند «الف» از بخش ۲ ماده ۳۶ اساسنامه آن دیوان تصریح گردیده، یا صلاحیت دیوان دائمی داوری بین المللی که به آن در بند «الف» ماده ۳۶ اساسنامه آن دیوان تصریح و دولت ایران طی قانون مصوب ۲۳ خردادماه ۱۳۱۰ به آن ملحق شده است.

در مواردی هم میان دولتهای امضاء کننده یک عهدنامه برای تشکیل دادگاه داوری خاص در این زمینه موافقت صورت می گیرد، مانند: مندرجات ماده ۴ عهدنامه مودت میان دولتهای ایران و سوئیس منعقد در سال ۱۳۱۳ ه. ش به این عبارت: «طرفین متعاهدین موافقت دارند کلیه اختلافاتی را که بین آنها در موضوع اجرا یا تفسیر مقررات کلیه عهود و قراردادهای منعقد یا عهود و قراردادهایی که منعقد گردد و من جمله راجع به همین عهدنامه به ظهور برسد و به طریق دوستانه به وسایل سیاسی عادی در مدت متناسبی تسویه نگردد به حکمیت رجوع نمایند».

تفسیری که به این ترتیب از سوی مراجع بین المللی یاد شده به عمل می آید باید جزء مکمل عهدنامه تلقی گردد. بنابراین مراعات آن از سوی دادگاههای داخلی مانند خود عهدنامه به نظر لازم است. با این حال آن گونه که باتیفل درباره رویه قضایی فرانسه یادآور شده این تفسیر همواره با تفسیر داخلی برابر نیست و این تفاوت به نظر وی ناشی از آن است که قضات بین المللی کمتر به قانونگذاری داخلی دولتهای طرف عهدنامه اعتنا می کنند، خاصه آنکه در صورت مشاهده اختلاف میان عهدنامه و قانون برای قضات

بین المللی عهدنامه دارای ارزش برتر می باشد؛ چنانکه درباره برتری تعهدهای بین المللی دولتها بر قانونگذاری های داخلی آنها در رأی مورخ ۷ ژوئن ۱۹۳۲ میلادی دیوان دائمی دادگستری بین المللی به این عبارت تصریح گشته است: یک دولت نمی توند برای محدود ساختن ارزش تعهدهای بین المللی خود به قانونگذاری داخلی خود تمسک جوید<sup>۱</sup>.

### ۳. تفسیر داخلی [تفسیر توسط قاضی داخلی]

قاضی هر کشور، در هنگام طرح مسائل بین المللی، حق دارد عهدنامه ای را که نکات ابهامی دارد تفسیر نماید. به همان ترتیب که اگر قانون داخلی نیز مبهم باشد، قاضی صلاحیت دارد، آنرا به منظور احقاق حق افراد تفسیر نماید. البته این تفسیر هیچگاه نمی تواند ارزش تفسیر قانونی را داشته باشد. زیرا اعتبار آن نسبی است، یعنی فقط در همان دعوی بخصوص و بین همان مدعی و مدعی علیه معتبر است. حتی خود آن قاضی، در موارد مشابه، مجبور به تبعیت از این تفسیر نیست. در حالیکه تفسیر قانونی اعتبار قانون را دارد و برای همگان لازم الاجرا است. در مورد اختیارات قاضی ایران در تفسیر عهدنامه باید به ماده ۹ قانون مدنی ایران و اعتباری که قانون ایران برای عهدنامه قائل است توجه نمود. چون ماده ۹ قانون مدنی، عهدنامه را در حکم قانون دانسته است، بنابراین قاضی، برای تفسیر قانون دارا است مگر اینکه در متن عهدنامه دادگاهها از تفسیر عهدنامه بین المللی دارای همان اختیاراتی است که برای تفسیر عهدنامه ممنوع شده باشند یا موضوع عهدنامه بین المللی به طریقی به حقوق عمومی مربوط شود. در اکثر کشورها، مانند ایالات متحده آمریکا، انگلیس، فرانسه، آلمان، ایتالیا و یونان، اصل صلاحیت دادگاهها برای تفسیر عهدنامه های بین المللی (البته در هنگام اجرای آن) پذیرفته شده است.

### د- پایان عهدنامه ها

عهدنامه ممکن است به علت انقضاء مدت، لغو آن توسط قانون یا عهدنامه مخالف، فسخ، جنگ، تغییر اوضاع و احوال اثر خود را از دست بدهد:

#### ۱. انقضاء مدت

در صورتیکه عهدنامه برای مدت معینی منعقد شده باشد پس از انقضاء مدت اثر، بدون اینکه محتاج به تصویب پارلمان باشد قطع می گردد.

#### ۲. لغو عهدنامه توسط قانون یا عهدنامه مخالف

همان طور که یک قانون جدید می تواند قانون ماقبل خود را لغو نماید، عهدنامه نیز می تواند عهدنامه سابق را از اعتبار بیندازد. عبارت دیگر پس از توافق دولتهای متعاقد بر لغو عهدنامه، این امر را با عقد معاهده ای جدید یا وضع قانونی مبتنی بر لغو آن عهدنامه در هر یک از کشورهای متعاقد، می توان انجام داد.

#### ۳. فسخ عهدنامه

ممکن است در عهدنامه، حق فسخ پس از طی شرایطی مانند انقضاء مدتی مشخص، پیش بینی شده باشد: مثلاً در قرارداد اقامت و دریانوردی، منعقد بین ایران و فرانسه، مصوب ۱۳۴۵، ماده ۱۵ اعلام می دارد:

«مدت اعتبار این قرارداد ۵ سال است و پس از این مدت نیز تا وقتی که یکی از طرفین تصمیم خود را مبنی بر فسخ آن با اطلاع قبلی شش ماهه به طرف دیگر ابلاغ ننماید همچنان معتبر خواهد بود.»

حال اگر دولتی، بدون رعایت شرایط لازم، عهدنامه را فسخ نماید، در مقابل دولت طرف معاهده مسئول است. ولی قضات داخلی این کشور موظف به پیروی از تصمیم دولت نمی باشند. زیرا قاضی نمی تواند عمل قوه مجریه را کنترل نماید.

#### ۴. جنگ

هرگاه عهدنامه راجع به حقوق عمومی باشد، در صورت حدوث جنگ بین کشورهای متعاقد، اثر خود را از دست می دهد، مگر اینکه اصولاً عهدنامه با آغاز جنگ به موقع اجرا گذاشته شود، یعنی مقررات آن مربوط به اوضاع و احوال زمان جنگ باشد. اما در مورد عهدنامه های مربوط به حقوق خصوصی بعضی عقیده دارند که هر نوع قراردادی اعم از قراردادهای مربوط

<sup>۱</sup> دکتر محمود سلجوقی، منبع پیشین

به حقوق عمومی و قراردادهای مربوط به حقوق خصوصی بین دولتهایی که در حالت جنگ هستند از اعتبار می‌افتند و بعضی دیگر عقیده دارند که عهدنامه‌های مربوط به حقوق خصوصی در مدت جنگ فقط معلق می‌مانند و پس از جنگ دوباره می‌توانند به موقع اجرا در آیند.

##### ۵. تغییر اوضاع و احوال

از آنجا که کشورها در زمان تنظیم عهدنامه بین‌المللی، اوضاع و احوال زمان انعقاد قرارداد را در نظر می‌گیرند و با توجه به آن، در مورد مسائلی توافق می‌نمایند هرگاه پس از انعقاد قرارداد در آن اوضاع و احوال تغییراتی حاصل شود، مسلماً این امر می‌تواند موجب ایجاد تغییراتی در عهدنامه گردد. اما باید توجه داشت که:

اولاً تغییر اوضاع و احوال باید غیر قابل پیش‌بینی بوده، منوط به عمل خود دولت نباشد.

ثانیاً تغییر اوضاع و احوال هیچگاه به خودی خود نمی‌تواند عهدنامه را لغو کند، بلکه موجب می‌شود که دولتهای متعاقد برای انطباق قرارداد با وضعیت جدید، در قرارداد قبلی تجدید نظر نمایند و یا قرارداد جدیدی وضع نموده و قرارداد قبلی را لغو نمایند.

#### بند دوم - رویه قضایی بین‌المللی

رویه قضایی در حقوق بین‌الملل خصوصی توسعه زیادی نیافته است زیرا اولاً باید صلاحیت دادگاه بین‌المللی که دعوی به آن ارجاع می‌شود مورد قبول کشورها باشد و دولتها کمتر حاضر می‌شوند از طریق تبعیت از مقررات یک دادگاه بین‌المللی خود را محدود نمایند. ثانیاً تعداد آن دسته از دعاوی که به مراجع یا دادگاههای بین‌المللی ارجاع می‌شوند، بسیار محدود است، زیرا فقط دعاوی مطروحه بین دول به این دادگاهها ارجاع می‌شوند و دعاوی بین افراد در روابط بین‌المللی، معمولاً در دادگاههای داخلی کشورها حل و فصل می‌گردند. مگر این که دولت متبوع فردی، وظیفه مراجعه به دادگاه بین‌المللی را به عنوان حمایت سیاسی، به عهده بگیرد.

اما در حال حاضر در بعضی مراجع بین‌المللی، برای تسهیل امور افراد، به آنها اجازه داده می‌شود که به تنهایی و بدون تقاضای حمایت سیاسی از دولت متبوع، جهت احقاق حق مراجعه نمایند. دادگاه داوری ایران و آمریکا که به موجب بیانیه الجزایر مصوب ۲۹ دی ماه ۱۳۵۹ برابر ۱۹ ژانویه ۱۹۸۱ جهت رسیدگی به دعاوی اشخاص علیه آمریکا و ایران تشکیل شده است نمونه بارز این مراجع است. بنابراین می‌توان پیش‌بینی کرد که رویه قضایی بین‌المللی نیز در آینده بتواند نقش موثرتری را به عنوان منبع حقوقی، در حقوق بین‌الملل خصوصی، ایفا نماید.

۱. تعهدات بین‌المللی هر دولت، آزادی قانونگذاری او را محدود می‌کند (رأی مشورتی ۱۵ سپتامبر ۱۹۲۳، در مورد تحصیل تابعیت لهستان).

۲. در مورد تابعیت، دولتها هیچ تعهدی نسبت به یکدیگر به جز آنچه از معاهدات ناشی می‌شود ندارند (رأی مشورتی ۷ فوریه ۱۹۲۳، در مورد اختلاف بین فرانسه و انگلیس، راجع به تابعیت بعضی اهالی جزیره مالت که در تونس ساکن بودند و تصویب‌نامه قانونی اتباع کشور فرانسه نسبت به اطفال متولد در تونس و مراکش).

۳. سلب مالکیت و مصادره اموال بیگانگان بدون پرداخت غرامت بر خلاف حقوق مشترک بین‌المللی است (رأی مورخ ۲۵ مه ۱۹۲۶، در خصوص مسأله Chorzwow راجع به سلب مالکیت دولت لهستان از کارخانه‌های آلمانی که در خاک لهستان واقع شده بودند).

۴. قواعد حقوق بین‌الملل خصوصی جزء حقوق داخلی است مگر این که این قواعد در اثر قرارداد یا عرف بین‌المللی بین دولتها مشترک باشد، در این صورت جزء حقوق بین‌الملل، که تنظیم‌کننده روابط بین دولتها است، به شمار خواهد آمد (آرای شماره ۱۴ و ۱۵ مورخ ۱۲ ژوئیه ۱۹۲۹، در مورد اوراق منتشره در فرانسه به وسیله دولتهای یوگسلاوی و برزیل).

۵. هرگاه رابطه تابعیت فردی با دولتی کافی و واقعی و مؤثر نباشد این دولت نمی‌تواند از او به عنوان تبعه خود حمایت نماید (رأی ۶ آوریل ۱۹۵۵، در مورد اختلاف بین لیختن اشتاین و گواتمالا در مسأله تابعیت نته بام).

### بند سوم - عرف بین المللی

عرف بین المللی، مشمول همان تعریفی است که در حقوق داخلی دارد؛ به این معنی که از یک عادت مستمری که لازم الاجرا شده است تشکیل می شود. به عبارت دیگر عرف بین المللی، عبارت از یک قاعده حقوقی است که دولتها طی مدت مدیدی در روابط بین خود آن را رعایت کرده اند به طوری که در وجدان عمومی آنها به تدریج یک جنبه الزامی پیدا کرده است. هر عرف بین المللی یک عرف «حقوق عام» مردم جهان است که گاهی نیز موضوع آن یک قاعده حقوق بین الملل خصوصی می باشد. مثلاً راجع به وضع اتباع بیگانه، عرف بین المللی بر این قاعده مستقر شده که هر دولتی باید حداقل حقوقی برای اتباع کشورهای دیگر که در قلمرو حکومت او اقامت دارند، بشناسند و کمتر از آن را عرف بین المللی اجازه نمی دهد. همچنین عرف بین المللی اقتضا دارد که از اتباع خارجه بدون تأدیه قیمت عادلانه، خلع مالکیت نشود و بالاخره همین عرف بین المللی، ایجاب می کند که بیگانگان به محاکم محل اقامت خود دسترسی داشته و حق ترافع قضائی داشته باشند. در حقوق بین الملل خصوصی عرف و عادت که جنبه الزامی پیدا کرده باشد و از طرف همه دولتها رعایت شود بسیار کم وجود دارد. در حالیکه در حقوق بین الملل عمومی عرف بین المللی به میزان بیشتری یافت می شود. قواعد معدودی که به صورت عرف بین المللی درآمده و قابل قبول کلیه کشورها است عبارتند از:

- \* اموال غیر منقول تابع قانون محل وقوع مال می باشد.
- \* شکل اسناد تابع قانون محل تنظیم سند است.
- \* آیین دادرسی تابع قانون مقر دادگاه است.
- \* شناختن حداقل حقوق برای بیگانگان.

لازم به ذکر است که بسیاری از این قبیل قواعد که در ابتدا به صورت عرف بوده اند در حال حاضر جای خود را در قوانین کشورها باز کرده و جنبه قانونی یافته اند.

### بند چهارم - اصول کلی بین المللی

با توجه به اینکه در حقوق بین الملل، اعم از خصوصی و عمومی، موضوع از سطح یک کشور خارج بوده و مربوط به دو یا چند کشور می گردد، لازم است بعضی قواعد کلی که به صورت اصل مورد قبول کشورها قرار گرفته است در روابط فیما بین رعایت گردد، تا در نتیجه تا حدودی نقیصه ای که به علت عدم ضمانت اجرا در حقوق بین الملل وجود دارد رفع گردد. اصولی که در سطح بین الملل خصوصی مورد قبول کشورها است عبارتند از:

اصل وفای به عهد، اصل احترام به قول، اصل احترام به حقوق مکتسبه، اصل رعایت حقوق بیگانگان و غیره.

### بند پنجم - دکترین

دکترین، یک منشاء مستقیم حقوق نیست، ولی به طور غیرمستقیم در ایجاد تفسیر و اعمال قواعد حقوق تأثیر به سزا دارد و این تأثیر عملاً یا به وسیله آموزش و یا در اثر تفسیر و گزارش های کتبی و یا تحقیقات و تنبعات انجمن های علمی انجام می گیرد.

#### ۱. آموزش

واضح است افکار و نظریه های که در دانشکده ها یا آموزشگاه های حقوق تدریس می شود، بالاخره در کسانی که بعدها، روزی قانونگذار یا قاضی می شوند، اثر خود را می گذارند. قانونگذار یا قاضی چیزی از خود اختراع نمی کند، بلکه نظری از نظریه های که آموخته است به موقع اجرا درمی آورد و بدین ترتیب دکترین عامل غیرمستقیم ایجاد حقوق می گردد.

#### ۲. تفسیرها و گزارش های کتبی

در این زمینه آنچه بیشتر جلب توجه می کند، گزارش های مستشاران دیوان کشور در موضوعات مطروحه در آن محکمه عالی می باشد. هر وقت شما گزارشی از این قبیل می خوانید، می بینید عقاید مختلف علمای حقوق، خواه ناخواه اثر خود را آشکار ساخته و در حقیقت دیوان کشور یکی از عقایدی را که آنان راجع به مسئله بیان کرده اند ترجیح داده است.

**۳. تحقیقات و تبعات انجمن‌های علمی**

غالب انجمن‌ها و موسسات حقوقی بین‌المللی و موسسات حقوقی تطبیقی، به طور مداوم در زمینه مسائل مختلف حقوق بین‌الملل خصوصی تحقیق و تتبع می‌نمایند و نتیجه این مطالعات به صورت گزارشات علمی در مجلات حقوق بین‌الملل خصوصی درج می‌گردد. کوشش‌های کنفرانس‌های حقوق بین‌الملل خصوصی لاهه و موسسه رم، برای وحدت حقوق خصوصی، در این زمینه شایان توجه خاص می‌باشد. مهمترین نشریه مرتبی که در مورد مسائل حقوق بین‌الملل خصوصی منتشر می‌گردد، مجله انتقادی حقوق بین‌الملل خصوصی است که زیر نظر پروفیسور باتیفول در فرانسه منتشر می‌شود.

\*\*\*

## فصل سوم

## پرسشنامه

- ۱- حقوق بین الملل خصوصی به اعتبار کدام یک از مسائل زیر سبب بهتر فهمیدن سایر رشته‌های حقوق می‌شود؟  
 الف- احاله  
 ب- تقلب نسبت به قانون  
 ج- توصیف قضایی  
 د- نظم عمومی
- ۲- یکی از تفاوت های حقوق بین الملل خصوصی و حقوق خصوصی داخلی مربوط است به ..... این دو رشته.  
 الف- منابع  
 ب- موضوع  
 ج- ضمانت اجرا  
 د- مرجع رسیدگی به اختلافات
- ۳- قواعد حقوق بین الملل خصوصی در هر کشور.....  
 الف- به موجب قواعد و مقررات ناشی از روابط دولتهاست.  
 ب- به موجب تعهدات پذیرفته شده در عهدنامه های بین المللی است.  
 ج- ناشی از مصوبات سازمانهای بین المللی است.  
 د- ناشی از قانونگذاری داخلی هر کشور است.
- ۴- حقوق بین الملل خصوصی از لحاظ شیوه حل مسائل شبیه حقوق ..... است.  
 الف- بین الملل عمومی  
 ب- جزای بین الملل  
 ج- داخلی  
 د- مالیه بین المللی
- ۵- وجه اشتراک حقوق بین الملل خصوصی و حقوق بین الملل عمومی در ..... آنهاست.  
 الف- جنبه بین المللی  
 ب- ضمانت اجرایی  
 ج- منابع  
 د- موضوع
- ۶- وجه افتراق حقوق بین الملل خصوصی و حقوق خصوصی داخلی در .... است.  
 الف- ضمانت اجرایی و منابع  
 ب- عنصر خارجی و ضمانت اجرایی  
 ج- منابع و عنصر خارجی  
 د- منابع و مرجع رسیدگی به اختلافات
- ۷- وجه افتراق حقوق بین الملل خصوصی و حقوق بین الملل عمومی در ..... آنهاست.  
 الف- موضوع و جنبه بین المللی  
 ب- موضوع و ضمانت اجرایی  
 ج- موضوع و منبع بین المللی  
 د- جنبه بین المللی و منبع بین المللی

ب - ۷

ب - ۶

الف - ۵

ج - ۴

د - ۳

ج - ۲

ج - ۱



ارشد سراسری ۸۰

۸- رویه قضایی ملی، از منابع حقوق بین الملل ..... است.

الف- عمومی

ب- عمومی و خصوصی

ج- خصوصی

د- کیفری

۹- در مورد برواتی که در خارج ایران صادر شده اگر شرایط اساسی برات مطابق قانون ایران موجود باشد کسانی که در ایران تعهداتی کرده‌اند حق استناد به این .....  
ارشد سراسری. اسفند ۸۲

الف - ندارند که شرایط اساسی برات مطابق با قوانین خارجی نیست.

ب - دارند که شرایط اساسی برات مطابق با قوانین خارجی نیست.

ج - ندارند که شرایط اساسی برات مطابق با قانون ملی صادر کننده نیست.  
د - دارند که شرایط اساسی برات مطابق با قانون اقامتگاه صادر کننده نیست

ارشد آزاد. اردیبهشت ۸۴

۱۰- یکی از منابع حقوق بین الملل خصوصی :

الف - اشخاص هستند .

ب - روابط بین الملل می باشد .

ج - اسناد و قراردادهای اشخاص خصوصی می باشد.

د - عهدنامه ها هستند .

ارشد آزاد. اردیبهشت ۸۴

۱۱- شخصی که تابعیت ایران را کسب کرده است :

الف - نمی تواند درانتخابات ریاست جمهوری شرکت کند و رای بدهد .

ب - نمی تواند درانتخابات ریاست جمهوری شرکت کند و رئیس جمهور شود.

ج - او ایرانی است و از لحاظ حقوق عمومی و انتخابات هیچ منعی ندارد و می تواند رئیس جمهور هم شود.

د - اگر مرتکب جرم مهمی بشود تابعیت ایران از او سلب خواهدشد .

ارشد سراسری . بهمن ۸۷

۱۲- حقوق بین الملل خصوصی.....

الف - شعبه ای از حقوق عمومی داخلی است.

ب - شعبه ای از حقوق خصوصی داخلی است .

ج - سبب بهتر فهمیدن حقوق داخلی می شود .

د - سبب بهتر فهمیدن حقوق بین الملل عمومی می شود .

ارشد سراسری . بهمن ۹۲

۱۳- تابعیت دوگانه اصلی معلول تعارض ..... است .

الف - دو سیستم خون

ب - دو سیستم خاک

ج - سیستم وحدت و استقلال نسبی

د - سیستم وحدت و استقلال مطلق

ردیف	الف	ب	ج	د	ردیف	الف	ب	ج	د	ردیف	الف	ب	ج	د	ردیف	الف	ب	ج	د
۱			♣		۵۱					۱۰۱					۱۵۱				
۲			♣		۵۲					۱۰۲					۱۵۲				
۳				♣	۵۳					۱۰۳					۱۵۳				
۴			♣		۵۴					۱۰۴					۱۵۴				
۵	♣				۵۵					۱۰۵					۱۵۵				
۶		♣			۵۶					۱۰۶					۱۵۶				
۷		♣			۵۷					۱۰۷					۱۵۷				
۸			♣		۵۸					۱۰۸					۱۵۸				
۹	♣				۵۹					۱۰۹					۱۵۹				
۱۰				♣	۶۰					۱۱۰					۱۶۰				
۱۱			♣		۶۱					۱۱۱					۱۶۱				
۱۲				♣	۶۲					۱۱۲					۱۶۲				
۱۳	♣				۶۳					۱۱۳					۱۶۳				
۱۴					۶۴					۱۱۴					۱۶۴				
۱۵					۶۵					۱۱۵					۱۶۵				
۱۶					۶۶					۱۱۶					۱۶۶				
۱۷					۶۷					۱۱۷					۱۶۷				
۱۸					۶۸					۱۱۸					۱۶۸				
۱۹					۶۹					۱۱۹					۱۶۹				
۲۰					۷۰					۱۲۰					۱۷۰				
۲۱					۷۱					۱۲۱					۱۷۱				
۲۲					۷۲					۱۲۲					۱۷۲				
۲۳					۷۳					۱۲۳					۱۷۳				
۲۴					۷۴					۱۲۴					۱۷۴				
۲۵					۷۵					۱۲۵					۱۷۵				
۲۶					۷۶					۱۲۶					۱۷۶				
۲۷					۷۷					۱۲۷					۱۷۷				
۲۸					۷۸					۱۲۸					۱۷۸				
۲۹					۷۹					۱۲۹					۱۷۹				
۳۰					۸۰					۱۳۰					۱۸۰				
۳۱					۸۱					۱۳۱					۱۸۱				
۳۲					۸۲					۱۳۲					۱۸۲				
۳۳					۸۳					۱۳۳					۱۸۳				
۳۴					۸۴					۱۳۴					۱۸۴				
۳۵					۸۵					۱۳۵					۱۸۵				
۳۶					۸۶					۱۳۶					۱۸۶				
۳۷					۸۷					۱۳۷					۱۸۷				
۳۸					۸۸					۱۳۸					۱۸۸				
۳۹					۸۹					۱۳۹					۱۸۹				
۴۰					۹۰					۱۴۰					۱۹۰				
۴۱					۹۱					۱۴۱					۱۹۱				
۴۲					۹۲					۱۴۲					۱۹۲				
۴۳					۹۳					۱۴۳					۱۹۳				
۴۴					۹۴					۱۴۴					۱۹۴				
۴۵					۹۵					۱۴۵					۱۹۵				
۴۶					۹۶					۱۴۶					۱۹۶				
۴۷					۹۷					۱۴۷					۱۹۷				
۴۸					۹۸					۱۴۸					۱۹۸				
۴۹					۹۹					۱۴۹					۱۹۹				
۵۰					۱۰۰					۱۵۰					۲۰۰				

ردیف	الف	ب	ج	د	ردیف	الف	ب	ج	د	ردیف	الف	ب	ج	د	ردیف	الف	ب	ج	د
۱					۵۱					۱۰۱					۱۵۱				
۲					۵۲					۱۰۲					۱۵۲				
۳					۵۳					۱۰۳					۱۵۳				
۴					۵۴					۱۰۴					۱۵۴				
۵					۵۵					۱۰۵					۱۵۵				
۶					۵۶					۱۰۶					۱۵۶				
۷					۵۷					۱۰۷					۱۵۷				
۸					۵۸					۱۰۸					۱۵۸				
۹					۵۹					۱۰۹					۱۵۹				
۱۰					۶۰					۱۱۰					۱۶۰				
۱۱					۶۱					۱۱۱					۱۶۱				
۱۲					۶۲					۱۱۲					۱۶۲				
۱۳					۶۳					۱۱۳					۱۶۳				
۱۴					۶۴					۱۱۴					۱۶۴				
۱۵					۶۵					۱۱۵					۱۶۵				
۱۶					۶۶					۱۱۶					۱۶۶				
۱۷					۶۷					۱۱۷					۱۶۷				
۱۸					۶۸					۱۱۸					۱۶۸				
۱۹					۶۹					۱۱۹					۱۶۹				
۲۰					۷۰					۱۲۰					۱۷۰				
۲۱					۷۱					۱۲۱					۱۷۱				
۲۲					۷۲					۱۲۲					۱۷۲				
۲۳					۷۳					۱۲۳					۱۷۳				
۲۴					۷۴					۱۲۴					۱۷۴				
۲۵					۷۵					۱۲۵					۱۷۵				
۲۶					۷۶					۱۲۶					۱۷۶				
۲۷					۷۷					۱۲۷					۱۷۷				
۲۸					۷۸					۱۲۸					۱۷۸				
۲۹					۷۹					۱۲۹					۱۷۹				
۳۰					۸۰					۱۳۰					۱۸۰				
۳۱					۸۱					۱۳۱					۱۸۱				
۳۲					۸۲					۱۳۲					۱۸۲				
۳۳					۸۳					۱۳۳					۱۸۳				
۳۴					۸۴					۱۳۴					۱۸۴				
۳۵					۸۵					۱۳۵					۱۸۵				
۳۶					۸۶					۱۳۶					۱۸۶				
۳۷					۸۷					۱۳۷					۱۸۷				
۳۸					۸۸					۱۳۸					۱۸۸				
۳۹					۸۹					۱۳۹					۱۸۹				
۴۰					۹۰					۱۴۰					۱۹۰				
۴۱					۹۱					۱۴۱					۱۹۱				
۴۲					۹۲					۱۴۲					۱۹۲				
۴۳					۹۳					۱۴۳					۱۹۳				
۴۴					۹۴					۱۴۴					۱۹۴				
۴۵					۹۵					۱۴۵					۱۹۵				
۴۶					۹۶					۱۴۶					۱۹۶				
۴۷					۹۷					۱۴۷					۱۹۷				
۴۸					۹۸					۱۴۸					۱۹۸				
۴۹					۹۹					۱۴۹					۱۹۹				
۵۰					۱۰۰					۱۵۰					۲۰۰				

ردیف	الف	ب	ج	د	ردیف	الف	ب	ج	د	ردیف	الف	ب	ج	د	ردیف	الف	ب	ج	د
۱					۵۱					۱۰۱					۱۵۱				
۲					۵۲					۱۰۲					۱۵۲				
۳					۵۳					۱۰۳					۱۵۳				
۴					۵۴					۱۰۴					۱۵۴				
۵					۵۵					۱۰۵					۱۵۵				
۶					۵۶					۱۰۶					۱۵۶				
۷					۵۷					۱۰۷					۱۵۷				
۸					۵۸					۱۰۸					۱۵۸				
۹					۵۹					۱۰۹					۱۵۹				
۱۰					۶۰					۱۱۰					۱۶۰				
۱۱					۶۱					۱۱۱					۱۶۱				
۱۲					۶۲					۱۱۲					۱۶۲				
۱۳					۶۳					۱۱۳					۱۶۳				
۱۴					۶۴					۱۱۴					۱۶۴				
۱۵					۶۵					۱۱۵					۱۶۵				
۱۶					۶۶					۱۱۶					۱۶۶				
۱۷					۶۷					۱۱۷					۱۶۷				
۱۸					۶۸					۱۱۸					۱۶۸				
۱۹					۶۹					۱۱۹					۱۶۹				
۲۰					۷۰					۱۲۰					۱۷۰				
۲۱					۷۱					۱۲۱					۱۷۱				
۲۲					۷۲					۱۲۲					۱۷۲				
۲۳					۷۳					۱۲۳					۱۷۳				
۲۴					۷۴					۱۲۴					۱۷۴				
۲۵					۷۵					۱۲۵					۱۷۵				
۲۶					۷۶					۱۲۶					۱۷۶				
۲۷					۷۷					۱۲۷					۱۷۷				
۲۸					۷۸					۱۲۸					۱۷۸				
۲۹					۷۹					۱۲۹					۱۷۹				
۳۰					۸۰					۱۳۰					۱۸۰				
۳۱					۸۱					۱۳۱					۱۸۱				
۳۲					۸۲					۱۳۲					۱۸۲				
۳۳					۸۳					۱۳۳					۱۸۳				
۳۴					۸۴					۱۳۴					۱۸۴				
۳۵					۸۵					۱۳۵					۱۸۵				
۳۶					۸۶					۱۳۶					۱۸۶				
۳۷					۸۷					۱۳۷					۱۸۷				
۳۸					۸۸					۱۳۸					۱۸۸				
۳۹					۸۹					۱۳۹					۱۸۹				
۴۰					۹۰					۱۴۰					۱۹۰				
۴۱					۹۱					۱۴۱					۱۹۱				
۴۲					۹۲					۱۴۲					۱۹۲				
۴۳					۹۳					۱۴۳					۱۹۳				
۴۴					۹۴					۱۴۴					۱۹۴				
۴۵					۹۵					۱۴۵					۱۹۵				
۴۶					۹۶					۱۴۶					۱۹۶				
۴۷					۹۷					۱۴۷					۱۹۷				
۴۸					۹۸					۱۴۸					۱۹۸				
۴۹					۹۹					۱۴۹					۱۹۹				
۵۰					۱۰۰					۱۵۰					۲۰۰				